۲

مَفاتيحُ الأسرار

تهيه وتنظيم

أقل العباد الشيخ حبيب بن موسى الرضا

افشاری ارومیه ئی النجفی

از انتشارات کتابخانه ارومیه
قم گذرخان

مفاتيح الأسرار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد وآله الطيبين الطاهرين

وبعد چنين كويد شيخ حبيب شيخ موسى شيخ نظر على ارومية نجف

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم العلم خليل المؤمن والحلم وزيره والعقل دليله والعمل قائده والرفق والده والبر أخوه والصبر أمير جنوده

مصابيح الأنام بكل أرض

هم العلماء بالله الكرام

قيمة كل امرء ما يحسنه

مقدمه کتاب

نظامی

نظم از چه بر نسب بلندپایه است — آن علم طلب که سودمند است

در نافه دو علم بری طیب است — آن هر دو فقیه یا طبیب است

تحصیل نام نیک

ای طالب خلود و بقاء و دوام عمر — باقی بذکر خیر بود نام آدمی

هرچند فکر میکنم از هرچه در جهان — نام نکوست حاصل ایام آدمی

نظم

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز — مرده آنست که نامش بنکویی نبرند

غرض از این کلمات سبب شد که باید سعی کند عمر خود را تباه نکند و در امور مردم سعی کند که استفاده مخلوق باشد که خدا تعالی میفرماید إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَٰنُ وُدًّا

غرض عمر مرا در زحمات گوناگون کشیدم و چند کتاب را تصنیف کردم نقلاً دوست رس مردم قرار گرفت و این کتاب آخر از عمر من بود و سعی کردم با تمام برسانم و از خدا تعالی استعانت بجویم که تمام شود و او را نام نهادم مفاتیح اسرار الغریبه که استفاده برای هر کس باشد و ما را بذکر خیر فراموش

در بیان مقدمه

نکته

نظم

من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم / تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال

اینچند کلمه بعنوان یادبود قلمی شد استدعا از آن جناب است که
منظان استجابت دعوات وخلوات با حضرت قاضی الحاجات این
روسیاه بدرگاه اله را فراموش نفرموده و ترحم بر این مسکین و محتاج
درحیات وبعد از ممات مضایقه نفرمایند خواجه

بیت درلوح دلم جز الف قامت یار / چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم

ایضاً

توکلنا علی ربّ السماء / وَسلّمنا لاسباب القضاء

توکل علی الرحمن فی کلِّ حاجة / اردتَ فانّ الله یقضی ویقدرُ

ختم ومن یتق الله

فائده اول ختم آیه شریفه است وَمَن یَتَّقِ اللهَ یَجعَل
لَهُ مَخرَجاً وَیَرزُقهُ مِن حَیثُ لا یَحتَسِبُ وَمَن یَتَوَکَّل عَلَی الله
فَهُوَ حَسبُهُ اِنَّ الله بالِغُ اَمرِهِ قَد جَعَلَ اللهُ لِکُلِّ شَیءٍ قَدراً
وختم این آیه شریفه از جهت کثرة رزق وبسیاری مال وزیادی
سامان وجمعیت ورسیدن بمال ومتاع دنیا وغیره ذلک از
امور دنیویه از ختوم مجربه است واز امیرالمؤمنین ع مرویست
وجمع کثیر وجم غفیر ادعای تجربه نموده اند وطریقه آن بایی

نوع است که ابتدای ختم آن باید روز جمعه یا پنجشنبه یا
دوشنبه باشد و پنجشنبه بهتر از جمعه و دوشنبه باشد تا چهل
روز هر روز یکصد و پنجاه نه مرتبه بخواند بدون زیاد و کم و
و بهتر آنست که بعد از نماز صبح بخواند مگر در روز چهلم که
یکصد و هفتاد و نه مرتبه بخواند که بیست مرتبه علاوه
باشد که مجموع شش هزار و سیصد و هشتاد مرتبه میشود و
که عدد آیهٔ شریفه است البته بعد از خواندن یا در اثنا
خواندن ابواب فتح و فیروزی و مقصود برروی او گشاده
میشود و در ابتدای ختم غسل از برای قضای حاجت و استجابت
دعوت بعمل آورد و دو رکعت نماز حاجت و صد بار صلوات
ایضًا بعمل بیاورد و بنیت صادق و اعتقاد درست و دل جمع
آیه را بخواند و دعا کند چندان سال با کرامت فرماید
که از حساب عاجز آید و در دهه اول انشاء الله تعالی
فتح است و در روز چهلم که تمام شود باز یکصد مرتبه
صلوات بفرستد و اگر در اول در دههٔ ثانی و ثالث
مقصود حاصل است و اگر احیانًا در اثنای چهل روز
فتح شود ختم از سر گیرد که انشاءالله تعالی بلا اشتباه و
بدون شبهه در ختم ثانی مراد حاصل است تمت

دعاء ثبات

فائدة عظيمة عن مولانا الحسين صلوات الله عليه الدعاء المعروف بدعاء الثبات المأخوذة بذ نبر وهو ما روى عن جماعة بسند ذي الحديث الى الحسين بن على عليهما السلام قال كنت مع على بن ابيطالب عليه السلام في الطواف في ليلة دبجوجية قليلة النور وقد خلا الطواف ونام الزوار وهدأت العيون اذ سمعنا مستغيثا مستجيرا مترحما بصوت محزون من قلب موجع وهو يقول

يَا مَنْ يُجِيبُ دُعَى الْمُضْطَرِّ فِي الظُّلَمِ
يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلْوَى مَعَ السَّقَمِ
اَدْعُوكَ رَبِّ حَزِينًا خَائِفًا قَلِقًا
فَارْحَمْ بُكَائِي بِحَقِّ الْبَيْتِ وَالْحَرَمِ
قَدْ نَامَ وَفْدُكَ حَوْلَ الْبَيْتِ وَانْتَبَهُوا
يَدْعُوا وَعَيْنُكَ يَا قَيُّومُ لَمْ تَنَمِ
هَبْ لِي بِجُودِكَ فَضْلَ الْعَفْوِ عَنْ جُرُمِي
يَا مَنْ اَشَارَ اِلَيْهِ الْخَلْقُ فِي الْحَرَمِ
اِنْ كَانَ عَفْوُكَ لَا يَرْجُوهُ ذُو سَفَهٍ
فَمَنْ يَجُودُ عَلَى الْعَاصِينَ بِالنِّعَمِ

در بیان خواص فاتحة الکتاب

خواص فاتحة الکتاب

در خواص فاتحة الکتاب بدانکه بیست و یکهزار خاصیت در سوره فاتحة الکتاب چه در امور دنیوی و چه در امور اخروی بعضی که اثران مشابهی رفته اند و از قاریان این سوره هار شماع اعتمادی عملی می شود یا در دمنقان از آن باید گیرند در خواص سوره فاتحة الکتاب شرط اول است که معنی لغوی ان بداند و به نیت هر مراد که خواهد بخواند از این محل که ایاک نعبد و ایاک نستعین بربه مراد خود در دل بگذارند که تو را می پرستم یاری از تو میخواهم یارب العالمین و چون متوجه سفری یا کاری جدیدی شود در اهدنا الصراط المستقیم مراد در دل بگذارند و چون خوف از دشمن یا دزدی یا زحمتی داشته باشد در غیر المغضوب علیهم مراد خود در ضمیر آورد و اگر دوستی یا خصمی یاری داشته باشد در همین آیه دوست را در خاطر بگذارد و اگر کاری و عاقبت ان اندیشه در و لا الضالین امید و طلب در دل بگذارند بی شک بمراد بر سد بر جه زود تر ساعتی و بعضی خواص این سوره از مجربات است در قلم آورده می شود بدان امین که چون بمراد

برسد فاتحه بهدیه بروح واگر دختری را بخت
بسته باشد تا کسی را بر حلال خود بسته هفت روز یکشنبه
وچهارشنبه برنك عدد درست ۱۴۳ بار بخواند
ودر زیر دامن انکس بسوزاند البته کشاده باید درهم
بستگیها بهمین دستور عدد بخواند که البته بمراد برسد
واگر غایبی داشته باشد که خبرا و معلوم نباشد تا چهل
روز یا چهل شب هر شب برای خوش اندکی بر اتش نهد
و ۱۴۳ بار بخواند غایب در میانه برسد یا حال او کما
هو حقه معلوم شود واگر کسی مرضی داشته باشد که اطباء
از علاج ان عاجز باشند این سوره بر هفت بار عشك
در زعفران و گلاب بر ظرف چینی پاك بنویسد ۱۴۳ بار
بخواند ودم بران ظرف در مدبنویسد دعاء العسل نیم گرم
کرده بخوردان بیمار دهد البته شفا یابد واگر بجهة
سبکباری وضع حمل یکبار بر ظرف بنویسد بهمین صفت
و ۱۴۳ بار بخواند ان زن باسانی بار حمل بنهد واگر
کسی در بندی یا زندانی باشد هر روز باین عدد بخواند
خلاص شود واگر کسی را قرض باشد یا دست تنگ باشد
بدین نوع که گفته شد بخواند غنی گردد واگر مشکلی داشته

باشد

باشد آسان گردد فایده در جمله مرادات دین ودنیا
واخرت وحب وبغض وشفا وشقا وترس واندوه وبیم
سلطان وتندی دوستان وموافقت ازدواج وتوجه بودن
درامور سوره فاتحة الکتاب میخواند هر بار که ایاک
بایاک نعبد وایاک نستعین میرسد مراد خود
دردل بگذارند که البته مراد حاصل شود

فایده اسم هر مرادکه داشته باشد از بابت دوستی
ودشمنی وغیره حساب کنند بحساب جمل وعدد وسیط
وبهر یک عدد فلفل بستاند وبرهر یک یک سوره
فاتحة الکتاب بخواند ویکیک درآتش می اندازد ذمی
گرد د فلانکس را درآتش انداختم بمهر ومحبت ۲ ۲ ۲
بحق سوره فاتحة الکتاب واگر برموی خواند یا انار
بهر دانه یکبار بخواند واگر آن عدد برحلوا خواند یا
برشکر یا نبات دهد بخورد آنکس دهد محبت بیفزاید واگر
زن وشوهری باشد بعدد نام هردو بخواند وباهم
بخواند البته محبت سازکاری درمیان ایشان پیدا
شود واگر برای دشمنی کند برچیزی ترش یا تلخ خواند
وبایشان بخوراند

مثال اعداد

مثال اسم دوست حکیم عددش ۷۸ هشتاد و سه بار و هفتاد و هشت دانه نافل بخواند و برانش ریزد با ۷۸ بار و شیرینی خواند بهر مرادی که دارد بدین حاصل شود

مثال سفر چون خواهد بسفر رود و دران روز که عزم سفر دارد سفر سه حرف است ۳۴۰ عدد دارد و دران روز ۳۴۰ بخواند و عزیمت کند دران سفر از قطاع الطریق و جمیع آفتها و مرضها در امان باشد

قرض ۱۱۰۰ بجهت مرض ۱۰۰۴۰ بار بجهت محبت ۴۰۰۵ بجهت کشف ارواح ۶۱۶ بجهت تسخیر جن ۱۲۴۳ جهت ن ۱۱ که ۱۳۸۱ بار جهت ملوک ۹۶ جمعه ۶۶ ۱۳ جهت حلیمه بجهت جن ۳ ۵ ۶ و بدین مثال قیاس دیگر در مراد کنند

باب اول چون خواهند که کسی را مال و جاه و حرمت بیفزاید عدد اسم او را چند نکته تواند مضاعف کنند و بنویسد و هر تضعیفی در طلسمی جدا گانه بنویسد و از اسماء الله هر کدام که بان عدد موافق باشد بنویسد بعد از ان عدد آخر تضعیفا باز و در مربع رقم دهد و هر روز کار را

ملا کرد

مثال اعداد

بالا گیرد اما باید که صاحب آن ساعت سعد باشد
بر سعدی و طالع آن ساعت بحکم خدا بمراد برسد
مثال در اسم حسن چون خواهم که حسن را مرتبه و دو
لت زیاده گردد اسم حسن که ۱۱۱ است مضاعف گردا
نیم هر چند بیشتر بهتر و در هر مرتبه عدد اسم که حاصل می
شود اسمی از اسماء الله بهمان عدد بیدا کنیم و در پهلوی
آن عدد نهیم عظیم مؤثر باشد مجرب است
باب دویم در جمیع در خواص جمعیت و الفت میان
دو کس چون خواهیم که میان بر کس جمعیت و الفت شود عدد
اسم هر دو جمع کنیم و باز جمع کنیم عدد اسم طالب هر چند بیشتر
جمع کنیم بهتر شود
مثال عدد هر دو اسم اینست ۵۱۴ رشید ۵۲۶۵۱۴
شکور ۵۲۰ صغیر ۲ با طالع و ساعت و نظر مذکوره
نگاه کردن سر باید داشت و اسماء الله بمطابق عدد هر مرتبه
استخراج کند چنانکه نموده شد نیز او حاصل گردد به نیت
و مراد و اسم الفت و محبت باین عددها جمع کند با مطابق
عدد احضر کند و بخا محبت مجرب است

۶۲ ۷۳۶۹۱۶۲ این دو کس پیدا شود واگر عدد حاصل شود در عدد اسم هر دو ضرب کنند الفت زیاده شود دیگر عدد حاصل از هر دو جدا در عدد اسم مطلوب ضرب کنند وجدا در عدد اسم طالب ضرب کنند بهتر باشد ۴ ۹۱

بر شمال عدد نفیس جمع حاصل ضرب اسمین

جمع اسمین ۳۰۹۲ ۸۵۸۲ ۳ ۶۱۲ ۲ ۲ زت

۱۱۵۱۶۲۷۳۶ حاصل ضرب اسمین یعنی حاصل ضرب اسمین در یکدیگر را که

در این هر دو اسم ضرب کنند این عدد حاصل شود ۲۰۶۲۸۷۵۶۵۲

حاصل الضرب در اسم طالب ۸۲۸۹۶۰۸۰۹۹۶ حاصل ضرب در اسم مطلوب

باب در خواص قسمت این عمل در تسخیر خواتین واهل طرب نکبت اسم مطلوب را بر اسم طالب قسمت کنند تا جمع که قسمت پذیر باشد واسماء الله در روز وساعت وطالع وقت وسعادت آن نیک است احتیاط کنند وطالع سعد نگاه دارند

مثال اسم فاطمه را بر اسم علی قسمت کنم عدد اسم علی ۱۱۰ وعدد اسم فاطمه ۱۳۵ ۱۳۵ ۱۱۰ قسمت کردم حاصل آمد ۱۱ ۱۳۵ جمعه ۲۷۰

فصل اگر کسی خواهد که در نظر سلاطین عزیز و مکرم

ملتز

مثال اعداد

باشد اسم انکس را با بینات بنویسد وضرب مکرر را طرح کند
بدین نوع من ل اطی ن بن ام لف الو ن ر
من ل اطی ن م ف ن وازاین اسماء الله بیرون آورد
اما عدد بعد از اسم بیرون آورد اسماء الله ازان حرف آنم
وبینات حروف وحروف اسماء الله با عدد واسم اصل
موازنه کند تنها به با حروف بینات نیز مثال
سلاطین ۶ حرف است وعددش ۱۰۶ واسماء الله
باید که ۶ حرف باشد وعددش ۱۰۶ واگر اسم با بینات
بعد در آورد ودر اسماء الله هم بدین نوع حساب کند
بیش باشد مثال همین اسم سین لام الف طا یا
نون حروفش ۶۱ وعددش ۴۲۹ وجمله بدین مثال
باشد سلام دافی لطیف مثال حروفش ۱۰ وعددش
۴۲۹ واین نیز نوع است که بهمه مرادات نزدیک است
واگر اسماء الله باز با ان حروفات اسم امتزاج دهد
حرفا بحرف واعداد جمله بستاند ودر مربع بنهد وبا
خود دارد ودر خواندن اسماء ۱۶ روز مواظبت نماید
واگر امتزاج داده باشد ۴۲ روز بخواند البته مراد

باید و بمقصود برسد و بمجموع مرادات اسم آن مراد بهمین
نوع استخراج کند و بخواند از طلب علم و کشف و عزت و مال
و حرمت و تسخیر و حب و بغض و دفع مار و کژدم و دشمن
و آفت مزروعات و مرضهای مزمن و بستن و گشودن
و قید و قتل و حفظ مال و فرزند و مواشی و ورود روحانیات
و تسخیر کواکب و هر چه در ضمیر آید اسم آن نوع را بهمین صفت
با اسماء الله موازنه کند بعدد حروف بخواند و بعدد حروف
در روزها مداومت نماید و عدد اصل بحدی تکرار کردن
اسما و در هر روز باشد و اگر تواند حروف غیر مکررش دو
سلات تکسیر تام آورد که مجموع خواصها از اسماء الله و اسماء
روحانیه و هر لفظ که از آن مستفاد گردد حاصل شود و بهمه
لغتهای مختلف والله اعلم

باب بدانکه ضابطهٔ شیخ محی الدین سؤال کردیم مثلاً
مقطعه سؤال چنین باشد که بهاء الدین کرده ه ل ی
ل ش ف ل م ح م د ع ل ی ب ن ل ل ل ث و م س
ح د و ل ا ل س ب ا غ ی ا ل د ب ا ع ی عدد
سؤال ٢١١٤ می شود ٣٦٠ عدد از آن طرح کردیم
باقی ماند ٢٩٤ ربع آن ٢١ ٥ کسر ٢ در مربع باید

من بلم شیخ محی الدین

افناز ارادع

ضابطه حروف

رفتار کردیم وعکس رفتار مشهور است بعد از ان خانه اول

واستنطاق کردیم با خانه دویم سطر طولی یکحرف اورا گرفتیم

د ل ث هـ بعد ازان دائره ابقع را در حدودی ۷ در ۴

بردیم از طول دا از عرض حد دل دایره الک ا دخ بهم رسد

پس دو دائره منصوب ای ق ع ف س ب ک رج ل ش

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۲۰ ۳۰

ن ع ذ م ت هـ ص ث و خ ز ذ ح و یکی دیگر مقلوب ض

۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰

ظ که از عرض حدودی بهم برسد ا ل ک د خ ی ز م ز ق

۱۰۰۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

ج ث ذ غ ل هـ ح ف ش ص ض س ن ث ط ب ج

۱۰ ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰

و ظ پس دویست و ده که قسمی از تعادل است و دو حروف

۹۰۰ ۱۰۰۰

انچه مضاعف کردیم چنین شد ا ب ج د هـ و ز ح ط ی ک ل

۲ ۱ ۴ ۲ ۶ ۴ ۱۰ ۶ ۱۵ ... ۱۸ ... ۲۳۰ ۲۷۰ [illegible]

م ن

س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ

۲۵۰ ۲۷۰ ۲۹۴ ۳۱۰ ۳۲۶ ۳۵۷۰ ۳۷۸ ۳۹۹ ۴۲۰ ۴۲۱ ۴۲۰۰ ۴۸۳ [illegible]

ض ظ غ

۶ ۵۴ ۵۶۷ ۵۸۸ دو رس سؤال و جواب سه مرتبه تکسیر شده پس

امهات مذکوره را که ز ل ث هـ شده شد حرف غیر حرف اول را

عدد گرفتیم که ل ث هـ باشد عدد ش را از دایره مضروب

عدد گرفتیم ل ث هـ جمله ۲۱۰ میشود مرتبه ل ۲۰ است

ودر دور را حادا است دو بکیریم و حرف ث در صورت دوم است
و در مرتبه عشرات واقع است ۲۰ بکیریم و حرف ه که نود است و در مرتبه
صغیرش ۱۹ است و در مرتبه مآت واقع شده است نصف بکیریم
جمله ۲۲ ۹ می شود و باز عکس را بنویسیم ه ث ل ز پس باز برای
۶۰۵ ۵ ۶۰۵
حرف اول ۳ حرف دیگر شد که ث ل ز است بدستور مذکور
از دایره منصوب عدد در مرتبه بکیریم عددش میان میشود مرتبه اش
۲۵۵ این چهار عدد را جمع کنیم ۲۵۷ تعدیل است که عکس از نحوی
است حرف اول امهات از تعارلیت که تعدیلش ۶۴۲۵ میشود
با این عدد ۲۵۷ تفاوت میکیریم یعنی اول را از اکثر وضع می کنیم ۲۵۶۳
باقی می ماند ۲۸ در ۲۸ طرح می کنیم ۱۵ عدد می ماند از اول ابجد
بشماریم حرف ۱۵ س است وقس علی هذا باز ز ل ث ه و بهمان
تکسیر کنیم ل ث ه ز مقلوب ز ه ث ل میشود منصوب را از دایره منصوب
بدستور شه حروف ث ز ه عدد و مرتبه بگیرد و مقلوب از دایره عدد
مقلوب بگیرد مرتبه بگیرد و جمع کن و تعدیل حرف را از آن وضع کن و تتمه را
۲۸۲۸ طرح کن و در ابجد لفظ کن عدد ۲۰ بحرف ک میرسد در تکسیر
دیگر ث ه ز ل بدستور عمل کن حرف ه استخراج می شود باز
تکسیر دیگر کن ه ز ل ث بدستور عمل حرف ۷ میشود باز تکسیر دیگر
ث ل ز ه بدستور عمل کن حرف ص میشود باز تکسیر دیگر ز ه ل
بدستور حرف دیگر کن ث ه ل ز که ز ل ه بدستور حرف واو شود
باز تکسیر دیگر ز ه ل بدستور حرف ص شود باز تکسیر دیگر ه ل ث ز

بعضی از ضابطه حروف

حرکت دادن جمادات مثل سنگ وچوب وانچه مانند جمادات است بخوان قسم مبارک رابعد از انکه نوشته باشی انیطلسم بران وبکشد ان جمادات را اگرخواهد انشاء الله اما باید مردی باشد که ستاره اوابی باشد یا بادی وبگذار کف خود را بران چیز که میخواهد حرکت کند بعد از نوشتن طلسم وملائکه اربعه جبرائیل جبرئیل شبائیل میکائیل میکائیل شلثائیل عزرا شبائیل اسرافیل وانفخ فیها بااسرافیل وبنویس این طلسم را [illegible] ۲۱۲ ک ۱۱۱ ۱۹۰ ۸۸۸ وقسم اینست باید باهیبت بخواند ودردست اوچوب ازمسواک یا نمران باشد وبران بنویسد قل هو الله را تماما حروف واین حروف هم بنویسد

دح ل ع رخ غ ج رل س ق ث ظ ض ص

وبرین کاهی ان چوب را بران کرد وان شود اسری ایتها الجماد حتی بهیا اسری ایها الجماد باذن المثنی من المثنی وانشاء الشیء لامن الشیء وجعله شیئا وليس هو شیئا الله لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم الرب الملك القدوس السلام الحنان المنان العزیز الحکیم

[illegible]

المبین الجبار المتکبر السمیع الاول والاخر الظاهر الباطن
لا تأخذه سنة ولا نوم له ما فی السموات وما فی
الارض من ذی الذی الی هو العلی العظیم بحوان
شمرودش عطرودش عیطرودش عکموش کوککموش
مهکوش سمهکوش شرودش سمهرودش شمخاوش شمهرودش
اتوبا غزبما عزیزا کریما مبینا اهبطوا انزلوا وحرکوا و
سیروا اظهروا وانجزوا بحق اسم الله الاعظم وبنور الکرسی
اظهروا المطلوب کاین ما کان بمن امره بین الکاف و
النون وجعلنا فیها جنات من نخیل واعناب وفجرنا
فیها من العیون کذلک نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون
هیوطا شفوطا خبوطا تنوطا دهوطا فهوطا خیزطا
خیوطا تنوطا وهوطا انزلوا وحرکوا بحق تمام شد

در بیان قواعد حروف

در بیان قواعد ۱۵ در ۱۵ لوح صحیح آقا سید حسن طرح

۸ ۱۶ — هرگاه ۱۴ زیاد در خانه ۱۶ و اگر ۱۳ زیاد

شد در خانه ۳۱ و اگر ۱۲ شد در خانه ۴۶ و اگر

۱۱ زیاد شد در خانه ۱۶ و اگر ۱۰ زیاد شد در خانه

۷۶ و اگر ۹ زیاد شد ۱۰ در خانه ۹۱ زیاد شد

در خانه ۱۰۶ اگر ۷ زیاد شد در خانه ۱۲۱ و اگر

۶ زیاد شد در خانه ۱۳۶ و اگر ۵ زیاد شد در

خانه ۱۵۱ و اگر ۴ زیاد شد در خانه ۱۶۶ و اگر

۳ زیاد شد در خانه ۱۸۱ و اگر ۲ زیاد شد

در خانه ۱۹۶ و اگر زیاد شد در خانه ۱۱۱

زیاد شد کنند ۹ و السلام ۱۵ در ۱۵ لوح در صفحه

سبد ذکر میشود

طلسم باری

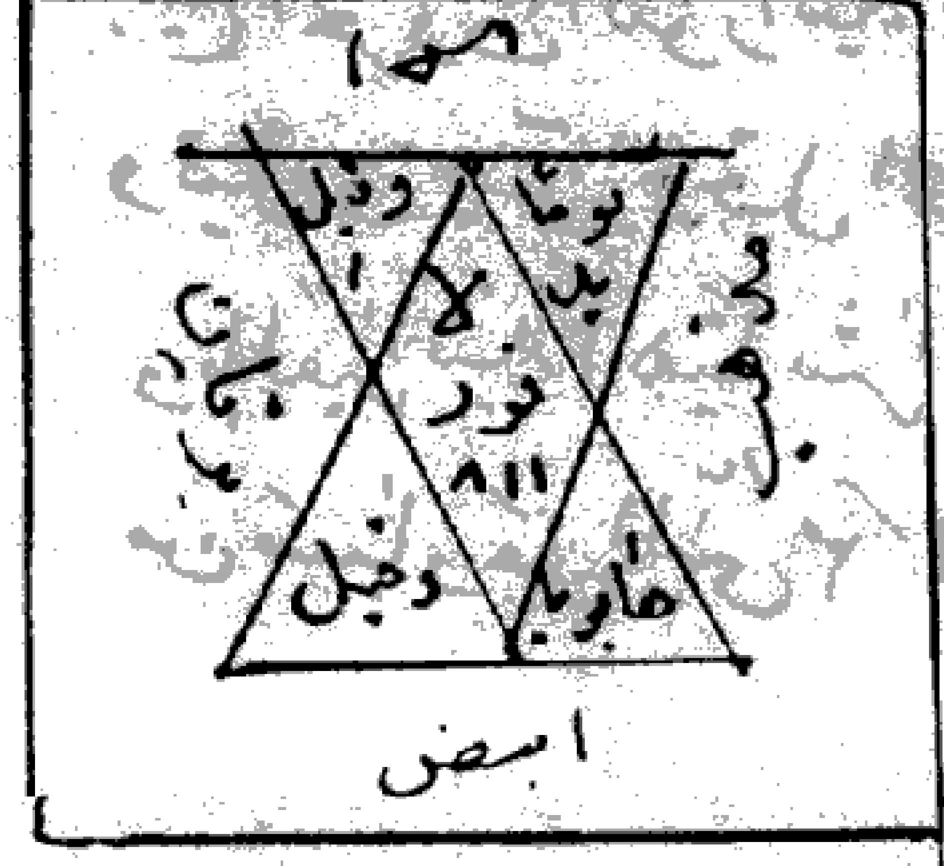
ب	ا	ر	ی
۱۶۰	۴۵	۳	۵
۱۰	۱۵۹	۷	۳۸
۴۱	۹	۴	۱۶۰

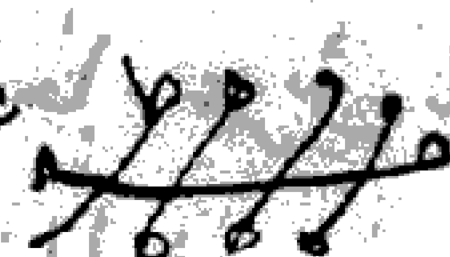
٢١٨	١٨٧	١٥٦	١٢٥	٩٤	٦٣	٣٢	١	٢١٠	١٧٩	١٤٨	١١٧	٨٦	٥٥	٢٤
٩	٢٠٣	١٧٢	١٤١	١١٠	٧٩	٤٨	١٧	٢١١	١٩٥	١٦٤	١٣٣	١٠٢	٧١	٤٠
٢٥	٢١٩	١٨٨	١٥٧	١٢٦	٩٥	٦٤	٣٣	٢	١٩٦	١٨٠	١٤٩	١١٨	٨٧	٥٦
٤١	١٠	٢٠٤	١٧٣	١٤٢	١١١	٨	٤٩	١٨	٢١٢	١٨١	١٦٥	١٣٤	١٠٣	٧٢
٥٧	٢٦	٢٢٠	١٨٩	١٥٨	١٢٧	٩٦	٦٥	٣٤	٣	١٩٧	١٦٦	١٥٠	١١٩	٨٨
٧٣	٤٢	١١	٢٠٥	١٧٤	١٤٣	١١٢	٨١	٥٠	١٩	٢١٣	١٨٢	١٥١	١٣٥	١٠٤
٨٩	٥٨	٢٧	٢٢١	١٩٠	١٥٩	١٢٨	٩٧	٦٦	٣٥	٤	١٩٨	١٦٧	١٣٦	١٢٠
١٠٥	٧٤	٤٣	١٢	٢٠٦	١٧٥	١٤٤	١١٣	٨٢	٥١	٢٠	٢١٤	١٨٣	١٥٢	١٢١
١٠٦	٩٠	٥٩	٢٨	٢٢٢	١٩١	١٦٠	١٢٩	٩٨	٦٧	٣٦	٥	١٩٩	١٦٨	١٣٧
١٢٢	٩١	٧٥	٤٤	١٣	٢٠٧	١٧٦	١٤٥	١١٤	٨٣	٥٢	٢١	٢١٥	١٨٤	١٥٣
١٣٨	١٠٧	٧٦	٦٠	٢٩	٢٢٣	١٩٢	١٦١	١٣٠	٩٩	٦٨	٣٧	٦	٢٠٠	١٦٩
١٥٤	١٢٣	٩٢	٦١	٤٥	١٤	٢٠٨	١٧٧	١٤٦	١١٥	٨٤	٥٣	٢٣	٢١٦	١٨٥
١٧٠	١٣٩	١٠٨	٧٧	٤٦	٣٠	٢٢٤	١٩٣	١٦٢	١٣١	١٠٠	٦٩	٣٨	٧	٢٠١
١٨٦	١٥٥	١٢٤	٩٣	٦٢	١	١٥	٢٠٩	١٧٨	١٤٧	١١٦	٨٥	٥٤	٢٢	٢١٧
٢٠٢	١٧١	١٤٠	١٠٩	٧٨	٤٧	١٦	٢٢٥	١٩٤	١٦٣	١٣٢	١٠١	٧٠	٣٩	٨

عمل مجرب في القرطاس

اكتب المربع ذا المثلثين والطلسم عند تحويل الشمس
الى برج الحمل او السرطان او الاسد ولا تأكل سبعة
ايام حيوانيا واقرأ هذه الآية الى اربعين يوما كل
واحد والف مرة زين للناس حب الشهوات من
النساء والبنين الخ قوله تعالى وبعد اليوم السابع
اقرض على هيئة الاشرفي سبع عدد من القرطاس
الملون من الزعفران واجعله تحت سجادتك واقرأ
بعد صلوة الصبح الى اربعين يوما كل يوم اربعين
مرة هذا الدعاء يا فرد يا خبير يا شهيد يا زكي
يا لطيف يا غالب يا مدبر فانفخ على القراطيس فانه
يحصل مطلوبك واياك وان تصرفه في غير مقامه
واجعل المربع والطلسم في مشمع واحفظه عندك
ولا تباعده منك ابدا

٩٦٤٢ م ٢٨١١١ / ١٩١١٤ ا ٧





في الاسم الأعظم

قد اختلفوا في الاسم الأعظم اختلافاً كثيراً ابو بني على ستين قولاً والمشهور انه لفظ الجلالة وقيل في المصحف ولا يتعين وقيل في آية الكرسي من البقرة وفي الله لا اله الا هو الحي القيوم من آل عمران وفي عنت الوجوه للحي القيوم من طه وهو المروي عن النبي ص وروي عن الصادق ع انه ربنا وعن امير المؤمنين ع انه من اول الحديد الى قوله عليم بذات الصدور وفي اخر سورة الحشر ثم ارفع يديك وقل يا من هو هكذا اسألك بحق هذه الاسماء ان تصلي على محمد وآل محمد وسل حاجتك تقضى ان شاء الله تعالى وقيل في البسملة وقيل في الفاتحة وهما المرويان عن الصادق ع وقيل انه حروف التهجي في اوائل سور القرآن يجمعها قولك صراط علي حق نمسكه وقيل انه المتكرر لانه حوى عدد اصول جميع الحروف النورانية وقيل في الانعام بين الجلالتين وقيل في يس وقيل الحواميم وقيل انه يا حي يا قيوم وبالعبرانية اهيا شراهيا وبه جاء عرش بلقيس من سبأ وعن النبي ص انه في اخر الحشر وفي رواية

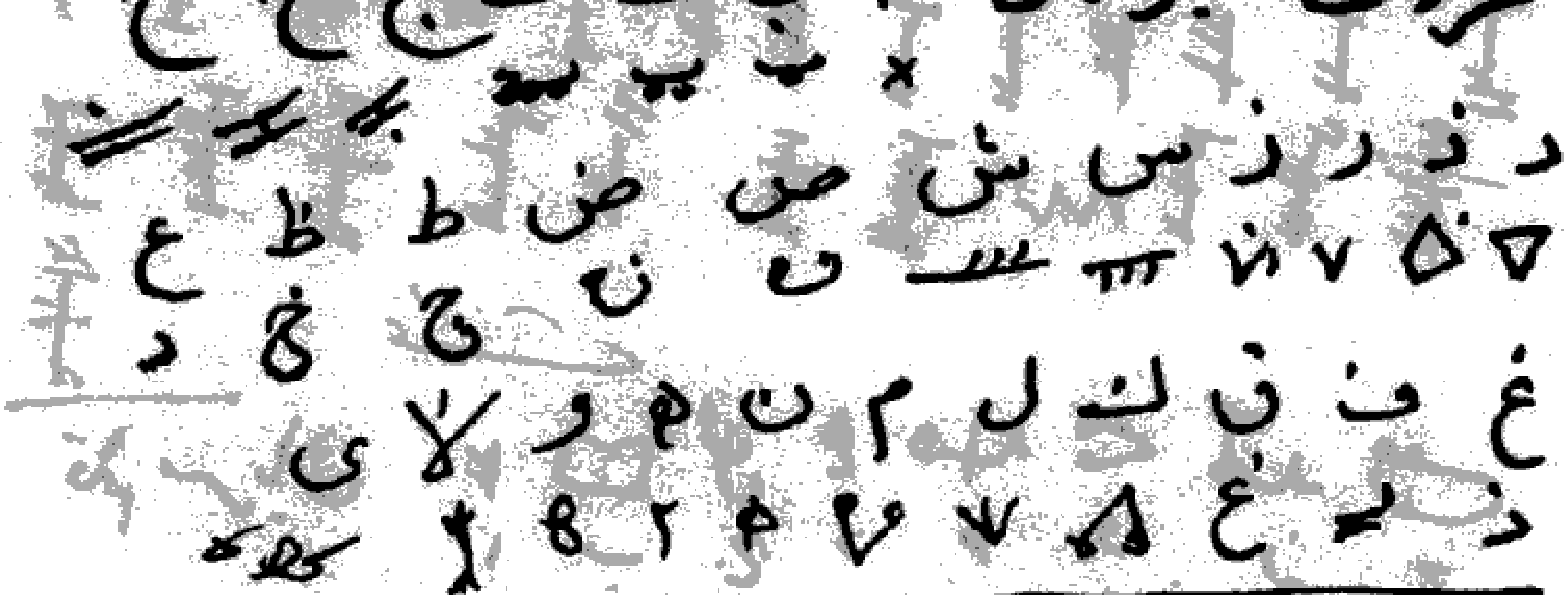
الرؤف

در بيان حروف

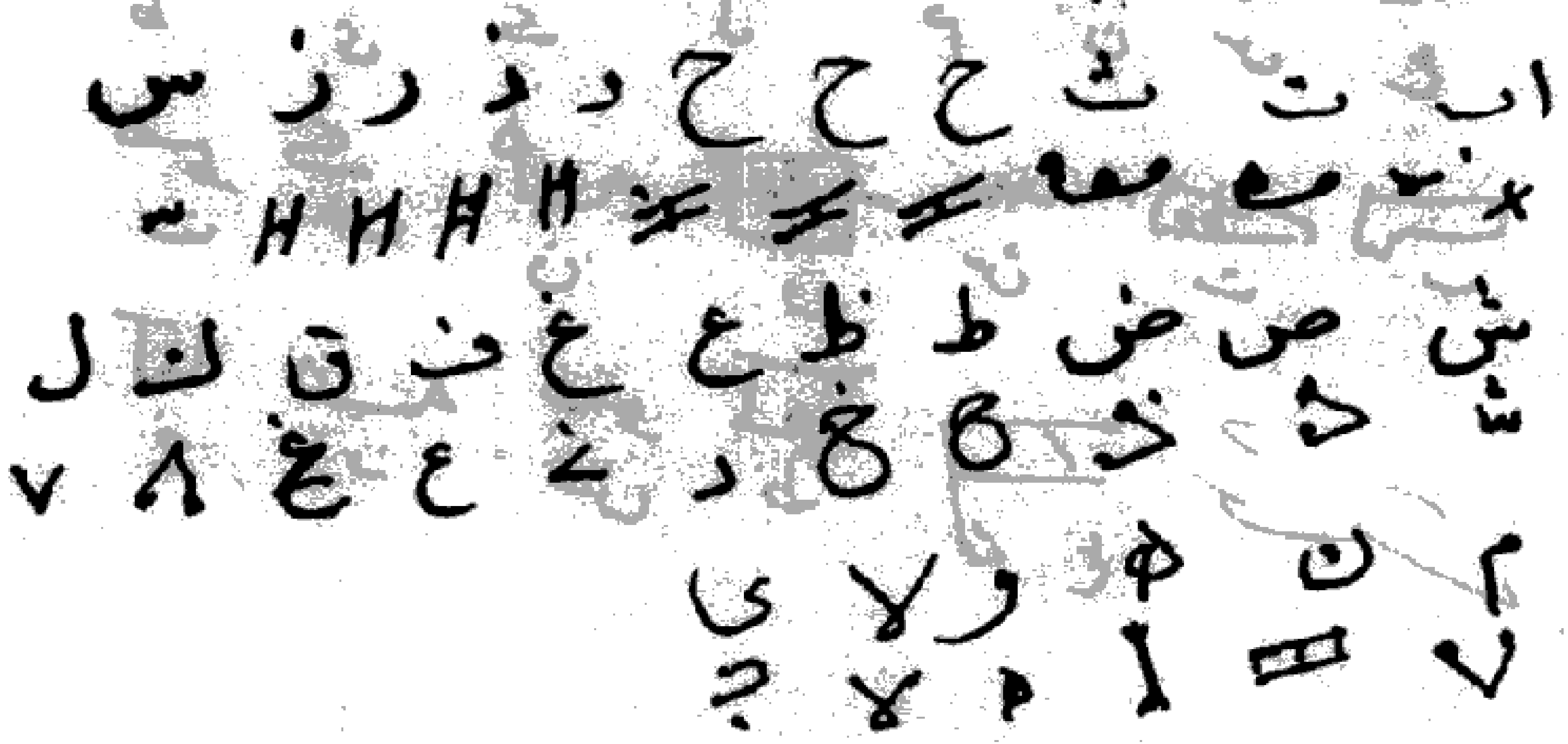
اخرى عنه م انه في اخر الملك وقيل انه حسبنا الله
ونعم الوكيل وقيل انه لا اله الا انت سبحانك اني كنت
من الظالمين وقيل انه الودود ذو العرش المجيد الفعال
لما يريد وقيل انه توكلت على الحي الذي لا يموت
وذكر ابن فهد في العدة انه يا هو يا هو يا من لا
يعلم ما هو الا هو وقيل ان هذه الحروف صفته



الحروف اليوناني



الحروف العبراني



الحروف الطلسمات

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س



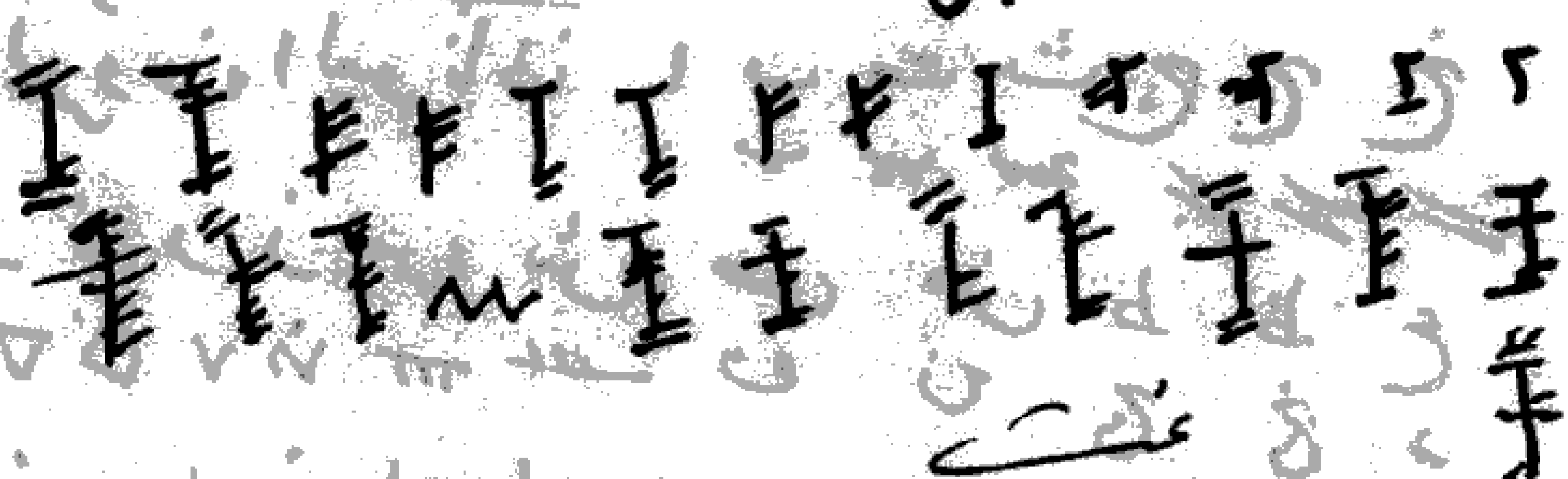
ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل



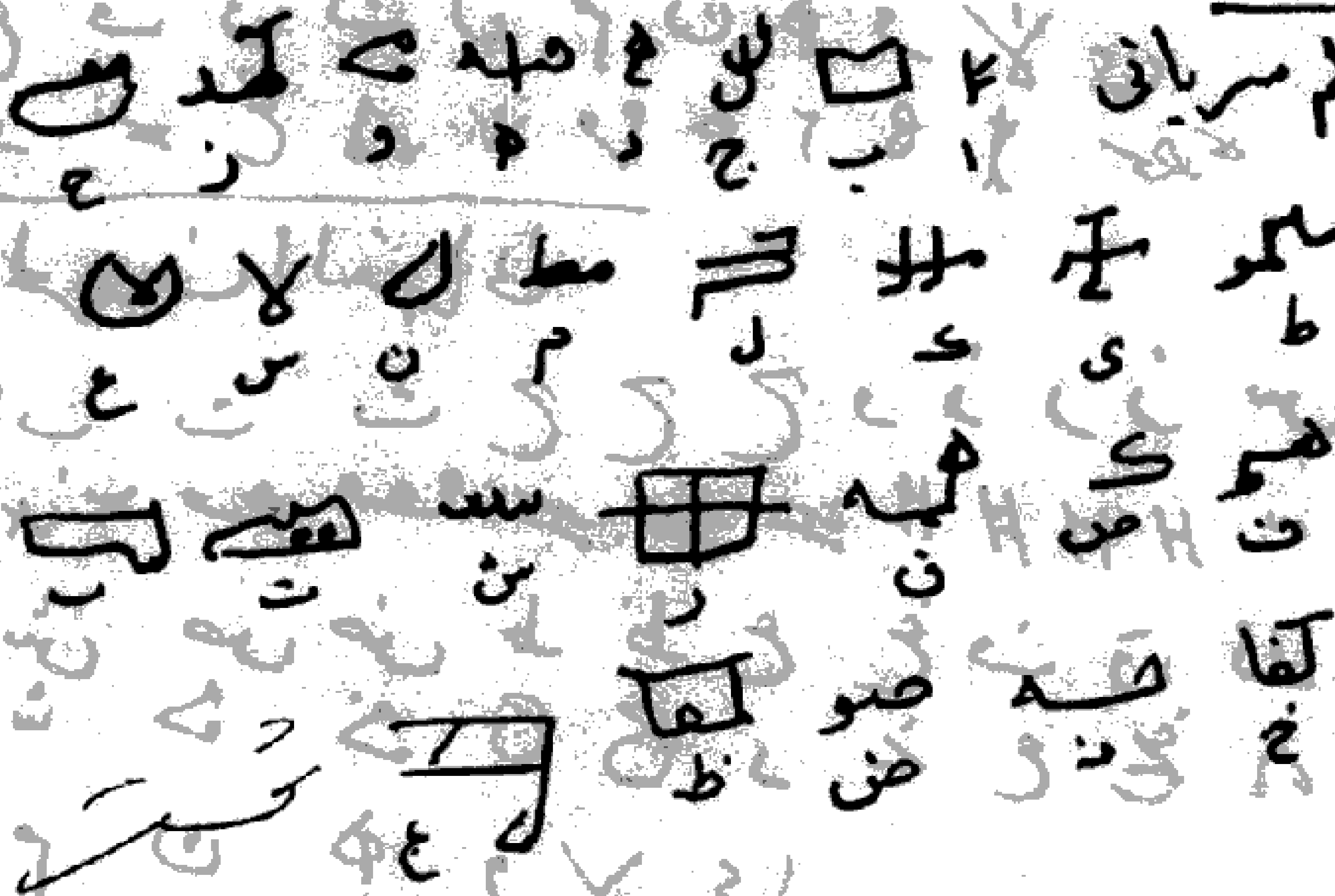
م ن ه و لا ى



الحروف الشجرى



قلم سرياني



در بیان محبت و اقسام آنها

محبت ۱

در محبت بیار بیضه مرغی و او را خالی کن و قدری نفت سفید و فلفل سیاه این عزیمت را در کاغذی بنویس در میان بیضه بگذارد و در گل گیرد در میان آتش بگذارد که محبوب از عشق تو دیوانه شود و بیقرار و دلی آرام گردد دعا اینست عزمت علیکم یا اصحاب السحر والوسواس وابلیس و اول وا قربای ابلیس وشمر ابلیس ومردم ابلیس و باین سیصد وشصت ارکان وهفت اندام در عشق م ح فلان ۱۱۱ ا ح ل ح م ۱۱۱ ع ح ۱۱۱ ۹ ۷ ح ۸ ۱۱۱ ۸ ۸ العجل العجل العجل الساعه الساعه الساعه النار النار النار الوحا الوحا الوحا

محبت ۲

محبت محبت در دوستی و الفت مثل خود ندارد در یوم پنجشنبه با ساعت خوب که باد باشد بنویسد بر کاغذ و یا ورق اهو یا ابریشم بباویزد که در محبت دیوانه شود از بود است

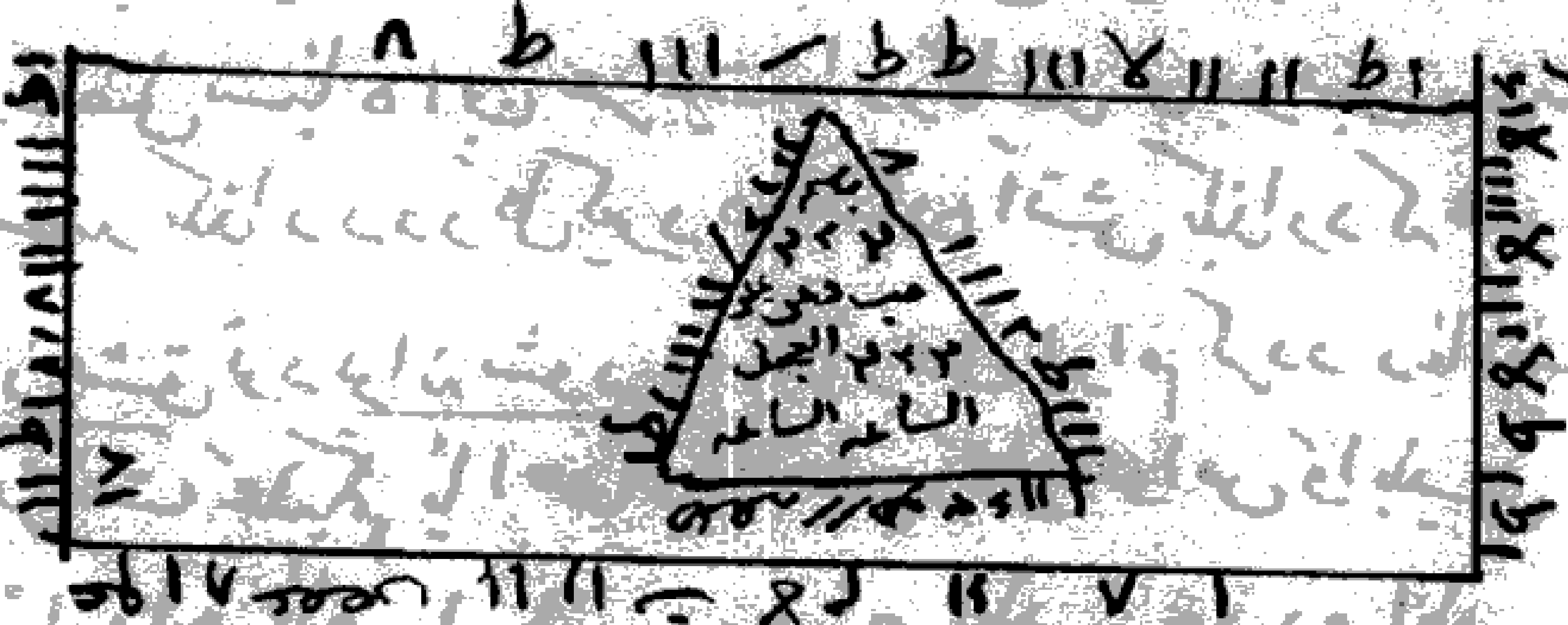
۳۸۸۱۲۱۱۱۷۱۰۵۰۲ ۲۱۱۱۰۸۸۱۱۶۸۸۲۱۶۸۱۹

ع ع مه مه مه که که که
له له له عه عه عه ۱۱۱۵ ۱۱۱۵ ۱۱۱۵ ۱ مردم و ارکان
وهفت اندام ۲ ۲ در عشق و محبت و الفت ۲ ۲ و ۲

ل ل ل ۵ ۱۱۱ ۱۰ ۹ ۹ ۹ ۵ ۱۱۱ ۲ ۱۱۱ ۷

در بیان محبت

جهت الحب این لوح را بر پوست آهو نوشته در باد بیاویزد که اثر تمام
دارد بیم دیوانگی عظیم است و بیم رسوائی خواهد شد این
است



عمل محبت در بادنجان مجرب است انار الف و نهار که مکنید اگر
می کنید بحلال باشد و حرام نباشد این عمل عبدالله هلالی برای
دختر شیخ بوده او را از سایر و این عمل عظیم است بنویسد
این نسخه را در میان بادنجان گذارد در روغن دروی کند اول
در روغن بجوش و بعد از آن در آتش گذارد و رها نکند و این دعا را
هم بخواند با جمله لرزد که بیم رسوائی باشد اگر تمام لرزد دیوانه
شود دعا این است عزمت علیکم یا برقینوش و خالایش
لایش لامیو لاهش ملشا هینوش مقش یا ملک
الکبیر یا شیخ العظیم یا بلقاس یا میمون الرتاب عزمت
علیکم یا اصحاب المحبة والوداد عزمت علیکم اصحاب
الاسم والدعا الف بین قلوب [illegible] العجل
العجل العجل الساعة الساعة النار النار النار
حساب را بداند موافق بود که کار کند تا گیرا شود

در بیان محبت بین زن و شوهر

خواص ستارگان

هر ستاره‌ها را روی بطرف او کند بنویسد هرکب را هم بداند بر محبت و عداوت بجهت او بنویسد و فلز هر ستاره‌ها چه خیز است این است تمت

مشرق آتش	مغرب باد	شمال آب	جنوب خاکی
حمل و عقرب خانه آتشی مریخ فولاد	ثور و میزان خاک خانه زهره مس باد	جوزا سنبله سرطان خاکی خانه عطارد سرب خانه قمر نقره	اسد شمس قوس حوت آبی خانه مشتری طلا زعفران قلع
خانه مریخ فلز فولاد شنجرف مداد مس	خانه زهره فلز مس پنجه مداد مشک زعفران	خانه عطارد فلز سرب قمر نقره گلاب و زعفران	خانه شمس فلز طلا گلاب خانه مشتری فلز قلع زعفران
جدی دلو خاکی خانه زحل فلز سرب [illegible]	زهره شمس دوستی مشتری دوستی پنجشنبه	مریخ و زحل شنبه عداوت روز شنبه [illegible]	عطارد زبان بند روز چهارشنبه [illegible]

محبت ۵

محبت میان زن و شوهر که ناسازگاری باشد بنویسد بر آب زند زن و شوهر که بخورند غایت مهربان شوند طلسم اینست

ﻟﻠﻠﻠ ی ی ی ی ی ۵ ه ۲ ۱۱۱۱۱۸ ۱۸ ۱۸ ۱۸ م

ا م م م م ۱۱۱ آ لا لا ه ز د ع ع ا سهر ح ح ح ی ی ی ا

ع ع ع ح ح ح ح ح و ا ۸ ا ح م م و ا م ا م ی و ا م ـ بهم فلان ۲۲

محبت ۶

در محبت روز جمعه بمشک و زعفران وقت غروب آفتاب بر جامه مطلوب در ساعت سعد بنویسد اما ساعت سعد باشد و خانه آتشی باشد مکان پاک باشد و لباس پاک باشد که مطلوب حاضر گردد چون شخصی زنی بخواهد و زن او را نخواهد که باد شوهر کند این نسخه را بنویسد و با باد اندازد و شوهر

در محبت

عزوردان زن دهد بتفیق خدای عزوجل مهربان شود از سوره است
وَنَنزلُ مِنَ القرآن الی الاخسارا بزنید

||||| ||| ک در ط|||۳۴ ع۱۳۶۵دع صا||۴

۲۱۴۱ ۵|||۴|||| ||||||۶||||۶||

||||۴||||۵ نام فلان بن فلان

ع۹۱۲ع	ع۹۲۵ع	ع۹۲۲ع	ع۹۱۹ع
ع۹۲۳ع	ع۹۱۸ع	ع۹۱۳ع	ع۹۲۴ع
ع۹۱۷ع	ع۹۲۰ع	ع۹۲۷ع	ع۹۱۴ع
ع۹۲۶ع	ع۹۱۵ع	ع۹۱۶ع	ع۹۲۱ع

مجرب ۷

للحب خون هدهد حل با زعفران کن واین طلسم را بنویس در حرز گیرد در پهلوی آتش دفن کن اگر در زنجیر باشد خود را برساند طلسم این است

طسم طلا طلا|||ط ه

بسم فلان
۱۶|لا|۸۱

اسم فلان
||ط| ط

||لا|||لا||ه

علی حب دعن فلان
۲۹
ط || ط ۲

۱۳|||ط||||لا||ط|||۸|۸|ط||لا||ه|||

اهیا شراهیا اسطاهیوبا

مجرب ۸

ایضاً للحب بنویس برنعل سوراخ کرده بنام مطلوب و مادر مطلوب بر آتش گذارد که سرخ شود اما در عصر چهارشنبه بنویسد که مجرب است ماطلسلماها هو ۲ طمهینما هلسلعمو

در محبت بین زوجین

ما ادهو الا و للمستعلطا لذالك فاتيل عليكم بتعليم در ابوجب
صه ک اطـ ـه ادم اه ه ع اردا ده ۹ بایم فلان را ازفلان

حب ۹

الحب اگر خواهی کسی را عاشق خود گردانی این آیه را بر کاغذ
سبز در روز چهار شنبه بنویس در کوزه آب انداز و بخورد
که بیقرار گردد مجدی که اگر ترا نه بیند هلاک شود
بسم الله الرحمن الرحیم مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِی اسْتَوْقَدَ نَارًا
الی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ در سوره البقره است

حب ۱۰

للحب بیاورد این طلسم را بر تخم مرغ سیاه کرد اکردان بنویسد
در آتش اندازد مجرب است

ع ۱۱ ۱۱ ع ۱۱ ام ا ه ع ۸ ا ع ا ه ا ۲ / ا ع ا ح

حب ۱۱

للحب بیاورد چهل و یك دانه ریك از زرد خانه و بر هر یك
یکبار بخواند سوره والضحی و در کوزه آب نو بنده
گرده و در آتش کند که گرمی آتش بان رسد اگر هزار
فرسنك دور باشد بیاید عجب

حب ۱۲

للحب اگر خواهی کسیرا مطیع خود گردانی این دعا را بر
هفتاد سنك ریزه بخواند و در میان آتش اندازد و اگر
یك ساعت ان را نه بیند بیم هلاك باشد اینست
اللهم بارك علينا وادفع بلا یا رؤف لبیك واه

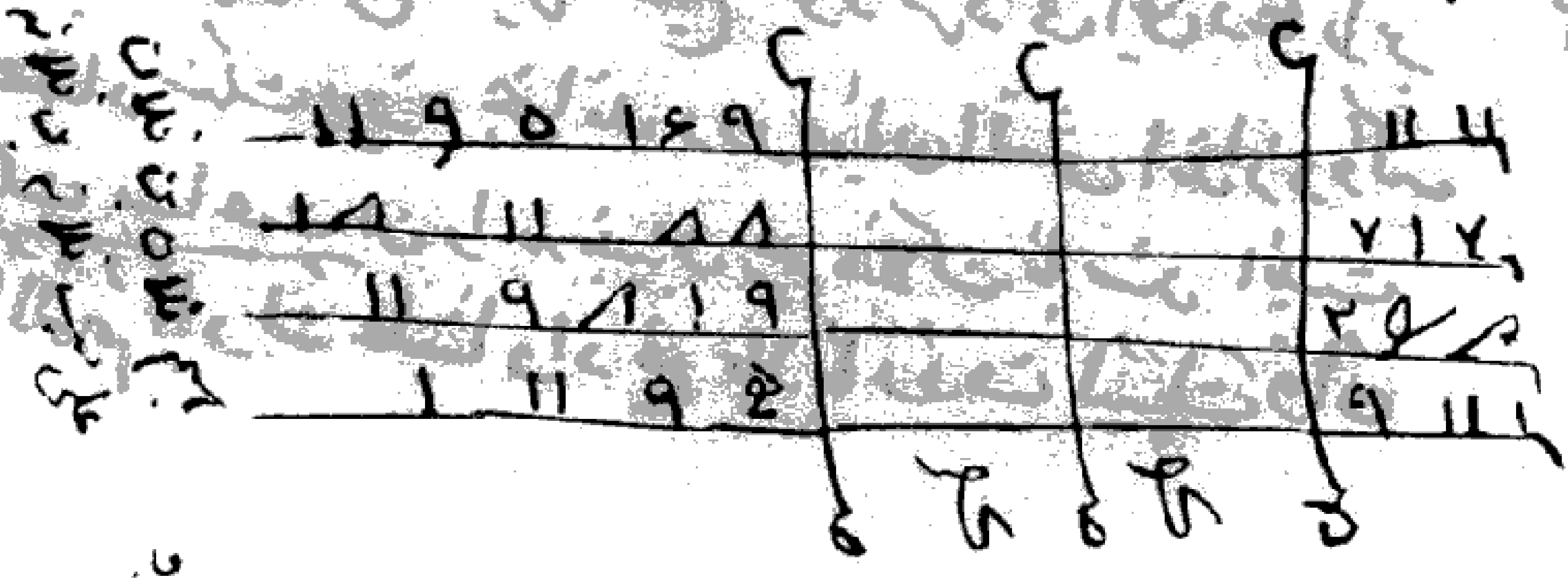
وأن الله يبعث من في القبور برحمتك يا ارحم الراحمين

حب ۱۳ — الحب بنویسد این طلسم را و کرباسی سفید فتیله کند بر آتش فرو برد قدرت خدا را مشاهده کند

۵۱۱۵۱۱۵۸۸۱۸۸۸ ۳۰۲ ۲۲۲ علی محبت ۲۲۲

حب ۱۴ — ایضاً بر کاغذ بنوشته در میان طعام حل نماید بخورد مطلوب دهد دیوانه شود بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسالک بقدرتک التی الف بینهما و بین النار ان نور توانی ۲ ۲ ۲ الساعه الساعه الساعه ۲ برشو

حب ۱۵ — المحب هر کسی خواهد کسی را از عشق خود بیقرار کرداند چنانچه بدار یکدم قرار خود نداشته باشد و اگر ملک لحظه او را نه بیند هلاک شود باید که عمل کند و در ساعت سعد این طلسم را بر کاغذ نویسد و بباد بباد وزد چنانچه باد آن کاغذ را حرکت دهد بدوستی که اگر یکساعت بی تو برده هلاک شود مجرب است شکل این است



ندہ هرکس این طلسم را سه نوبت بخواند در انگشت بر ... حب
ان زند و بر پیشانی خود کشد در نظر هرکه در آید بغایت ۱۲
دوست کردد طلیطرش بهتوش یوم تمور السماء مورا
و تسیر الجبال سیرا والله المستعان علی ما تصفون

... از جمله مجربات است تمت

ندہ کشادن بسته مردان اگر هشتاد سال بسته باشند کشادن مرد
بفرمان خدایتعالی کشاده کردد اما روز یکشنبه بنویسد
با خود دارد بسیار مجربست

۱۱ ح ۲ ط ۸۸ و م س ی

۱۲ ع ع ۸
س ط رسال علی رجل علی اجزه

۱۰۱۱۲۱۰۱ع ۰ ط ۱۷ ۱۰۲ ط ۱۱ ع ۲
سرر ب کشادم ذکر فلان بن فلان برفرج فلانه بنت فلانه
به محمد نزال اسماء النبی محمد رسول الله صلی الله علیه و آله ...
اللهم ملنزمن اطهر الساعة الساعة الساعة الناار
النار النار عمل

ندہ جهت طریقت انزال انزال
برکاغذ نوشته بر دهان کیرد با غیران نیاورد انزال نشود
۹ ط ۹ ط ۹۱۲ ع ۹۱ ع ۹ ط ۹ ط ۹

گشادن مرد

در گشادن مرد یعنی کسی را که بسته باشند اول انا فتحنا رنویسید تا صراط المستقیم و سوره اذا جاء تا تمام نویسد این ایاتی که از عقب یکدیگر است یا رب العرش العظیم ومن ایاته ان خلقکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها وجعل بینکم مودة ورحمة ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر قال رب اشرح لی صدری ویسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی وترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض ونفخ فی الصور فجمعناهم جمعا وضرب لنا مثلا ونسی خلقه قال من یحیی العظام وهی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل خلق علیم الذی جعل لکم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون اولیس الذی خلق السموات والارض بقادر علی ان یخلق مثلهم بلی وهو الخلاق العلیم انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون حتی اذا رکبا فی السفینة خرقها قال اخرقتها لتغرق اهلها لقد جئت شیئا نکرا

اللهم

در محبت و گشادن مرد بسته

اللهم انی اسئلک بحق اسمک المکنون بین الکاف والنون
و بحق محمد و اهل بیته الطاهرین قوتک و قدرتک قوت و قدرة
یده ۲ ۲ ۲ ۲ بر مجامعت ۲ ۲ بحق کهیعص و بحق
حمعسق و عنت الوجوه للحی القیوم و قد خاب من حمل
ظلماً و بالحق لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم لقد
جائکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم
بالمؤمنین رؤف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله علیه تو
توکلت و هو رب العرش العظیم این دعا را مرد با خود دارد
گر انشاء الله گشاده شود و اگر این آیات را در قدحی نوشته
آب بشویند و بخورند باز شود باذن الله تعالی مجرب

محبت بیار بیضه مرغی را و در آن خالی کن و بعده نفت سفید
و فلفل سیاه این هفت را در کاغذی بنویسد و در میان بیضه
بگذارد و در گل گیرد و در میان آتش بگذارد که محبوب از عشق تو
دیوانه شود و بغیر از روی آرام نگیرد دعا اینست عزمت علیکم
یا اصحاب السحر و الوسواس و ابلیس و اذل و ازنای ابلیس
و شهر ابلیس و مردم ابلیس و مای سیصد و شصت ارکان
و هفت اندام در عشق ۲ ۲ ۲ الح لام ۱۱۱ ع ح ۱۱۱ ۹ ۷
۷ ۸ ۱۱۱ ۸ ۸ ۱ العجل العجل العجل الساعه الساعه الساعه الناره

در بیان کشادن بخت دختران

الکار الکار الوحا الوحا الرحا تمت

کشادن بخت دختران

اگر بخت دختری بسته باشد در ساعت سعد از استاد بسجدی که رو بقبله باشد بذری بهار دو سه مهره بسازد دو مهر مبارک بوزیچ یا نقش بگیرد و آن مهر را بسجین کرده دو رکعت نماز بگذارد بعد از نماز الحمد یکبار و اذا جاء و نصر الله هفتاد بار بخواند و در رکعت دوم بعد از حمد چهار ده بار اذا جاء و نصر الله بخواند چون سلام دهد صد بار صلوات بفرستد و صد بار استغفر الله العظیم و چهار بار بگوید یارب العالمین یا خبیر یا لطیف بخت ن ۲ ۲ بکشا بحق جمله پیغمبران و حاجت خواهد و بجا نه آید و آن خاک را بانگشت شهادت خود حل نموده بشوهر خود جای که رو بقبله باشد دختر بر سر خود بریزد در بزودی بختش کشاده گردد تمت

انزال درنشود

اگر خواهد انزال در نشود بر پوست آهو نویسد بر بخت ببندد املح ملح رمع هیم هیم صمهص طوی ماه ماه سما سما حجینا حجینا این شکل را نوشته بر کمر ببندد اگر ما صد رتنا مقاربت کند بر قرار ماند ۵۵۵ ط ۱ ۵ ۱ ۳ ۱ ۱ ۱ ۱ در سکم ۱۲ ۳ ۱ ۱ ۲ ۱ ۲ عم ۵ ۵ م

الله الله الله الله الله الله الله الله الله

۱۱۱۰ م ۱۱ ۱ ح ۱ ط ۱۱ ۱ ۸ ۱ ۱ که که ۵

حمره المره المیه المیه المیه الره الره الیره

۹۹۹ ۹ ۹ ۹ ۲ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۹ ۸

در بیان کسی که بخت بسته باشد

اااا۱۹اااااا ۱۶ ۱ ه | الله ابیع ثلن ۴۲ ۱ الله

ااااا۹اااااا ۶ ۹ ه و مریم ابنت عمران التی احصنت فرجها

ع ۱ ق ۷ ۷ و و د طم ۷ ط

برات ابه بخواند که بگشاید

ایضاً اگر کسی شهوت کم شده باشد این شکل را باب بشوید

دا نباث بخورد اااااا۸اااح رود ه ح ی م

فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم بحق اهیاً شراهیاً وبحق کهیعص بحق حمعسق بحق لا اله الا الله محمد رسول الله

ایضاً در عز النافع اورده که بر قرنفل این آیه را بخواند و بخورد که شهوت گشاده شود وان هنا هنا سرمنی آورده

اندکه بنویسد بر بازی راست بند گشاده گردد و بعد از آن بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الحمد لله رب العالمین اشهد ان کل معبود دون عرشک باطل مضمحل دون وجهک الکریم الجاوری سخانی راعنی اسألک یا عنطه رب العرش لیس بغافل عما تعملون هره هر مو و و و ی ی

ایضاً نقل نموده که جمعی این دعا گشودم مجرب دار مرد ۱۰ بنویسد مرد با خود بدارد یا طمحیا یا کمعهیا یا لمحیها یا لمعهیا یا نمکهیا یا لیه طها طمهحیا بسم الله الرحمن الرحیم

در ازدیاد شهوت کم شده

شهوت گشاده شود

گشودن شهوت مرد

نَصرٌ مِنَ اللهِ وَفتحٌ قریبٌ وَبشّرِ المؤمنین یا محمّد یا علی گشودم
مردی ٢ ٢ ٢ را بر فرح ٢ بخت ٦ برکت فاذا استویت
انت وَمَن معکَ علی الفلک فقل الحمدُ لله الذی نجّنا من القوم
القوم الظالمین ربّ انزلنی مبارکاً وانتَ خیرُ المنزلین
گشودم شهرت ٢ ٢ برفرح ٢ بخت ... بحق بسم الله
الرحمن الرحیم اذا جاء نصر الله والفتح مکشلمینا تملیخا
ددبن اینی برطونس قلیونس لیعسطرنس قطمیر الم الم
المص الر الر الر المر الر الر کهیعص طه طس طسم
طسم یس ص حم حم حمعسق حم حم حم حم ق ن والقلم وما
یسطرون

ایضاً بنویسد بر قند حی و بشوید و بخورد گشاده گردد
س‍‍ه مسره بهه‌ه مطعمهم ٥ ره

وایضاً بوران راست بند گشاده گردد همر ط
ط ح وه لعه مصر ٥٤ ٢ ط٢

فوائده اگر کسی بخت بسته باشد این طلسم را بنویسد
در موم گیرد و در آب اندازد هفتاد طاس آب بر سر ریزد و هر
طاس بکمر بنه بسم الله الرحمن الرحیم بگوید بخت وی گشاده گردد

گشاده شود

گشاده شود

بخت بسته باشد

الشرح

در بیان محبت

وشرح این طلسم بسیار است واما مختصر کردیم خیلی مجرب است

۱۸۱۱۱۱۱۱۳ ط ۱۹ ۸ ۸ ح ۸ ۱۱۱ ع ۹ ۲ م ۱۱

۸ ح ۱ ع ه ۱ ط ۱ ص لا ۸ م ط ۸ م ع ط ۱ م ۱۱ ۸ ح ه ۱۱ ۱۱ ۱۱

۳ ح ح ح ۱ ط ۱ ح ح ح ح

ل ح ۱۱ ۱ و ۱ ه ۱۱ ع ۱۷ ۱ م ۱۱

م ۳ ۲ ۸ ع ح ۱ ه ۱

۱۲۱۱ م ۱۱ ۱ ۳ ۱

۱ ه ۲ ۱ ۸ ۱ ۹ ۸

محبت

فائده هرکه شب یکشنبه یا شب جمعه ۱۲ مرتبه بخواند بر شکر سفید به نیت محبت خود و مطلوب و در آتش اندازد واسم خود و مادر خود و مطلوب را قید کند قل الله بخواند کبیر است

بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد بنا معا مطیعا اجب یا جبرائیل بحق یا بدوح الله الصمد سنا منا مطیعا اجب یا میکائیل بحق یا باسط لم یلد ولم یولد سنا معا مطیعا اجب یا اسرافیل بحق لم یکن له کفوا احد سنا معا مطیعا اجب یا عزرائیل بحق یا ارحم الراحمین

نقش در آتش اینست در صفحه بعد نوشته میشود

اطحیال

حطحیال — دطحیال

و۶	ا	ح۸
ز۷	ه۵	ج۳
ب۲	ط۹	د۴

بطحیال

ططحیال

دطحیال — حطحیال

ایضا محبت

ایضاً بجهت محبت و احضار این طلسم را در شیشه اندازد ۲۰ م عسل و ۲۰ م روغن در شیشه ریزد و هفت دانه فلفل هر یکی یکمرتبه نادعلی خواند و در شیشه اندازد که از فرط محبت احضار شود ولی اثر آن زیاد نکند که هم هلاک است

۹۲ محمد خ	۱۲۴ عند ت	۱۱ علی ص	۱۱ احضروا ج
۱۰۹ / ۸۹	۱۰۱۷ / ۴	۹۱ / ۹۹۹	۱۲۵ / ۴۱
۱۰۱۸ / ۵	۱۱۲ / ۹۲	۱۲۲ / ۲۹۸	۹۰ / ۹۹۸
۱۲۲ / ۲۹۹	۸۹ / ۹۹۷	۱۱۹ / ۶	۱۱۱ / ۹۱

گشاده بسته

گشادن کسی را که او را بسته باشد بو تخم مرغ نوشته در
زیر آتش بدارد چنانکه تابش آتش باو نرسد در همان
ساعت که پاره شود گشاده گردد
اسم کهیعص



در محبت

در باب محبت اگر خواهی شخصی را از محبت خود دیوانه سازی
باید که در تثلیث مشتری مربع سازد از مس و برای مربع این
عدد را بنگارد ۲۳۹۵ و آیه یحبونهم کحب الله والذین
آمنوا اشد حبا لله را در حاشیه ان مربع بنویسد جمله
۹۴۹۵ در ساعت سعد که قمر خالی از نحوست باشد
اسم خود و اسم مطلوب و مادران را باین دو اسم ممزوج ساخته
تکسیر نماید چون وقف پر کند حروف صدر مؤخر را برد ا
شته مرکب سازد و در چهار طرف مربع بنویسند و با شهد
و روغن کنجد در فتیله کند تا بسوزد عجایب بیند

قسم دوم محبت

قسم دیگر در باب محبت بسازد مربعی از آهن اگر خواهد
دو کسی را در محبت خود بیقرار گردانی این عدد را در
مربع آهن بنگارد ۹۴۹ و آن لوح را در زیر آتش پنهان
کنی آن شخص بیقرار گردد و این عمل بسیار مجرب است باید

در بیان محبت

که رو بقبله بنشیند و عامل با وضو باشد و عدد اسم طالب و مطلوب با مادرین گرفته و این عدد را اضافه نموده در مربع کاغذی بنویسد در حالت کتابت نبات در دهن نگاه دارد و جای خلوت باشد و لوح اهن در ان کاغذ خود را آتش انداز د و این عزیمت را بخواند بتوجه تمام

٢٣٧	٢٤٠	٢٤٢	٢٣٤
٢٤٢	٢٣٠	٢٣٩	٢٤١
٢٣١	٢٤٥	٢٣٧	٢٣٥
٢٣٦	٢٣٣	٢٣٨	٢٤٣

٢١ بخوان عجایب بنیند هَیَّجتُ الجِنَّ عَلَى الشَیاطِینَ وَهَیَّجتُ الشَیاطِینَ عَلَى الجِنِّ وَهَیَّجتُ الجِنَّ وَالشَیاطِینَ عَلَى الابلیس سَیِّدِ الشَیاطِینَ وَهَیَّجتُ الشَیاطِینَ عَلَى الانسانَ وَهَیَّجتُ ابلیسَ عَلى اولادِهِ وَهَیَّجتُ الجِنَّ وَالشَیاطِینَ وابلیسَ واولاده على ٢ ٢ م بمحبّةٍ والعِشقِ وَمَوَدَّةٍ وعشق ٢ ٢ ٢ بحق سلیمن بن داود ٤ انّ یَجعَلوا ارعزتوا قلب وَ فؤاد و در جمیع جوارح البدن وَ الجسد ٢ ٢ ٢ بمحبة والعشق وَمَوَدّة ٢ ٢ ٢ انی قلبت الایام وَمَنعتُ الطَعامَ وَقطعتُ ارام حتی اطیعونی وَغیّرتوا قلبها وَجسدها وَفؤادها الساعة

عجل

بحق والطور و کتاب مسطور فی رق منشور والبیت المرفوع
والبحر المسجور الساعة یا ابلیس یا الشیاطین اطیعونی فی
هذه الساعة الساعة الساعة وافعل وجهها بجانب

۲۲۲ بسیار وا تعشره که در عین خواندن مطلوب
حاضر شده اگر دختری بخواهد و باید هند این عمل کند
روز منعقد میشود واز مجربات است از نهار بحرام نکند

قسم دیگر اگر خواهد که یکی از خواتین معظم وصال

او دست ندهد از طلا مربعی بسازد در روز یکشنبه و عدد را
در مربع درج نماید و اسم طالب و مطلوب با مادر تکسیر
کند بعد حروف مقدم و مؤخر را که تکسیر کرده بواسطه با
این دو اسم و حروف فترا با حروف صدر مؤخر تکسیر نماید
تا سر تکسیر تمام شود انگاه مرکب ساخته فتیله بسازد
ودر چراغدان مسی با شهد و روغن بسوزد و خود را
برابر فتیله بنشیند که تمام بسوزد و این عزیمت ۲۱۱
یکبار بخواند عدد مذکور این است ۱۳۴ ۲۶۷
جمله ۴۰۱۲۶۷ و عزیمه این است اقسمت و عزمت
علیکم یا ایها الارواح الموکل بهذه الحروف بحق

قسم دیگر

مسیطرون وبحق یا اله الآلهة الرفیع جلاله وبحق سلیمان
بن داود ع احرق القلب والجسد والفؤاد وجمیع الجوارح
البدن فلان ۲۲۲ بمحبت ومودت فلان ۲۲۲ الشاعة
الشاعة الشاعة العجل العجل العجل اطیعونی واحضرونی
بحق یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی بحق کهیعص و
حمعسق ون والقلم وما یسطرون وبحق اهیا اشراهیا
اذونی اصباوت ویا ملائکة الموکل بهذه الحروف والکلمات
المرکب من هذه الحروف والتکسیر احرق القلب والفؤاد و
جمیع جوارح البدن ۲۲۲ بمحبت ومودت فلانة
۲۲۲ بحق الحق وبحق لقد جاءکم رسول من انفسکم
عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم
باید که عزیز و مکرم دارد واز نا اهل وجاهل محفوظ دارد
قسم دیگر اگر کسی در محبت بخواهد کسی را مجنون سازد
روز پنجشنبه روزه دارد و بصحرا برود جائیکه خلوت باشد
مربعی بسازد از مس در دوران مربع این عدد را بنگارد
و بخور بکار ببرد و دعای قربانا ۲۱ بخواند و پیش از
نوشتن مربع سر برهنه کند با زدعای قربیا ۵۵ ۴۲
بخواند چنان محبت بیدا شود باید که در چراغدان مس
بنشم

نمره ۲۱

فتیله کند و بسوزد این عمل ملوتنای حکیم است که یکی از خلفای حضرت موسی ابن عمران بود و اکثر می گویند که حضرت جبرئیل بواسطه اطاعت قوم موسی این دعا برای حضرت موسی آورد و روایتی عمل افلاطون است اگر بخواهد که عمل جنون بر طرف کرده باید که اسم طالب و مطلوب و دعای قرنبا را عدد بگیرد و آن عدد در مربع ببرد و بعد از آن هفت اسم قرنبا با اسم مطلوب هفت حرف بوده باشد صد و یک اسم قرنبا را بحروف تا آخر تمام ذهن باید که در آن روز روزه بدارد و اگر تکسیر کند بعد هفت سطر جدا جدا بنویسد و هر هفت را یکمرتبه در چراغدان بسوزد اما علاحده در یک چراغ روشن کند و این عمل را یهود در روز یکشنبه میکنند اما چون برای محبت است باید که در تثلیث زهره و مشتری بکند و اگر خواهد که شخصی را مسخر خود کند که برخصت آواب خورد باید که اسم آن شخص را با اسم خود و هفت اسم قرنبا را عدد بگیرد روز شرف آفتاب در مربع طلا بکند بعد از آن که شرف منصرف شود انگشتر را بسازد و هفت اسم قرنبا را نوشته خواهد در پشت انگشتر بکند و هر روز برابر آفتاب بایستد و انگشتر برآورده را بر روی خود بدارد و بگوید الهی

الهی بحق این مهر معظم مبارک که فلان را مطیع من و مسخر من کردان چنانچه وحش و طیور و انس را مسخر سلیمان کردانیدی اگر مسخر شد بهتر والا طالع الشخص را به بیند که در کدام برج است و بکدام کوکب منسوب است حروف کواکب را و برج طالع را با حروف زهره و مشتری تکسیر نماید بعده اسم خود و اسم مطلوب را با حروف مذکور بنویسد و امتزاج داده تکسیر نماید آنگاه بعدد حروف تکسیر فتیله از حریر سفید ببازد و در چراغدان مس بسوزد و دعای فوق را بخواند و در حالت سوختن فتیله بگوید بحق این دعای بزرگوار فلان را مطیع و مسخر من کردان در حال چنان شود و مهر طلا را در بازوی راست ببندد بهتر است

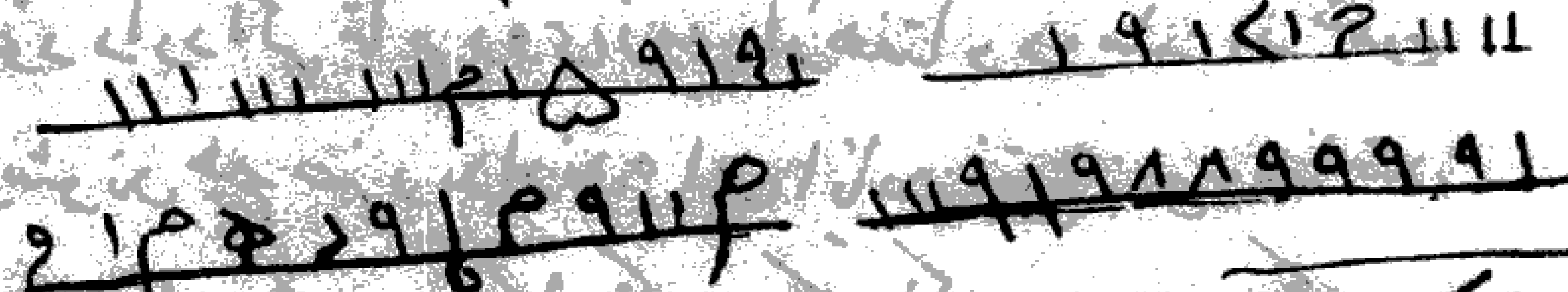
گشادن بخت دختران بنویسد در گوشه مقنعه ببندد

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله من عبد الله و الیه یرجعون الشکن الیها الامر هو الذی خلقکم من نفس واحدة وجعل منها زوجها لتسکن فیها بصا رالک با نفسها الفتح و نصرح باسم فلانه بنت فلان تمت

گشادن بخت دختران

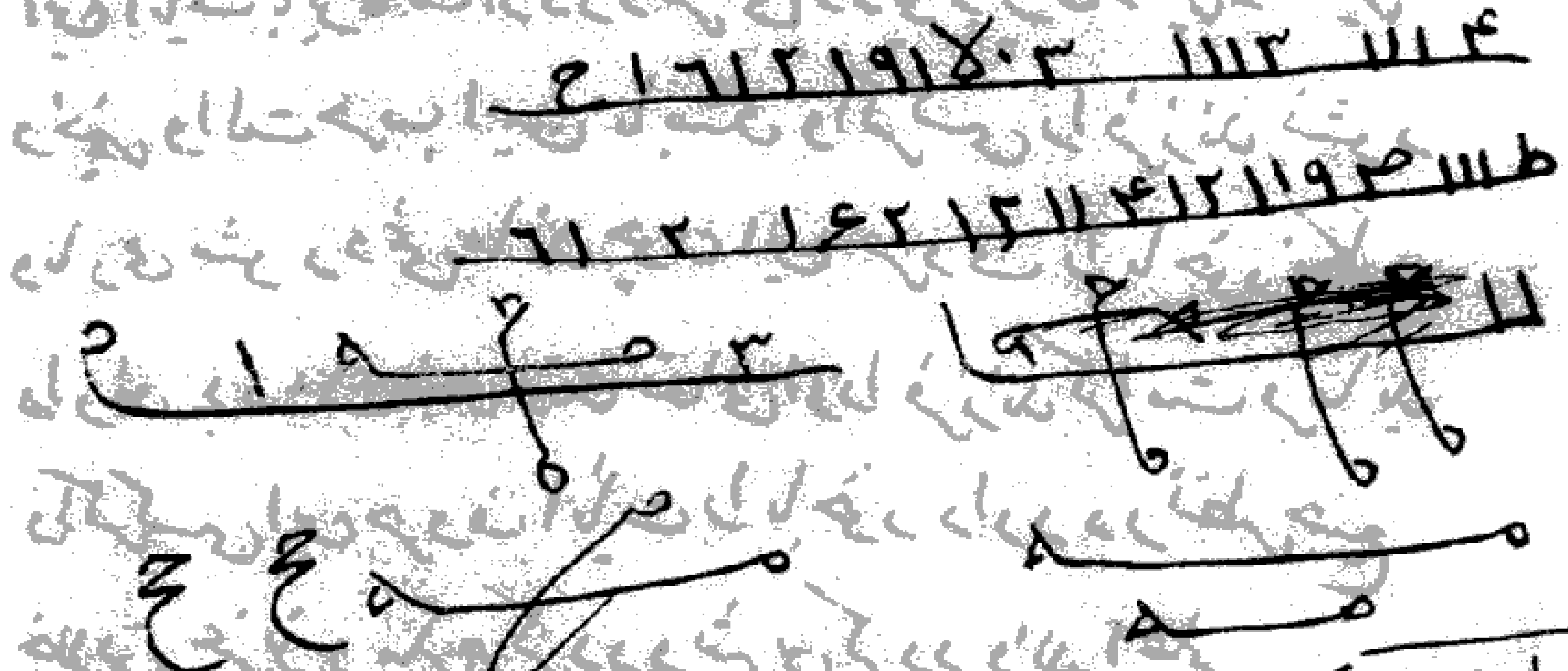
اسم اعظم

باب اسم اعظم اسمش خاتم سلیمان پیغمبر ع هر که این
اسم اعظم را با خود دارد بدولت و پادشاهی برسد و در
ان این اسم است بسم الله الرحمن الرحیم



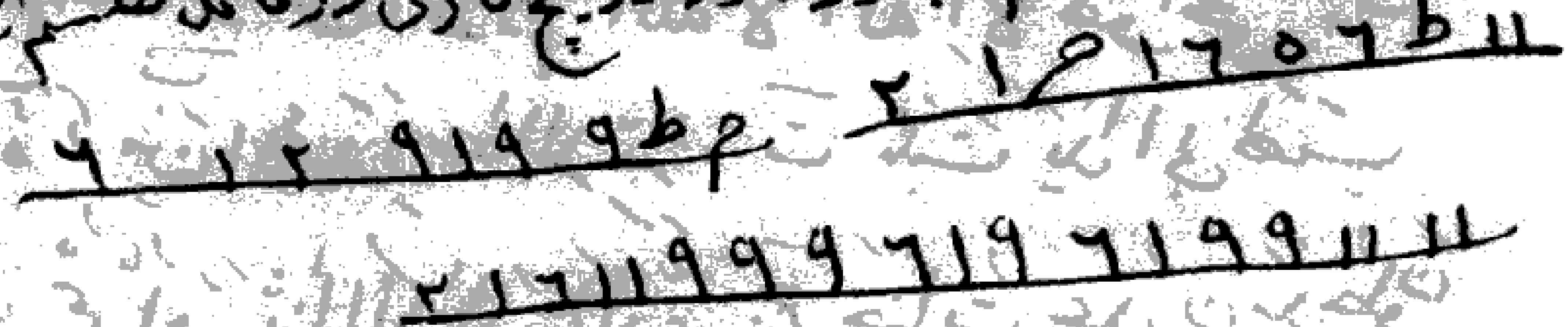
عزیز شدن

هر که این طلسم را با خود دارد در چشم پادشاه و جمله خلایق
عزیز و مکرم باشد و طلسم این است



۳

فائده هرکه این نام با خود دارد در هیچ کاری درنماند طلسم این



از برای عزت

بسم الله الرحمن الرحیم روایتست این از بزرگان دین واز ائمه طاهرین صلوات علیهم اجمعین که هر که این ایات حروفات که اول هر حروفی بهر بیت ۲۶ نه حروف ابتث منسوب باخود دارد اگر تمام روی زمین ازهفتاد ودو ملت دشمن او شوند هیچ ضرر بدارنده این ایات نتوانند رسانند وهیچ جادوئی بروی کار نکنند واگر باکسی دعوی کنند فائق آیند ودرمیان مردم باعزت وجیه باشد ودارنده این ایات بابرکات از دزد وحرامی ودد وپری وتیر وشمشیر وخنجر والت حرب ایمن باشد واگر کسی را فرزند نشود ومادرش می شود ونمی ماند چون این حروف را باخود نگاه دارند بی شک خداوند تعالی اورا فرزند کرامت فرماید واگر کسی این حروف ایات را باخود دارد در نظر جمیع خلایق عزیز ومکرم گردد وشریف گردد والله اعلم

بسم الله الرحمن الرحیم اَللّهُ لاَ اِلٰهَ اِلاّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ

ب بَرَاءَةٌ مِنَ اللّهِ وَرَسُولِهِ الر تِلْكَ ... ت تَبَّتْ یَدَا اَبِی لَهَبٍ

ث ثُمَّ اَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِینَ ج جَنَّاتُ عَدْنٍ یَدْخُلُونَ

ح

ح حمعسق خ ختم الله علی قلوبهم وعلی سمعهم د
دمر الله علیهم ذ ذرنی ومن یکذب بهذا الدین
ر ربنا من الذین ز زین س سلام علی نوح فی
العالمین ش شهد الله انه لا اله الا انت ص ص
والقرآن ذی الذکر ض ضرب الله مثلا ط طه
ما انزلنا علیک القرآن ظ ظهر الفساد فی البر والبحر ع
عم یتساءلون غ غافر الذنب ق قابل التوب شدید
العقاب ذی الطول لا اله الا هو ف فلا وربک لا یؤمنون
ق والقرآن المجید ک کلا سیعلمون ل لو انزلنا هذا
القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا م محمد رسول
الله ن والقلم وما یسطرون و وعد الله الاسماء الحسنی
ﻫ هو الله الذی لا اله الا هو لا لا اله الا الله
محمد رسول الله صلی الله علیه وآله ی یعلم ما بین ایدیهم وما
خلفهم ولا یحیطون برحمتک یا ارحم الراحمین

فائده اسامی مبارک ام موسیٰ علیها السلام باید که جهل روز
هر روز چهل مرتبه بخوانند هر که مداومت باین نحو نماید

فائده اسم ام موسی

قطع نظر از آنکه هر راهی گراو بردر و هر دکان بگاندکه قفل باشد باز شود وانچه و هفت اسمان و زمین هست بتصرف وی این وان این است

غامه تجید بادخت مریم یا نوخابه یا برخیا یا عوخم یا برخب یا با تاخ یا بوطبس یا کنططونس یا ساقریا یا حنکا یا با تتلا یا اللهم افتح نحی کنططوشا وکقعرما وکنططوس کتشبثا یا برخاوید یا قاتوزر یا بوخاوز طسوم ایوم حیوم قیوم دائم دیومه اشیلیه وذید وح وندیح رطاحول ومجید له ومکاید و سلام ویا برخا ویرخاند والجبازه وذوازه حیوزه یا زنه مهابد مهاید وحانین جبوبه مدلوره فخ میخ طهف لقف کهف سهف بالقابطا بالکریزه افتح هذا القفل طتوم طتوم الزم الزم جبوم قیوم قیوم دیوم دیومد والاعلون جذه تززاید وح وادید وح یا یومه میخ الکریزه برخنیه

۶ است

عزمت علیکم یا هارون بحرمة مرباث طش ناث
یوخا بص یوخابد یا کافلها یا راحلنا بحق ضار وساره
حاجر ابرشنطیا هارون اخلفی میقات ربی نکون
یا فتاح افتح لنا بحرمة هرباث مرباث شمهف یوخا
بص یوخا بد یوخابد یوشابد یا اما صرث یا کافلنا
یا راحلنا یا یحبنا یا یوخا بحبه یوخا بذت بنت
لاوی لا بن یعقوب یا مجری الفلک فی البحر بامره
سخر لی قلوب جمیع الناس افتح بالمفتح الابواب بحرمة
فلیا بنت رعبا المؤمنة الذی یفتح به الاطباق
ولا ستنارت به الافاق ونجت به العاصی افتح
لی القفول والاغلال وبحق بی بی رحا نبل وبحق
بی بی جبور وبحق یحابذ وبحق حابیل وبحق
سعر ذله وبحق راعفنفر وبحق بحا بوط بحرمة
صفرمه حا نعم وبحرمة فروج عمره وصل
علی محمد واله الطاهرین المعصومین

افزونی رزق

از جهت افزونی رزق و جاه و مرتبه این دعا را با خود دارد

بسم الله الرحمن الرحیم یا منان ذا الاحسان قد عم کل خلائق

منه سبحان الله یا معروف الرابع الملك [symbols]

[symbols] حسب [illegible] یا حق یا حق یا حق یا باقی

یا شافی یا کافی یا خلاق یا لا اله الا الله

بحق انعمت علیهم والصالحین فسوف [illegible] انك اعظم

فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین

بجهت فتح مهمات

این اشکال را بجهت فتح مهمات با خود دارد مجرب است

[illegible]

[illegible]

[illegible]

عزیز شدن پیش خلایق

هرکه این آیه را در ع وضع کند در شرف آفتاب با این

طریق و با خود دارد در نظر خلایق عزیز گردد در چشم سلاطین

با عزت و حرمت بود و مقبول القول گردد و تمام دشمنان

با او دوست گردند و با هر در مجادله کند غالب گردد و وضیع

و شریف او را دوست دارند مربع این است و اگر عدد این

آیه را دو [illegible] و هشت صد و نود و دو است در شرف

آفتاب هم در ع نهد یا در شرف زهره وضع کند بدین مثال

که نموده شد الخواص و عوام و سلاطین مطیع وی گردانند

والله اعلم

دائما بر اشراف و تمام خلایق سبز وی کردند و خواص
بسیار دارد و از مشوبات افتات او را نفع دهد و چون مربع
زهره با خود دارد دائم خوش حال گذراند

لقد جاءکم رسول من	انفسکم عزیز علیه ما	عنتم حریص علیکم	بالمؤمنین رؤف رحیم
عنتم حریص علیکم	بالمؤمنین رؤف رحیم	لقد جاءکم رسول من	انفسکم عزیز علیه ما
بالمؤمنین رؤف رحیم	عنتم حریص علیکم	انفسکم عزیز علیه ما	لقد جاءکم رسول من
انفسکم عزیز علیکم	لقد جاءکم رسول من	بالمؤمنین رؤف رحیم	عنتم حریص علیکم

فائده اسم اعظم

فائده مخمس اسم اعظم بجهة جمیع مطالب ذی الفضائل کرم الله
در قلب ان باشد در شرف زهره در طلا یا نقره یا برنج
نقش کرده در نزد خود بدارد مراد او راست و شکی و شبهه ندارد [illegible]

۱۸ ۱۱۰ ۱۷۴ ۱۰ ۶ ۴۰

حی	ق	ی	د	م
۳۲	۴۶	۳۵	۲۰	۴۲
۵۲	۳	الله	۲۸	۲۵
۳۷	۱۲	۴۲	۲۰	۵۳
اله	۱۳	۲۱	۹۰	جواد

شرح چهارده اسم که از میان دعای قرینا بیرون آورده شده

شرح چهارده اسم اعظم

هرکه این چهارده اسم با خلاص تمام بخواند هر حاجت که از خدای تعالی بخواند آن حاجت روا شود و این مطلب را مطلب القرینا خوانند و اغلب طلسم بلعقیس و طلسم بزغاله بلعقیس گویند و از میان قرینا بیرون آورده اند و این چهارده اسم است هرگاه کسی را بخواهی احضار کنی نوشته در پای گنجشک بسته رها کنی تا بطرف شهری که مطلوب است البته حاضر گردد کمترین چند دفعه از اصفهان الی شیراز تجربه کرده ام هرگاه جهة محبت بخواهد این اسماء مبارکه نوشته بر درخت بیاویزند محبت پیدا شود و هر اسمی را کاری است برکت این اسمها هر مهمی که باشد کفایت شود زنهار که این اسمها را بهرکس ندهند و نیاموزند باد هرزه بال نیفتند و این چهارده اسم چهارده خاصیت است

اسم اول جهة آوارهگی دشمن بر مشتی خاک قبرستان خوانند بر روی دشمن افشاند آواره گردد

اسم دوم اگر هفتاد نوبت مراتب بخواند و به هرکه بدهند تا بخورند دوست وی شود

اسم سیوم بر بنجانی بنویسد و بشوید و بهرکه بدهد هرة

درآن

دوست تو گرد بیشک

اسم چهارم بر کاغذ نویس و در زیر آتش دفن کن بنام آنکس که خواهی که بخواب تواند و همه اسرار با تو گوید

اسم پنجم بر سفال آب نرسیده بنام گریخته بنویس و در زیر آتش پنهان کن که گریخته باز آید البته

اسم ششم بر پوست آهو بنویس با خود دارد زهر و سحر بر تو کار نکند

اسم هفتم بنویس بمشک و زعفران و در مصحف تمام نهد که دزد کالای تمام در جهان بینی

اسم هشتم بنویس به نیت غایب و در میان کلام الله نهد غایب را در خواب ببینی و احوال او را تمام معلوم کنی از خیر و شر حاصل

اسم نهم بنویس بر نان یا بنی دهم چند را در روز خسته نگردد

اسم دهم بنویس و در دست گیر از دست ظالم نجات یابی

اسم یازده اگر در حرب با خود دارد بر زخم تیر بروی کار نکند ببرکت نام بزرگوار

اسم دوازدهم بنویس و با خود دارد سحر و مکر و جادو بر تو کار نکند

اسم سیزدهم بنویس و با خود دار که از درویشی و محنت خلاص شود

اسم چهاردهم بنویس و با خود دار که نزدیک خلق مقبول باشی و چشم زخم بر تو کار نکند و این نامها را از سوره انس و معجزات پیغمبران برکت این نامها بر دنیا که درین نامها شک نیاورند تا خلاص تمام درست در عمل آوری هذا دعاء

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم نام اول یا مستلیا لیح نام دویم یا مستخفا لیح نام سیم یا طهرشا نام چهارم یا شیعبو نام پنجم یا مالنیوش نام ششم یا رعیوش نام هفتم یا مسترتیث نام هشتم یا مستلیثا نام نهم یا مصطالون نام دهم یا نیفرتون نام یازدهم یا مهما ریث نام دوازدهم یا شاثاریث نام سیزدهم یا مشلیقع نام چهاردهم یا مستطیع النور

تا نمدّه اگر کسی حاجتی داشته باشد در پیش بزرگی داشته باشد اینحروف را بر کف دست خود نویسد و نزد آن بزرگ رود که مهمش ساخته شود این است ه هـ د لا لا ه لا لا ل

اگر کسی حاجتی داشته باشد

فائزه الوالی

اگر خواهد دل کسی مسخر خود گرداند

فائده اگر کسی بخواهد دل کسی را مسخر خود گرداند بنویسد
اگر مرد باشد بر لوح مشتری واگر زن باشد بر لوح زهره و
باید که در شرف باشد تا شرف زهره یا مشتری در لوح
سرب یا نقره یا مس نقش کن واگر به تثلیث زهره و
مشتری باشد بهتر است باشد واگر روز پنجشنبه بر پوست
آهو نویس ودر حریر پاک بپیچد و در سر خویش نگهدارد
در پیش آن شخص برد هفت نوبت این اسم را بخواند
اجب یا طططیائیل وانجر مولانا عبد الصمد از دو بیع
نوشته این است اگر خواهد زنی را مطیع خود گرداند بوصال
دائم الاقبال او برسد باید که در صورت بسازد از مس
بطریقیکه نموده شده مذکر و مؤنث واین عدد را ۳ ۴۸۹
بطریق مربع نقش کند ولوح مشتری را دو را آن بنویسد
ودر جائیکه آتش آن باشد دفن کند آنکس شیفته او
بیقرار گردد که یک ساعت بی او آرام نگیرد واگر روز پنجشنبه
به تثلیث زهره و مشتری باشد زودتر تاثیر کند و بغیر از
حلال نباید کرد از نااهل مخفی بدارد

عمل زهره

عمل زهره در شرف زهره لوحی از مس بسازد واین

عمل زهره

عدد را بطریق مخمس دران لوح درج نماید جمله ۱۸۴۲
وبا خود دارد تا عجایب بیند چون کسی خواهد زنی را در عشق
و محبت خود دیوانه سازد که یکساعت بی او آرام نگیرد باید
در شرف آفتاب لوحی بسازد از مس واین عدد را ۵ در ۵
نیکاردو در لوح نقش کند وبا خود دارد چون مطلوب اندکی
سرباز طاعت بپیچد لوح مذکور را در آتش اندازد هنوز حرارت
آتش دران نرسیده که بیقرار گردد واین لوح از جمله احضار
خیلی مجرب است که اسم مطلوب را دران بکشد بیتابانه بیاید
ایضاً عمل زهره اسم طالب و مطلوب واسم زهره واسم
مادران در حروف مقطعه بنویسد وحروف زهره و حروف
مشتری امتزاج دهد پس حروف برج مشتری و حروف برج
زهره وحروف طالع وحروف رب طالع هم امتزاج داده
تکسیر باید تا زمام بر آید آنگاه حروف زهره و حروف
مشتری لذا کا ورد ار وجدا نویسد وحروف نورانی بنویسد
و حروف صوامت و ظلمانات را بجای خود بگذارد واین
حروف را تکسیر نماید بعد مرکب سازد و مربع نماید
بعد از آن عدد تکسیر اول را عدد تکسیر سیم ۴ در لوح مس

۶۱۱۵

ه دوره نکاشته دراتش نگهدارد مطلوب مسخر گردد
واین افسون را در دفتیکه دراتش دنن میکنی بخواند
عزمت واقسمت علیکم ایها الارواح الملائکة هذا
الحروف المرکب المعظم اجیبونی واطیعونی باحضار ن م ۲
بمحبة ومودت والعنت ۲ ۲ ۲ الساعة الساعة الساعة العجل
العجل العجل لا نوم لها ولا قرار حتی یاتی الی هذن ۲ ۲ ۲
بالوصل یا عجائیل یا لنقائیل اجیبونی واطیعونی رهروز
تکسیر را در نظر گذاشته واسماء الله واسما ملائکه اعوان
بر اورده وداخل عزیمت نموده قسم داده بخواند وقسم بدهد
له انعلان ۲ ۲ اجیبونی واطیعونی بمحبة ومودة والعنت
۲ ۲ بحق کهیعص وحمعسق ن والقلم وما یسطرون
وبحق طه ویس اجیبونی واطیعونی احضرونی الساعة
۳ العجل ۲ حرقوا قلبها وجسدها وجمیع جوارح بدنها
حتی تواد ها بحق هذا الاسماء یا انا هذا یا ملائکة السماء
اجیبونی واطیعونی بحق سمحائیل وبحق داداییل وبحق
مهطنائیل الساعة ۳ احضرونی واطیعونی بحق
هذا الاسماء العظام یا مالک یوم الدین ایاک نعبد وایاک
نستعین اگر خواهد که یکی از خواتین معظمه مسخر خود نماید

باید که در شرف افتاب لوحی بسازد از طلا و دران لوح این
عدد را بطریق ربع نقش کند ۱۰۹۹ در اتش بیفکند
بعد با خود دارد ان حالتی سرو پای برخواسته بیش تر اید
هم در اتکی دارد ز نقار حرام نکند
عمل عطارد چون حساب کسی را بخواهد بکند نام مستوفی
با نام صاحب حساب تکسیر کند و عدد نام او را کرفته حروف
صوامته با اسم مستوفی تکسیر نموده بدو لوح بنویسد و الله
شش اسما کر از لوح عطارد است در دو لوح رقم کند
و در بازی راست بندد و قدرت قادر متعال را مشاهده
نماید با عدد سوره والعصر بکیرد و با عدد ان شش اسم
در لوح مسدس بنکارد کر از اعمال غریبه است اکر مطلوبی
بدست ظالمی کرفتار شد خود را درین باب متعاف نداند
که باعث نجات دارین است اکر خواهد نامه بار سولی
بجائی بفرستند ان نامه را ته نموده بر سر نامه بقلم سریانی
بنویسد بهر مدعا که بفرستند حسب المدعا ساخته شود
اکر خواسته باشد که یکی از اهل قلم را مسخر خود سازد
در ساعت شرف عطارد این مسدس را در لوح نقره بکند
و اسم ان شخص را با اسم خود تکسیر نماید و عدد را به کریمه
ق والقران

عمل عطارد

ق والقرآن المجید بل عجبوا ان جاءهم منذر منهم فقال الکافرون هذا شیء عجیب بان تکسیر عدد کرفته دران سدس درج نماید ودر بازوی راست بندد انکس چنان مسخر او ومطیع ومنقاد او شود که بشرح درست نباید واکر دفت رقم کردن این لوح ومردی دردهن کیرد بهتر است خصوصا از مردی که سودا داشته باشد تمت

عدد ابتر تزئینه ۳۰/۸

در عمل قمر چون کبریت احمر است از برای تسخیر خوانین معظم بسیار نجیل است اکر خواهد یکی از خوانین مسخر خود کرداند در شرف قمر لوحی از هفت جوش بسازد ودران لوح این عددرا با عدد اسم خود توان بطریق ۷ در ۷ نقش کند ودرمیان قرآن در سوره فجر بکذارد ومطلب بحضوری بیعتد وطریقه این عمل چنان است باید که از جمله اعداد این هفت عدد را نکهدارد واز باقی عدد نابر کاغذ نویسد بدان ایدک الله بدانکه العزیز این کتاب را مفتاح العزیمه خوانند بسبب انکه از این کتاب هارا زحمها ومضرتها وزحمتها را توان دانست ومعالجه توان کرد اکر عیاذا بالله مسلمانی را رنجی وزحمتی رسیده باشد چنانچه هیچ طبیبی معالجه نشود ورنج او ودزیر وزا شته او نماید اکر مرده باشد چهار رنج براهن یا دستار سروی

عمل قمر

عمل قمر

یا دستمال که بر سر آن مریض بسته باشد و اگر زن باشد
مقنعه یا دستمال اگر کوچک باشد دستمال یا پیراهن وی
نمایند بر انگشت و جب نمایند و عزیمت بخوانند
اول الحمد و قل اوحی و چهار قل و این عزیمت را بخوانند
قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرآنا
عجبا یهدی الی الرشد فامنا به ولن نشرك بربنا احدا
وانه تعالی جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولدا وانه كان يقول
سفيهنا على الله شططا وما قدروا الله حق قدره والارض
جميعا قبضته يوم القيمة والسموات مطويات بيمينه سبحانه
وتعالى عما يشركون بالذى اتخذ ابرهيم خليلا وكلم الله موسى
تكليما وخلق من روح القدس وبعث محمد ۲ اهيا شراهيا
اذونی اصباوث ال شدی والطور وكتاب مسطور فی رق
منشور والبيت المعمور والسقف المرفوع والبحر المسجور وبعزايم
سليمان بن داود الذی هذه الثوب ۲ ۲ ۲ سحر وان كان
من النظر فليمحی زيادة وان لم يكن يجی نسوا توما وبرقعا
وبلخوسا اراخروسا وطروسا اسم بروسا الملائكة صاحب
هذه الثوب ۲ بنت فلانه انكانت كالت الستم فانقصها
وان لم يكن بسم الله الرحمن الرحيم والصافات صفا فالزا
جرات زجرا فالتاليات ذكرا ان الهكم لواحد رب

السموات

ورب ان حمل قمر

السموات والارض وما بينهما ورب المشارق إنا زينا السماء
الدنيا بزينة الكواكب وحفظا من كل شيطان مارد لا يسمعون
الى الملا الاعلى ويقذفون من كل جانب دحورا ولهم عذاب
واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب فاستفتهم
اهم اشد خلقا ام من خلقنا هم من طين لازب قال موسى
امنتم به السحر ان الله سيبطله ان الله لا يصلح عمل المفسدين
قلنا لا تخف انك انت الاعلى والق ما في يمينك تلقف
ما صنعوا كيد ساحر ولا يفلح الساحر حيث اتى فالقي السحرة
سجدا قالوا امنا برب هرون وموسى من جاء بالحق وزهق
الباطل ان كان الباطل كان زهوقا وننزل من القرآن ما
هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا خسارا
اللهم يا رب جبرئيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل و
حملة العرش المكروبين والروحانيين وملائكة المقربين
بحق الانبياء والمرسلين بحق ادم وشيث ونوح وابرهيم
واسمعيل واسحق وبحق يعقوب ويوسف والاسباط
وداود وسليمان وخضر ويونس وزكريا ويحيى وبحق
موسى وعيسى ونبينا محمد ﷺ وعلى اصحابه اجمعين
لصاحب هذه الثوب م ٢ ٢ وانقض هذه ان كان

من النظر فلیمحی زیادة ولم یکن شیئا وبجی سواء ان کان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمة الله قریب من المحسنین بزنید بخواند وباد بران رموت ودستمال دمد وشماره وجب که کرده نگهدارد که غلط نشود ودر زیر زانوی جپ گذارد تا یک ساعت انگاه بیرون اورد وباز الجن وسوره والصافات تا من طین لازب وقل اوحی تا شططا وچهار قل بخواند بدمد وازهم بگشاید واگر بدان نوع است اول برده وهیچ زحمتی نرسیده وعلاج ان کتاب حکمت میشود طبابت باید نمود واگر افزون از هر قدر که باشد درین کتاب نگاه کنند که معالجه وی است اگر به وجب یا دو یا یک یا هر قدر که افزون این رنج وی از ارواح شیاطین باشد منکر دکر انکه می نالد اگر از سر وروی وبینی وچشم ودهان وگوش مینالد تا کاه اب دهان انداخته با ارواح رسیده ومضرت رسیده

دابی

و این علت از آن بر روی رسیده نام اول تحشد و خاتم الاقطم
بنویسند تا سه روز شربت کنند بخورد و روز سیم از آن آب
بر درخت وی بپاشند و بنویسند و بر بازو ببندند که شفا یابد
یک و جیب زیاده آید ان در بیان یانی یا راهی یا در سوراخ
بول کرده یا در مقام چهاره یان یا در زیر دیوارها و ویرانها
یا در کنار آب روان یا در زیر درختان و این در مقام بوده
و زحمت بروی رسانیده لذو بیماری ان از ان سبب بوده
ان دیو رنجیده است و این نامها بر چهار بیضه مرغ نویسد
و دو روز زیر زمین دفن کند و مقداری بخور در آتش بکار برد
بعضها دفن کرده و دور کند واه یکاد و آیة الکرسی بنویسد
در بازو ببندد که شفا یابد و اجزا و بعضها باید نوشت

یک و جیب

انیست لع ۱۱۱ X ک د ح لا ۱۸ ۱ ۲ ۹ ۹ لا خ ح ۹
۹ ۱ ۸ مد ۳ ۳ ۶ ۲ م ۱۱ هوا و ملجود ۱۸ ۱ ۲ ۱

اگر از روش و سینه و پهلو می نالد چیزی از دست
انداخته از چوب یا سنگ یا آتش یا امثال اینها و یا
لذا می را درد رسانیده و از ارواح رنجی بروی رسیده
و مضرت یافته است خاتم الاکبر و نام اصحاب الکهف

چهار گوشه

تعویذ کنن در بازو بند دشفا یابد دیگر اگر چهار انگشت
تا دو انگشت افزون این رنج وی از کنار آب یا در میان راهی
او در زیر درختی یا در ویرانه بر وی رسیده در سراب دست
رفته با آب دهن انداخته با آتش یا این اندامی برا ارواح
برسانید ه ز جمتی از ایشان یافته در سینه و پهلو و شکم و
دل و جگر و معده و تهی گاه و پهلو و کمر بنالد گویا گران طعامی
یا ابی شب ارواح اب دهن بر وی انداخته اند و خواه
نام عصای موسی بنویسد هفت اسم است و هر روز
یکی از آن بنا شنا بجزد شفا یابد هم تعویذ غرایم نماید
و این طلسم بزرد و بیضه مرغ بلت رنگ نویسد یکی در خانه
دفن کند و یکی را انجا بدو آب استاره و این بنویسد در مواضع
دفن کند د فخر صباح و ملامه انجمین واگر هر صر بر این
بر سر پلهوه باسم فلان ۲ فلان نام عصا اینست
بسم الله نالغر احوم صمم اگر سر انگشت افزون آید از
سردی و خصتیان درانجا و تن معا و کمر بنالد بدانکه بر وضع
ارواح اب تاختن کرده و این حضرت از ایشان بر وی رسیده
تمیشا سه روز بشک و زعفران و گلاب بنویسند با عسل

بجزد

بجوزد و هم تعویذ گنند و ان بکار و تمجینا تمام بنویسد بر
باز و بند و صدقه بدهد که شفا یابد اینست نذ قو
ساح صاح مطلوعیه عوعب عرعز بمرتن مجامل
معسرکرم لوحه لوحه کی لم لم باسم ۲ ۲ ۲ اگر
در انگشت افزون آید رنج وی از جیان کافر بوده چراکه
همه اندام وی بیشتر درد میکند و رنج وی از کمر و پشت و پهلو
بوده واز سرین و مقعد و رانها و خصیه میانش بر سر آب
روان یا در زیر درخت سبز در موضع ارواح اسب تاختن
و پی در پی کرده وارواح از آن رنجیده و این زحمت از آن
باشد باید اصحاب کهف بنویسد و خون ریزی از گوسفند
و مرغ و کبوتر بکند و عزایم نماید و صدقه بدهد این اسماء
بر سه بیضه مرغ نویسد یکی را در میان گوسفندان دفن کند
و یکی را در خانه بیمار دفن کند و یکی را در کنار جوی آب دفن
کند اینست ا م ح ه ـ ۱۱۱ ه ۱۱ ۷ ح ۶ هـ د سماما
نما هجرم جه عدم صوبر عما عما سمی ادنوعم ودهره
سا سه ده احد برو و عدادو باسم فلان م ح ه

١١١م م ١١ ٧ ح ه ه ١ بامها محرع وسسه سابر مران
صوم الی مالی عمر مارساه وبعد دده ٤ ص بوق عنا دالله
التسالی باسم فلان اکر ملك انکشت فرزن آید ان بیمار اتب
مابشد وبا برسر ایشان نهاده واز ران وساق وساعد
وهمه اندام وی درد میکند با برجای ارواح استاده واب
نا متن گرده باب دهان انداخته وباتش وچیزی از دست
انداخته که بایشان زحمت رسیده بروی حضرت رسانید
اکر هرز باخالد ونام اصحاب کهف بنویسد وباخود دارد
رنج کرده نان ویکی خرما صدقه کند وان را غرایم کبر کند
چنانکه ان را قران می باشد وابی طلسم بنویسد بر چهار
بیضه مرغ یکیرا در خانه بیمار دفن کند ویکیرا در قبرستان
ویکی را درمیان چهار راه ویکی را درمیان جوی آب دفن
کند که شفا یابد طلسم اینست

کا ٥ ١١١١١ ١١ ک

که شلا ٥ ٥ ٩ ع ط لحما للی ضی ع مرلوس ـ و الا معوص معد

ـ باسم مسعا

دیگر اگر یک وجب کم آید مریض از سر ربیانی و شقیقه
وکوش وبینی وچشم بنالد یا اینکه از نیم سر بنالد بر پیش

انی ش

در بیان بعضی از اعمال

آتش آب دهن یا موی خود را در آتش انداخته و آتش بجنه دنار سیفی از آن بوجود آید و بروی حضرت رساند دخاتم که شخص را تعویذدان را عزایم نماید وصد ترید و نشان برسانند که شفا یابد بفرمان الله تعالی ضرر را بنویسد و بر گردن بندد که مجرب است و از آن سید یا لهم هو هو ده در م ثم کیسار و دیگر اگر از یک وجب اندک کم آید در جای دست و روشسته و آب دهن را دوح انداخته و از آن ارواح ریخته و کو باز معده و شکم و پشت و کمر نالد با طعامی نا پاک خورده که ارواح بر آن آب دهن لا انداخته ضرر خالد دخاتم الابحر بنویسد و تعویذ کند. و عمل باب باران چنانکه شامد و این نامها را بر تخم مرغ که چهار عدد باشد بنویسد یکی در قبرستان و یکی در کنار آب و یکی در خانه بیمار و یکی بخورد بیمار بدهد شفا یابد بنیت حبطوه ماطاود ماکره و محتولم طالی ارسیا کرکنی ملهوی مهاای و عمل ۵ الطلال عر مکلل با سم ۲۲۲ اگر یک انگشت کم آید سحر دخا رود بروی کرده اند اما این دیغ دی سخت است از همه لازم

مینالد بیشتر که از کرد و بشت می نالد که براب دوان مدد موضعی
که جای مرده وسبو و کتها یا خوف بر ازای کنند یا در مستنجع
یا در خانه تاریک یا در جای حیوانات یا ویرانها و فرشها
بول کرده یا نا پاک کنه کرده یا سنکی و چوبی یا اتش یا آب
دهن بر ارواح انداخته و این زحمت از آن سبب بر وی رسیده
باید که تحیشا را بنویسد و شراب کند و آن را عزایم نماید
با خاتم الاعظم و حرز نا خالد و آیت الکرسی و شهد الله
بنویسد و تعویذ کنند و سه روز هر روز این طلسم را در
کوزه کرد بعد از داشته باشد بیفکنند و در زیر زمین پنهان
کنند اینست ک۷۹۹۱۱۱ لا ددددرد لا ا
ص ح ر ا ر ا ر ما عدنا و د ا ر د م الد هوی ها م
هو هو دوام سو حو را لی مبارک باسم ۴ ۲ ۲ نوع دیکر
اکر بچها را انکشت کم این دلیل کند در جای نمناک زیر
دیوار و کنار ابی یا زیر درخت بول کرده از پری ان را
زحمتی رسید او از هفت اندام و سر و سینه و قضیب و خصیه
و بر بن می نالد خاتم الانبیا و خاتم السموبه بمشک و زعفران
و کلاب بنویسد سه روز شراب کند دعای اوقاتش را
بنویسد

بنویسد و برباز و بندد و آن عزایم نماید و این طلسم را
بنویسد بر چهار تخم مرغ بگیرد در قبرستان و یکی را بر سر
در راه و یکی را بر سر جوی آب و یکی را در خانه بیمار
دفن کند که شفا یابد و طلسم اینست
یا مطوره یا طوره یا مرده محموه یا محم طا طا مسعا
که در روی لهو سلهوی ع ااا ه ۸ لا ک ک ک
ذو اا اا اگر سهمان نامخالف گرید و از حال نگردد گاه
خندد و چشمهایش سرخ باشد ان را عزایم باید کرد
و حجاب لازار و عهد نامه یا حرز امیر المؤمنین ع باید
نوشت و از او ناجهل دوم پرهیز باید داد تا از شر شیاطین
جن و انس ایمن شود بفرمان حق تعالی دیگر اگر آید بزبان انگشت
بروی چشم زخم رسانیده اند هر ساعت از جای بجهد و
دی از اعمی می کند و آب از چشم وی روان است و از
اندام و هفت اعضا بنالد بیشتر از ساقین قدمین و
ساعدین بنالد از جای بلند قد بر سر موضع ارواح بی ادبانه
جنین نموده با خبری لزدست انداخته و ارواح از ان رنجیده
اند انرا عزایم نمایند و خاتم عطیون الملک و حرز اصف

تعویذ کند و بر بازو بندد و صدقه بدهد که شفا یابد و این طلسم را بنویسد و بر بند شلوار بندد و برگ بستر و مورد را سپند زیران دود کند اینست

ک ۱۱۱ ۹۸ ۶ ۱۱ الا ادودور

دیگر اگر انگشت کم این از پتی با رواح رسانیده و آفت از جنیان زیر زمین بروی رسیده و از زخم ایشان مینالد و سخنهای مهمل میگوید و دشنام و وحشت امیزی گوید و خواب و ارام ندارد و هر لحظه از جای بجهد این نامها را بر دو پاره کاغذ نویسد

اسعس مهو لهو عا هلره ه ه ع ع ع یکی در خانه بیمار پنهان کند و یکی در استانه مسجد و از عزایم کبیر کنند که دیو رحمت بروی رسانیده رعهد تا مرو سرکند بریان بدهد و آن را دعای ارتاش ردعای نجشا براب کند و بخورد شفا یابد و صدقه بدهد که بیم هلاک است دیگر اگر از گرش و گلو و زبان مینالد آب دهن برارواح انداخته یا سنگی و چوبی از دست انداخته بر آن مضرت رسانیده یا در جا یگاه جوانان یا در مستراح و زیر

دوار

در بیان بعضی از اعمال عجیبه

دبوار یا پرهیز کاری نکرده وایشان را ناخوش آمده و حضرت رسانیده خاتم الاکبر وحرز را صف بنویسد با خود دارد بسم الله و تمخیثا بنویسد شربت کند ومرغی سیاه یا گوسفندی بکشند و قربانی کند شفا یابد اگر نیم کرز یا دو وجب نقصان کند حکم آنست که دلیل بر قران و مخاطره بسیار است واز هرکجا که می نالد از زخم پریان است چراکه آبی یا آتشی یا سنگی یا چوبی یا بی ادبی کرده است وایشان را آزار رسانیده وایشان در خشم رفتند بروی زحمت و حضرت رسیده باید که عزایم کبیر و خاتم الاعظم و خاتم تمخیثا بنویسد و شراب کند و بخورد و حرز امیر المؤمنین ۷ بار دعای ارقاش و خاتم کهیعص بنویسد و طومار کنند و بربازو بندد و صدقه بدهد و قربانی کند تا شفا یابد واگر از پای وران دست تین و قدمین و دست عدین میال چنانکه مفلوج باشد و در محلی غایب کرده و قدم بر ارواح نهاده و ارواح بروی زحمت رسانیده اید باید که دعای خاتم الاعظم و خاتم الاکبر

در بیان بعضی از اعمال

ودعای حرز کبیر بنویسد با خود دارد وصدقه بدهد وقربانی
کند وعزایم نماید تا شفا یابد واگر کسی نوبت مصروع ومفلوج
وماخولیا بهم رساند یا الکته در شب تنها پاکی و برهنه بخواند
ومضرت بارواح وشیاطین یاجن یا پری رسیده وهفت
بار تحتیشا وحرز الکبیر بنویسد بمشک وزعفران وعسل و
مشک بخورد وان را عزایم کبیر کنند و چهل روز از حیوانی
پرهیز کنند تا شفا یابد واگر از فرزی باز مانده واز قضیب
وخصیه وعورت سیلان یا پشکاه تا ناف سیالد بول
در آب روان کرده یا سنگ در آب انداخته یا در مبال
حیوانات یا جا یهای تاریک یا در مستراح نام خدا جاری
نساخته و بد کرده و نا پرهیز کاری کرده خاتم الله اکبر و
دعا تم الله اکبر و اسماء و اصحاب کهف بنویسد و با خود
دارد و عزایم نماید و مرغی یا گوسفندی یا کبوتری
بکشد و قربانی کند وصدقه بر مسکینی دهد تا شفا یابد
وخون این اجرا ها را در آتش وحرزها و تعویذها و شیرینیها
چون شروع در عزایم کنی چنین خواهی که باین کتاب مطالعه
کنی اول ارواح انبیا و اولیا و حکما و استادان ما تقدمین را

در ویشان

در بیان بعضی از اعمال عجیبه

و صلحا و فضلا و علماء مؤلف و نزد بعضی از این کتاب باداود
نموده روحانیان بفاتحه شادوباد عاهیر هست خاتم علیسی
و موسی بجمیز جن زده بنویسد

دیع صو مو دانر ل ک مموس دها لیخ فما هنی
بحق سلیمان بن داود خاتم الاعظم اینت هنی شباه
املیه هه هیر اهیا شراهیا انا الاول والاخر بالحق
الذی لاینام ولا یموت بحق نقش خاتم سلیمان بن داود
وانه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی
واتونی مسلمین خاتم الاعز اینت بسم الله الرحمن الرحیم
عکوتی لیتی لو یوش المذ ل براما بلوه ابلوهیم ارنا را
اهیا شراهیا اصباوت الشدای یا روح یا مفتاح صر
صهیهم بحق نقش خاتم سلیمان انه من سلیمان وانه
بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی واتونی مسلمین خاتم
الاکبر اینت بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی
بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله المتعالی بسم الله
الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء
وهو السمیع العلیم لبطی عام تملیخا هیا هیا الله امتوا ایه

بد اهیا شر اهیا فی رماه مسطع سطلب صلع بیضرلك طفكانج
مضربحق نفس كرا زدح وامن سلطان هودع ار دوها
وهم لكبر حرز یا خالد اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا كاشف
كل كرب دا عدة واعده سلوه وبلوا هم این وها سا حا
نوابرها اهی وهی انعلی المارا بلوهی زبر منوا دیبارك
الله رب العالمین حرز برنان این اینست بسم الله الرحمن الرحیم
تمخشا دیمثا وسمخیشا تملیخا وموغطسا ومشطشا باسمه المكتوب
علی العرش وعلی الكرسی وعلی جناح جبرئیل وعلی جناح
میكائیل واكتب بیما ادطوسی ازاطعفرا وسلام مودود
او من حیاك بركه. یرسل علیكما شواظ من نار ونحاس
فلا تنتصران وبحق اسوبا البوتا جماً جمیعاً یا عزیزیا عزیز
فانجوا برقیك برقیف لها وران واران كامنی عخوی و
یسئلونك عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا
صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتی نحن ادبا ، ما هو
فلا طولس ما طلسوما ارسوما وبحق مهر برفش اذا منه
فی ماان وحق انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم
وبحق نوح اسوحی رحیم احرام الجمعان من الملك لله
العظمة لله القدرة لله والسلطان لله والكبریاء لله

حرز خالد ابنست

حرز الرعاره

هذا الدعای تمخیثا اللهم انی اسألك یا تمخیثا دیا تمیثا ویا
تماخیثا ویا تمخیثا یا موشطیثا یا مشطیثا یا طیلوح یا طیهبوح
یا طیهبزح یا طیهبوح طهوح یا عیبخ یا عهیخ یا عیشخ
یا خیشخ یا عنهیخ یا غمهخ یا میشا یا صطیهما مسا یا ارموا طیدو
طلبطهما یا سیحوثا یا موستف یا برموطو یا مستف یا
نون یا کن وجحطب یا کرهج کرمحطب یا جحن یا نقی بشخ
یا جهتی یا طفعا نف یا طعهایف یا طمعلها یا شطیع
النور یا تطیع النور یا سفها شمخ یا سقما یا صمد یا
طیعوا عنخ یا طعنزعخ یا معیشلخ یا مثلینا یا طورطریا
اهیا شراهیا ادونی اصبا ود ال شدای ایلوهم یوه
دروه اوه یا شر مشکینا یا غیاث من لا غیاث له یا من
لا شیئ مثله یا خالق یا باری یا واحد یا احد یا صمد یا
من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد یا تقی یا الله
یا رحمن یا الله یا رحیم یا حی یا قیوم یا دائم یا ابد یا طو
طما یا طموث یا شمعارق یا اسطحی یا قدوس یا معید
قرشا یا ناهاح یا حاکح ملحی هلوخم حلاخنم هطرم
همونا ش یا شمعینا یا البرن یا شطیع یا مشیخ ما طغها

عزایم میططرون

بسم یا هو یا من هو یا لا اله الا هو یا من لیس هو الا هو
یا الله یا لا اله الا هو یا هو الاول والاخر والظاهر والباطن
وهو بکل شئ علیم یا شطیع یا مصصص یا الله یا من یفنی الملوک
ویبقی هو یا طخیفا اسم هله سبوح قدوس ربنا ورب
الملائکة والروح برحمتك یا ارحم الراحمین

عزایم میططرون هر کس که هفتاد یك نوبت این کلام را
بخواند ارواح حاضر گردد ومسخر او شود واکر میالغ عظیم
بند اشود مبو لید که نشانه نزول ارواح است این است
کلام میططرون این است بسم الله الرحمن الرحیم اقسم
علیکم یا ارواح الروحانیین اولاد بنی ادم وبنات حوا با
لاسماء الاعظم عنلوطش وسرتق نوه وبحق طهیماش
وبحق بهایلیایل وبحق اسم میططرون عنا یقوس
اغلفاسویش بیطو طویش اقسم علیکم بحق دریاسارویش
برمایرش وبحق مهابیکرا کاریش اقسم علیکم
باسم الله العظیم وبحق شمعلیمویش کشیایل وبحق
طیبا
عنطنکایش اقسم علیکم ماطو طیاش اقسم علیکم
بحق طرمرعی مسنوی مطرپ نرتیا حیططمو ل
اقسم علیکم کطیفطارق وهلطبطا وبحق

معد

در بیان عزایم میططرون

مهمد حیطش و بحق کیطالیوش اقسم علیکم بحق جبرئیل
و میکائیل و شمطائیل و شمسائیل و شمائیل و شماطیل
اوتیطائیل و شلحائیل و حجائیل و شلحا و لطائیل
و شرقائیل اقسم علیکم بحق طاطاقرن زنفیائیل و
میططعان و میططحان و میططرون اقسم علیکم
و بالله علیکم بحق ادم و حوا و شیث و نوح و ابراهیم
و اسمعیل و عزیر و موسی و هارون و ایوب و عیسی
و شعیب و محمد مصطفی ع و بحق تورات موسی و
انجیل عیسی و زبور داود و صحف ابراهیم و فرقان
محمد الاجابه العجل العجل العجل السریع
لمع البرق بارک الله علیکم یا میططرون الملک

بجهت تسخیر انسی بکیرد باسم خود در نطر اول نام مادر خود
در نطر ثانی و نام مطلوب و در نطر ثالث و نام مادر مطلوب
در قطر رابع و این چهار اسم عدد بگیرد و در قطب این
شکل ثبت نماید و بردش بر نماید طالب با خود دارد مطلوب
بش مسخر گردد باید در شرف زهره محود و قلب جای
مطلوب آن و عدد بجو نمم کحیث الله می نامش و سلام

دو تسخیر انس

۲۶۲	۱۸۳	۲۵۲	۱۸۴	۲۰۶
۱۵۴	۲۷۰	۳۵۹	۲۵۱	۱۹۵
۲۶۹	۳۴۷		۳۴۳	۳۴۵
۱۷۴	۲۶۴	۳۵۱	۲۴۴	۱۹۱
۲۶۸	۱۶۵	۲۶۱	۱۸۲	۲۵۲

لوح رفتار محبت

۲۲۳	۵۹	۴۴۶	۱
محبت ۴۵۰	۲	۲۲۷	۵۰
۳	۴۴۸	۵۲	۲۲۶
۵۳	زلالطف ۲۲۰	۴	۴۵۲

۴۰۵

ا	و	ل	ح
۲۴	۱۵	۴	۱۲
۱۴	۱۷	۹	۵
۱۶	۷	۲	۲۳

بار

باب در اشکال الواح

باب در اشکال و الواح مربعات که ذوالکتابه است و برای امراض درونی و بیرونی منقول از کتب قدیمه و صحاح استادان فن این مربع بجهت فتح بطن صحیح و مجرب است نوشته با خود دارد و با شوئیده بخورد این حقیر نوشته با کاغذ زرد بردم و نبر حمل کردم نافع یافتم ولی در ساعت باید نوشت و حقیر دو شنبه در ساعت شمس رفتار کردم و بعض این کرد در چهار شنبه آخر ماه یا ماه صفر نوشته شود بهر حال مراعات لازم است

بسم الله الذی علم ابراهیم خلیلا	و کلم موسی تکلیما	و بعث محمد نبیا	بارع اخرج یا دارالامر
۹۲۵	۱۰۲۱	۳۵۱۱	۷۴۸
۱۸۲	۹۲۲	۷۹۱	۳۵۱۲
۷ ۵۰	۳۵۱۳	۱۸۱۹	۹۲۳

در درد شکم و پشت دیگر

ایضاً از برای درد شکم و درد پشت بنویسد یکمرتبه و دیگر بشود و بخورد یعنی این طلسم بسم الله الذی الخ ابراهیم خلیلا بخورد و این طلسم در کمر بندد صحیح و تجربه شده است

و این طلسم در صبح بعد نوشته شده است

دد الواح

٩٣٤	١٥٧٧	٣١٦٠	١٢١٠٤
طى الليل والنهار وهو السميع العليم	التلوارح مالدنى سكن له	الذى الحق كل شئ لربحانه	بسم الله وبالله وبعضم الله
٣١٥٩	١٢١٥	٩٣٣	١٥٧٨
١٢١٦	٣١٦٢	١٥٧٥	٩٣٢
١٥٧٦	٩٣١	١٢١٧	٣١٦١

عدد صح الرشح كرانا سيدحى وظهر عدد كرته ١ م

١٢٤٠١٢

٢١٤ صدرك	١٤٨١ فرغت	١١٢٥ ظهرك	٨٦١ بسم الله	٧٨٢ ولد
٢١٩ الرحيم	٢٤١ فان مع	١٤ عنك	١٤٧ والى ربك	٢٣٢ وزرك
١٢٨٣ فارغب	١٠٥١ وانقض		٢٨٣ الم نشرح	٥٠ الحى
٩٩ لك ذكرك	١٣٢ وضعنا	٢٢٣ فانصب	١٠٠٢ ورفعنا	٢٢٩ الرحمن
٧٤١ الذى	٢١ الم	٢٢٢ العسر	٥٥٨ نشرح	٢٢٢ يسرا

در بیان مقالات حکماء

در بیان مقالات حکماء

نانده حکما در مقالات خود گفته اند که لون بیاض مفرط با
کبودی و سبزی چشم دلیلی است بر سختی روی و بی
شرمی و خیانت و فسق و عقل در کاکت رای واگر با این
علامات باریک رخ باشد وکوسج و تیز نظر و همین پیشانی
و بر سر موی بسیار دارد حکما می گویند که حذر کردن از
چنین کس لازم تر است که از مار رافعی ولایل مو
حکما گفته اند که موی درشت میکون معتدل لون نشان
شجاعت و صحت دماغ است و موی نرم نشان حرارت
وحماقت و بسیاری موی بر سینه و شکم نشان وحشت طبع
وکم فهمی و میل بجور است زردی موی نشان حماقت
است و تسلط ورزو و خشم گرفتن موی سیاه نشان عقل
و ادراک بود و دوست داشتن عدل و موی وسط
میان سرخ و سیاه نشان اعتدال صفات بود
ولایل پیشانی حکما گفته اند که پیشانی فراخ که برای
خطوط و غضون بعضی یعنی چین و شکنی نباشد
نشانه خصومت و حلاقت و ضعف ولاف و گزاف
بود پیشانی متوسط که بر وی غضون باشد نشان
صدق محبت و فهم و عقل و هشیاری و تدبیر بود

در بیان مقالات حکما

دلایل گوش گوش بزرگ نشان جهل است لیکن صاحب
او را قوت حفظ باشد و تندخوی در بعضی اوقات و گوش
خرد نشان احمق و دزدی باشد و گوش معتدل نشان
اعتدال دلایل ابرو ابروی بزرگ بسیار موی نشان
درشتی بود در سخن و ابروی کشیده تا نزدیک صدغ نشان
لاف و تکبر بود و ابروی سیاه یا متوسط در کوتاهی و درازی
نشان فهم و دیانت باشد دلایل چشم بدترین چشمها
ازرقست چشم کلان تیز نظر نشان حسودی و خائنی
و کاهلی و به بختی و شقاوت بود و خود ت چشم و تیزی
نظر نشان حیله و مکر و دزدی باشد سرخی چشم نشان
شجاعت و دلیری و لفظهای زود زود گرده هم نشان
فتنه و شرانگیختن باشد و چشمی که متوسط باشد میان
بزرگی و خردی و سیاهی و سرعتی نشان فهم و هوشیاری
و راستی باشد دلایل بینی بارکی بینی نشان مدا
هنه و ملامت و لیانت باشد بینی کژ نشان شاعت
بود بینی پهن نشان شهوت دوستی بود فراخی سوراخ
بینی نشان غضب باشد سطبری میان بینی تا بهمین سه
بینی.

در بیان مقالات حکما

بینی نشان بسیار سخنی و دروغ گویا بود متوسط در سطری
و باریکی و درازی و پهن نشان فهم و عقل بود دلایل دهن و
لب دهن فراخ نشان شجاعت وسطبری لب نشان
حماقت و اعتدال لب یا سرخی نشان رای صواب بود
دلایل دندان دندانهای کج زنا همراه نشان مکر و حیله
بود و دندانهای گشاده هموار عدالت بود و امانت و تدبیر
دلایل رخسار رخساره پرگوشت منتفخ نشان جهل و درشت
خوئی بود و نزاری در زردی رخسار علی عینی نشان خبث
باطن وقبح سریره بود و توسط این معانی نشان اعتدال
بود دلایل آواز آواز بلند نشان شجاعت بود و آواز
باریک نشان بدگمانی و ترهم بود و آواز معتدل نشان
حسن کفایت و تدبیر بود غنه در آواز نشان حماقت ذکر و کم
فهمی و جهل باشد دلایل سخن رفتار در سخن نشان
خوبست و حرکت دست در وقت سخن گفتن نشانه
زیرکی و تدبیر بود دلایل گردن گردن کوتاه نشانه
مکر و خبث بود گردن دراز و باریک نشانه بی دلی و حماقت

بود کردن سطبر نشان جهل و پرخوردن بود کردن متوسط
نشان صدق و عدل و تدبیر بود دلائل شکم و سینه
شکم بزرگ نشان جهل و حمق و فتن بود و لطافت شکم
و سینه در اعتدال نشان حسن رای و صفای عقل باشد
دلائل کتف و پشت عرض کتفین و پشت شجاعت و خفت
عقل بود برازی کتفین نشان قبح سیرت بود و سوء مذهب
دلائل کف و انگشتان کف و انگشتان دراز نشان زیرکی
بن در صفتهای و علامت تدبیر کارها بود دلائل ساق
غلظ ساق نشان نادانی و سختی روئی بود و اعتدال
ان حال نشان اعتدال این مقدار از علامات فراست
حکیمی عاقل در تفرس احوال خلق کفایت بود بحسب

در بیان دعای قرنیا
از حضرت رسول صلعم روایت که فرمودند هر که دعای
قرنیا را بر نمان بخواند و در طعام کند بخورد مطلوب
دهد بی قرار گردد و اگر این دعا را برای غایب بر گردن کبوتر
بندد و رها کند هفت روز نگذرد یا خودش بیاید یا اینکه
خبری خوش از او برسد و اگر خواهد دشمنان او دوست
شوند این دعا را بر طعام خواند و بخورد او دهد محبت

در بیان شرح دعای قربنا

او محبت او زیاده شود و اگر این دعا را با خود دارد از شر دیو و پری و جنی در امان باشد و اگر این دعا بنده با خود دارد و اگر مفلس با خود دارد غنی شود و اگر غریب با خود دارد مطلب او حاصل شود اگر جمیع اشجار قلم کرده و همه درختان را طبقها ی او کاغذ کرده از عهده شرح آن بیرون نتواند آید و اگر زهر مار و کژدم شبره و ببر و سگ دیوانه کارد و خنجر و شمشیر و تیر و جمیع حربها نرسد با خود دارد ایمن شود و از بلندی بیفتد و اذیتی باو نرسد و در بیابان راه گم نکند و بدست ظالم گرفتار نشود و از درد چشم و گوش و دندان و درد دست و شکم هر دردی که بر اعضای او بوده باشد ایمن گردد و دعا اینست

بسم الله الرحمن الرحیم قربنا وجداً را بوقار ملاثما ربوبنا شهرینا شهوینا سمرا نلثنا ازرطینا عینا عنطینا طوسنا اهیا شراهیا قدمهیا هدهل مدقبا هرهرا اهوائیل اطوائیل اسرائیل موامائیل دقبائیل کنائیل بطرائیل طرهائیل مرائیل میکائیل اسرائیل عزرائیل هرحوائیل امرائیل اطوائیل کوائیل سلطائیل عنطیا خروائیل دردائیل وامنائیل سمخا بلائیل شهرهیا شروقدا اعنخائیل اهقیائیل اعمائیل ملخائیل طوئیل محلائیل هل هیائیل برزنائیل سمخوزائیل اسقفائیل اطبائیل مهرائیل رواسائیل مطوامئیل

در بیان دعای قریشا

مکوائیل اکرائیل المائیل اکمائیل اطوائیل طرفوائیل سائیل
طرطائیل نورائیل سرکسائیل سقدس سقتائیل درقائیل
حمودرغائیل نلغائیل مهرائیل مهیائیل معلائیل اهلائیل
طبطائیل فرطائیل موبطائیل سرشائیل نورتائیل طفائیل
اسماعیل المائیل قطمائیل مهرائیل مرئیل حبائیل حیائیل
برعنت نکتائیل هرکتائیل سقدس راهبا بلا هوایه
برتیه درقت تمشوا مبنوا هرائیل منطوائیل منطائیل
طغائیل منطواه رمش مبعوث مشعوذ مجدوده مندود
منطائیل برغا نغرغا الشرتش کدوه اروه ردیترحو رطائیل
کوشائیل المتائیل کتمائیل مسلسائیل دردائیل منطائیل اسمخ
استغفرائیل صورهائیل صرصرائیل دردائیل شمسائیل اسمائیل
همهائیل بعاوائیل روحائیل حومائیل اطائیل ونمائیل ینظرون
مغمغمرون ان شیئا ازنوون شرائیل شمخائیل رونوش
حرنائیل الهائیل معونائیل منطری معطری شهطری
محطری روما روما ارهائیل اکره طرائیل طورائیل فهور
الطائیل انهار هی الحاق تلتا نتا نتا تلبا نکسا مکرهه
منکوبة شهربابه صطعا خاتم بحق قبال مهرطنا ملبال
سلکبال ان تقبال صفا صفا یا معشر الارواب بحق

هرکه

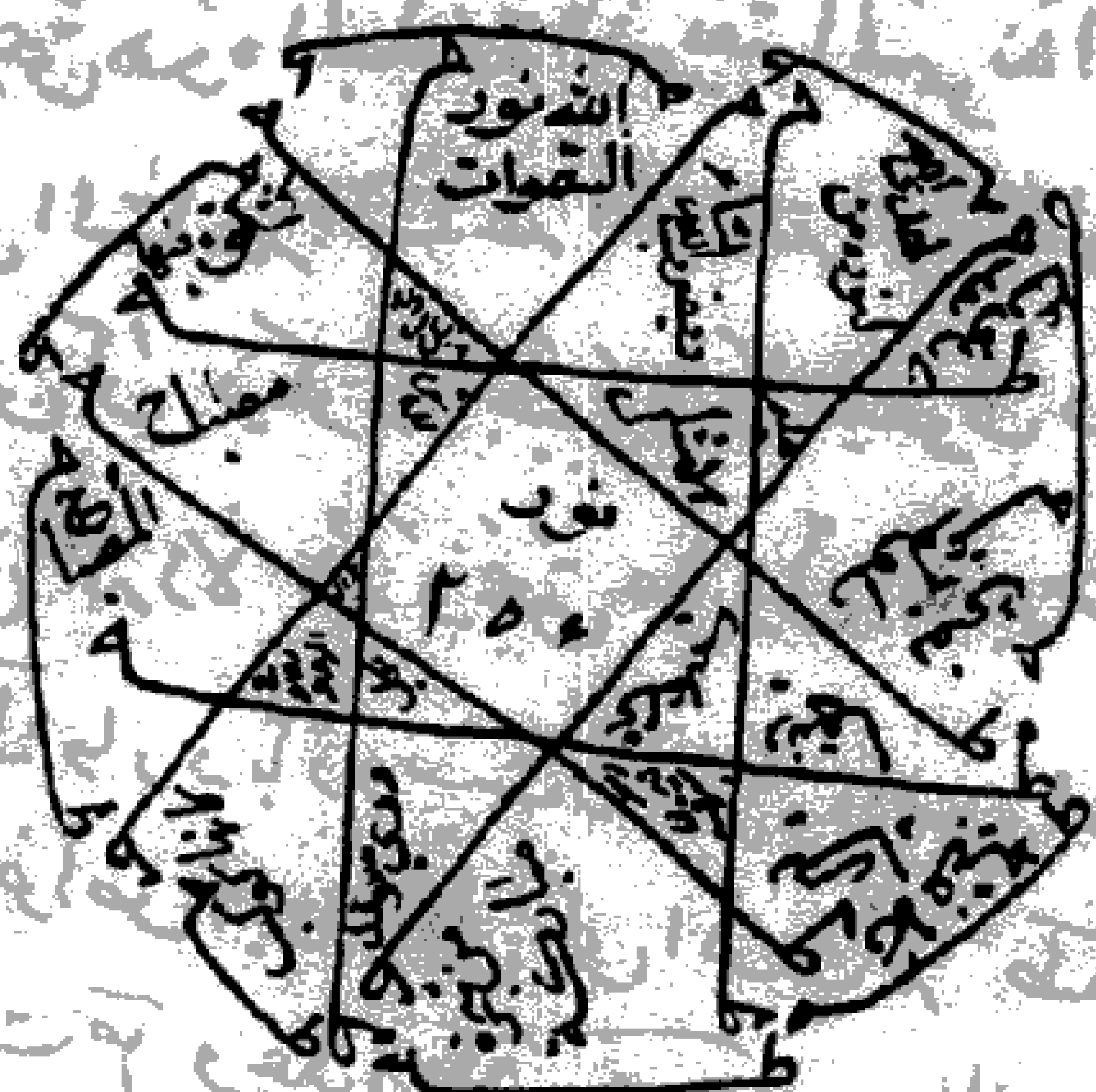
هذه الاسماء العظیمة البلقة الشریفة عجلوا بجلوا الوحا الوحا
الساعة الساعة فی قرب الزمان طرفة العین کن فیکون بحق
محمد المصطفی ام الهی اسالك ان تقضی حاجتی علام الغیوب
بحق هذه الاسماء العظیمة یا معشر العورات واجیبونی و
اطیعونی بحق هذه البلبغة الشریفة المیمونة المقدسة العجل
العجل العجل الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا
طرفة العین کن فیکون اجیبونی واطیعونی وسجدونی ا
اتخلونی بحق الدلالا هو وبحق علی ولی الله برحمتك یا ارحم الراحمین

جهت حفظ و باردبار رست واسرار وانوار اطلاع یافتن
برهان دخواص این شکل یکی انست که طه خطاب
بر پیغمبر است ع وعدد طه ۱۴ است ظاهر است که
۱۴ ۵۰ کامل النور است دیگر انکه در شانزده محل این لوح
یکی نشسته موافق تا شانزده محل مذکور در هر محلی عدد شانزده
نهاده اند که مجموع او ۲۵۶ موافق با عدد نور اسم نور
با عدد دور وسط لوح ثبت شده که نور علی نور است
قوله تعالی ولو لم تمسسه نار نور علی نور واگر این شکل
را بنه نقش کنند و هر روز در ائینه نظر کنند اثر عظیم
دارد و هر که طه نقش کند بر لوح ازرز کاهی که قرن

جهت حفظ دارد واسرار

 این طلسم برای حفظ

دور را مذکور طالع شد و آفتاب مسعر دارد و لوح با خود دارد همیشه و خناک باشد از هیچکس نترسد و در جنگ بر اعدا غالب باشد و از شر انس و جن محفوظ ماند و اگر مقصد با رهی دشمنی خواند مطیع شود و دوست گردد والله اعلم بالصواب



فصل در اسماء ملائکه که اعوان حروف ۲۸ گانه اند بدانکه ۸۲ حرف جل موکلند و ممد روحانیت ایشان هستند پس عامل حروف را از دانستن ایشان چاره نباشد تا در عمل هر حرف بملک وی تقرب و توسل دهد و از وی طلب مدد و اعانت کند یا به برکت التفات و توجه ایشان مقاصد کلیه بروجه ایسر

میسر

میسر شود و اسماء اعوان حروف چنانچه در دُرّ مکنون مفرد است
این است ملک آ اسرافیل است ب جبرئیل است ج
کاکائیل و بقول صاحب دره التنظیم عنیاباض د هراطیل
ه روزبائیل و رفیمائیل ز سرنیائیل ح تنکائیل
ط اسمعیل ی نشراکیطائیل ک جذورائیل
ل طاطائیل م رزدبائیل ن حولالائیل س
همراکیل ع لومائیل ف سرحاکیل ص اهجکائیل
ق عطرائیل ر هراکیل ش همراطیل ت عزرائیل
ث میکائیل و بقولی دودنبائیل خ سمهکائیل ذ
اردائیل ض عطکائیل ظ لوطائیل بقولی میکائیل
غ لوخائیل ملکه که اعوان ایام اسابیع اند شیخ
اعلم حجة الاسلام ابو حامد محمد غزائیل در کتاب سر
المکنون آورده که بر هر روزی از ایام سبعه دو فرشته موکلند
یکی علوی سماوی و دیگر سفلی ارضی عامل حروف را
لازم است که اسماء ایشان داند تا در هر روزی که بعمل
حرفی شغل کرد نامهای او دو فرشته را بر زبان راند و
از ایشان ند و در استقامت جوید بر تحصیل مراد نارود

یعنی توجه ایشان بر مقصود باز کردید و اسماء این است
یوم الاحد ملک علوی روقیائیل بتمام گویند بقاف و ملک سفلی
ابوعبدالله المذهب یوم الاثنین ملک علوی جبرئیل و ملک سفلی
ابوعبدالله الحارث و جبرئیل را خادم از ملائکه سماوی اسم او شمکائیل
که وی را نیز یاد باید کرد یوم الثلثا ملک علوی سمسائیل بسین
مهمله و در بعضی نسخها بصاد آمده و گویند که شمسائیل و ملک
سفلی الاحمر یوم الاربعا ملک علوی میکائیل و ملک سفلی
و و نام دارد یکی زوبعه و یکی برقان و میکائیل را خادم است از
ملائکه سماوی نام او برائیل که او را نیز یاد باید کرد یوم الخمیس
ملک علوی عنیائیل سفلی ابیته عبد الرحمن و لقب وی ابیض
یوم السبت را ملک علوی حصفیائیل بتمام گویند بقاف سفلی
ابو نوح میمون السحالی تمت

فصل در بیان طبایع بسیط حروف بونیه بدانکه میان علمای
مشارقه و مغاربه در طبایع بسیط حروف اختلاف است و در نزد علمای
مشارقه همین ابجد و ابتث مشهور است و قسمت حروف تهجی در عمل
بر طبایع اربعه که حرارت و برودت و یبوست و رطوبت است بر این وجه
است که گویند حرف اول خواه از تهجی حار است و حرف دوم بارد و حرف
سیم یابس و حرف چهارم رطب باز حرف پنجم حار است همچنین تا آخر
در این دو جدول که مرقوم است تا عامل حروف مزاج و طبیعت هر حرفی را بهر طریق بداند

در بیان محبت وگشادن بسته

محبت

فائده بجهت محبت بی نظیر است سه روز بدارد ودر مکان
خلوتی بنشیند وهر روز هزار بار بخواند ودر وقت خواندن
سخن باکسی نگوید ودر یک مجلس هزار مرتبه بخواند ودر
یک وقت بخواند ودران مکان که نشسته آتش بیافروزد
ودنبال در چهل ویک دانه مرچ سرخ ودرهر دانه مرچ سرخ چهل و
یک بار بخواند ویک یک در آتش اندازد تا یازده
مرچ سرخ باقی است اگر در قلعه این باشد که با تو حرب کند

ادهت مهتاب بیاب موتو بتبو دوکولک لك
اسنیس سوتی سبو نوا نوبت خلنك اونا لیاجاه
باوميا بنيا لا بيارام كلشيء لا ملو

اگر بسته شوهر

فائده اگر کسی را بسته باشی این تعویذ را بنویسد
بر سه پاره نان که پارها اورا در شیرینی نماید وبخورد ویاره
دیگر بر ران چپ بندد گشاده گردد وبفرمان خدای تعالی

محبت

ایضا واگر خواهی کسی را
مطیع خود گردانی که یکساعت
بی تو آرام نگیرد وبجز تو
مهر کسی را بر دل نگیرد

١ ص ع ١١٢ ٨ ١١٩ ٩ ٢٤١٢
١ ٤ ١ ٤ ١ ص علی اسم یاران
٦ ٦ ١ ٥ ١ ٥ ١ ٥ ٢ ٥ ٣ ٥ ٤ ١ ٥ ١
٥ ١ ٥ ١ ٥ ١

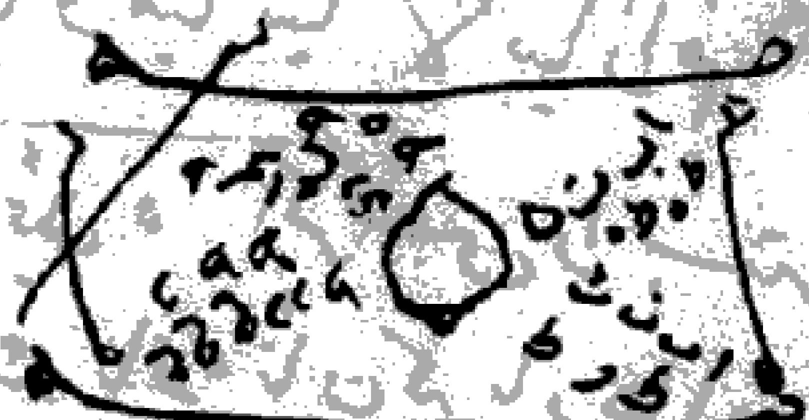
که این نسخه که از هاروت وماروت است بنویسید بر باد
بباد وزد ومشاهده صنع الهی را بکنند چرا که این نسخه را
مذر بدانند مجرب است واین است



طاسح طه طاسم طه کهیعص طم کطسح
کسمعلطیح کطیح کفتح کشطح السام الشاغه
الشاغه الوحا الوحا النار النار النار طلسم ۹

عقد اللسان

عقد اللسان این طلسم را بنویس در زیر سنگ گران گذارد زبان
او بسته شود انیس تم



باطل سحر

هر کسی این طلسم را با خود دارد اگر
تمام عالم ساحر وجادو شوند
دارنده دعا وین طلسم از نفی
نتوانند برسانند هرچند سحر کنی ادنا طل شود

ا ۱۱۱۱ ب ۱۱۱۱ ت ۱۱۱۱ ث ۱۱۱۱ ج ۱۱۱۱ ح ۱۱۱۱ خ ۱۱۱۱ د ۱۱۱۱ ذ ۱۱۱۱ ر ۱۱۱۱
ز ۱۱۱۱ س ۱۱۱۱ ش ۱۱۱۱ ص ۱۱۱۱ ض ۱۱۱۱ ط ۱۱۱۱ ظ ۱۱۱۱ ع ۱۱۱۱ غ ۱۱۱۱
ف ۱۱۱۱ ق ۱۱۱۱ ک ۱۱۱۱ ل ۱۱۱۱ م ۱۱۱۱ ن ۱۱۱۱ و ۱۱۱۱ ه ۱۱۱۱ لا ۱۱۱۱ ی ۱۱۱۱

در بیان احضار جن

احضار

احضار طفل ده ساله ناخن شست چپ او را سیاه کنند از مرکب وطاسی را پر آب کنند و در پیش روی او گذارند و دیوانه را در پهلوی طفل در سر طاس بنشانند و این عزیمت را بخوانند و آن طفل در ناخن خود نظر نماید و آنچه در ناخن دیده بگوید و عزایم را بخواند و بیاید تا هفت تن حاضر شوند در آن وقت خواندن بآن طفل بگویند یا خود بگویند بروید در طاس وقتی که در روی ناخن هستند مثل خشخاش بنظر می آیند اما در طاس که میروند بزرگ مینمایند و در طاس که رفتند تختی حاضر سازند پادشاه جن را در تخت بنشیند و بگویند که گوسفندی حاضر نمایند دام نمایند یا بکشند در اگر از تب بگویند که برخیزند در برابر طفل گفتگو نمایند در آنچه خواهد سؤال نمایند و بگویند که دیوانه را آزاد بکنند و اگر خواهد که جن را بگیرد قدری از روی طاس بردارد و در شیشه کند و بگوید که جن بود و در توی شیشه و اگر کسی را چیزی در آید در باشد جن را بهمان نحو احضار نمایند و بگویند مادر در انشان بدهید

بسم الله الرحمن الرحیم یا الحسن المجرشی والمجرشیه والنصرانی

والنصرانیة فی قلوب بنی آدم وبنات حوا عزمت علیکم
التورية موسی وانجیل عیسی وزبور داود وفرقان محمد
ان تحسونی الی مجلسی هذا الحق انکرشن وتنکرش دحمرزش
وخوشدرش انه لقسم لو تعلمون عظیم اهن هن فاجرا
یاینا هلیکا ملیکا نفق تاناریش توریش الشوایا رحمی یارحیم
ولا سلطان الله علیکم شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران
واگر جن حاضر نشوند این آیه ومن یتق الله یجعل له مخرجا
ویرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله فهو حسبه
ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا
بخواند این طلسم را بر کاغذ نوشته در میان نماز شام
خفتن برای نفقد بنام هر کس که خواهد حاضر شود

ا ع ۱ ۱ ۱ ۹ ۹ ۹ ط ۱ ۹ ا ع

احضار ایضاً چهل روز ریاضت کشیده در این ایام از محرمات
پرهیز کند بعد بیاورد طفل نابالغ دنا من از را سیاه
کند در دغن کنجد تا دوام لعنه دنیا بخواند ن ادعیه کند تمکام
اعانت کند مجلس را هر گاه بخواند دزدی پیدا کند تا امری از امور
مخفیه اقدام نماید جمله با شرایط معمول دارد دعا این است
اهیا شراهیا ثلی ثلی حوش احوش محوش اهو طهو ابو سوم

طرشوم تملطیف سلطیف لهلشی عزمت علیکم یا معشر الجن ان کنتم زاودیا داوده زبورا ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم دعای ارمیای پیغمبر علیه السلام و بسیار تجربه شده است

ایضاً از امورات محققه یا از اختلاف عقلیه بخواهد عمل نماید طفل نابالغ اعم از اینکه دختر یا پسر باشد ناخن او را به برگ سیاه کند خوب که از ناخن اثری ظاهر نباشد بگذارد خشک شود و قدری روغن کنجد یا بادام بر روی آن بکشد و تلاوت کند این اسماء مبارک را و آیه کریمه را هموار بخواند تا سه مرتبه یا هشت مرتبه و به طلبد و بگوید بان طفل که فلان میفرماید که از شما چند نفر حاضر شوند اول بگوید سه نفر از شما انجا حاضر شوند باز سه نفر دیگر بخواند بعد از اینکه حاضر شدند نفر باید کرسی برای پادشاه حاضر کنند و پادشاه را بخواند که بر تخت بنشیند و وزیران در پای تخت بنشیند از وقت بگوید که هر چه جمعیت دارند حاضر شد از هر صنف بعد از آن که حاضر شدند اذن بدهد که از مال بخیل هر چه میل دارند بیاورند و بخواهد از وقت هر چه خواهد برسد این است

عزمت علیکم یا شمخائیل بحرمت ططشائیل عزمت

احضار

علیکم یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض یا معشر الرحمانین عزمت علیکم بالذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الا ما حضرتم واطعتم وان لم تفعلوا اسلط الله علیکم شواظ من نار و نحاس فلا تنتصران مکان و مجلس را مراعات کند

احضار

ایضا بیاورد دختر نابالغ یا پسر نابالغ و ناخن انگشتان او را سیاه کند و بخواند این دعا را اگر حاضر شوند هفت نفر و هر چه خواهد سؤال کند قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا عجبا ان فی ذلک شیئا اعلیقا ملیقا طلیقا عند الله فی قلوبهم مسرورق اجب یا احمر اجب یا ابیض اجب یا اباولی کلا کلا بحق میمون ابن المیمون احضروا احضروا الساعة الساعة الساعة بحق خاتم سلیمان بن داود و بحق اصف بن برخیا و بحق توراة موسی و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد مصطفی صلی الله علیه واله وسلم بیجزیه بخواند در مکان خلوت باشد و زن حایض در انجا نباشد تمت

احضار دزد برده

اگر کسی چیزی گم کرده یا اینکه دزد برده باشد بیاورد طاس برنجی داند که عود و مشک و زرت و برنج در میان آن کرده

احضار جن دزد برده

شب تا صبح بگذارد وصبح ان عود را بردارند دان برنج دزرت که در میان طاس بوده بردارد در مشت خود نگهدارد واین دعا را بخواند واندك واندك ان برنج دزرت با ان طاس بزند بحکم الهی هرجا که ان دزد رفته طاس برود ودر صورت ان دزد بالا برود مبین وقابه ما نا رجل حال کروح ان جل من

فصل در عقد نوم اگر خواهی که کسی را بربندی چون افتاب بقمر متصل باشد وعطارد بمشتری ناظر در روز چهارشنبه بساعت عطارد دبستان پاره از پوست شیر نامها را حساب کرده ۴۲۶ عدد دیگر اضافه کن ودر پوست لوحی را نقش ودود ربو خود بگذار خوابش بسته گردد

عقد نوم

نوع دیگر بستان کاغذ نمره کرده ونامها را حساب کن ۲۶۵۵ اضافه کن در روز جمعه بساعت عطارد وبنویس ودر زمان کتابت بگوید بستم خواب فلان بن فلان بعشق فلان بن فلان وبعد از کتابت با کسی سخن نگوید ونوشته را در زیر

نوع دیگر

۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵
۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۱۲	۷	۰

سر خود نهد و بخوابد بفرمان خدای تعالی بسته گردد

عقد الرجال

فصل در عقد الرجال بنویس این لوح را بر پوست حمار در روز یکشنبه بنام آنکس در براعدا و این عدد اضافه کند ۱۹۵۸ و در وقت کتابت بگوید بستم آلت فلان ابن فلان بفرج فلانه بنت فلانه بحق هذه الاسماء العظام و بعد از آن بستان پاره زه و در لوحی و بروی به بندد و در جای نمناک دفن کند و سنگ گران بر بالای او نهد زنها را از برای حلال نکند که اسم اعظم در این لوح است

۱۲	۶	۷	۱۳
۱۵	۵	۴	۱۰
۱	۱۱	۱۴	۸
	۱۶	۹	۳

۶

نوع دیگر

نوع دیگر بر ورق آهو یا ورق سوسمار در روز چهارشنبه باید کرد و خانه خالی رو دو بر سر اعداد ۲۵۵۵ عدد اضافه کند و در وقت کتابت [illegible] ازرق بخور کند و نوشته در بر آستانه آنکس پنهان کند

۲	۱۶	۱۳	۳
۷	۹	۱۲	۶
۱۱	۵	۸	۱۰
۱۴		۱	۱۵

۴

عقد الرجال

کند این است

نوع دیگر در شب چهارشنبه

۹۹ عدد را اضافه کند کندر

و بستاند ۱۴ عدد فلفل و یک

عدد فندق و بر هر یک ۱۴ بار قل اعوذ برب الناس بخواند

و قدری مقل ازرق بستاند و بر وی ۱۴ بار قل هو الله احد

بخواند و فلفل و مقل ازرق و فندق را بکوبد و با موم بگذارد

و جمع کند همه را در وقت کتابت این لوح صندل بخور کند که اسم

اعظم است و با خود دارد و عجایب بیند

نوع دیگر

۴	۱۲	۱۳	۷
۵	۱۵	۱۰	۴
۱۶	۶	۳	۹
۱۱	۱	۸	۱۰

۱۴

نوع دیگر بستان ورق آهو و

در روز سه شنبه در ساعت

عطارد و در روز چهارشنبه

و بر سر اعداد ۵ ۴ ۱۵ ۱ عدد

اضافه کن و بر سر بند خود بندد مجرب است

نوع دیگر

۳	۱۲	۵	۴
۶	۲	۱۱	۱۵
۷	۸	۹	۱۰
۱	۱۳	۱۴	

۱۶

نوع دیگر بستان پاره کاغذ و بر سر اعداد و

۵ ۷ ۶ عدد دیگر اضافه کن و در آب اندازد بجوشد

نوع دیگر

عقد رجال

وبجوز دانکس دهد بستر گردد
بفرمان خدا تعالی زنهار بجمعت
حلال نکند که در عذاب افتد
است

۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	۵
۹	۳	۶	۱۶
	۸	۱	۱۱

۱۴

نوع دیگر

۵	۱۰	۱۵	۴
۱۶	۳	۶	۹
	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴

۲

نوع دیگر بستان زه
کمان حلاجان و ۷ گره
بروی بزن و بر هر گرهی
یکبار این آیه بخوان که
استادان علم از کشودن
آن عاجز باشند انا صببنا الماء صبا ثم شققنا الارض
شقا فانبتنا فیها حبا وعنبا وقضبا وزیتونا ونخلا
وحدائق غلبا وفاکهة وابا متاعا لکم ولانعامکم بستم
ذکر فلان بن فلان بحق کهیعص حمعسق وچون آنرا
گره زده باشی در نور زهره کو سفند نهند و در گورستان
ترابان دفن کنند که مجرب است

۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲
۹	۳	۶	۱۶
۱۴	۸		۱۱

نوع دیگر

نوع دیگر بستا ورق آهو
و در شب یکشنبه ساعت
عطارد دو نامهارا حساب کرده

۱۵

محبت دفوائد آن

۵۱۱۵ ۴ عدد دیگر الهانه کی و بنویس دد قبر و موم
کالا ر افسرده باشد بگیرند و مقل ازرق و فلفل سیاه
بخور کند و در ماهی اندازد که در ان چاه اب باشد

فصل محبت هرکه شب
یکشنبه یا شب جمعه ۱۲ مرتبه
بخواند به شکر سفید به
نیت محبت خود و مطلوب

محبت

۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲
۹	۳	۶	۱۶
۱۴	۸		۱۱

و در آتش اندازد و اسم پدر و مادر خود و مطلوب را
قید کند قل هو الله کبیر است بسم الله الرحمن الرحیم
قل هو الله احد سامعا مطیعا اجب یا جبرائیل بحق
یا بدوح الله الصمد سامعا مطیعا اجب یا میکا
ئیل بحق یا باسط لم یلد و لم یولد سامعا مطیعا
اجب یا اسرافیل بحق و لم یکن له کفوا احد سامعا
مطیعا اجب یا عزرائیل بحق یا ارحم
الراحمین

نقش اسمی اطمیال

وطمیال / حطمیال / بطمیال / طمطمیا

و ۶	۱	ح ۸
ز ۷	ه ۵	ج ۳
ب ۲	ط ۹	۴

وطمیال حطمیال

 در بیان چهل اسم ادریس با موکلان

ایضاً چهل اسم ادریس با موکلان

اسم اول	اسم دوم	اسم سیم	اسم چهارم	اسم پنجم
۴۵۷	۲۲۳۰۲	۲۳۶۹	۱۱۶۹	۲۵۶۷
اسم ششم	اسم هفتم	اسم هشتم	اسم نهم	اسم دهم
۱۱۳۸۳	۲۳۸۴	۷۴۸	۳۷۱۰۲	۱۱۸۸۶
اسم یازدهم	اسم دوازدهم	اسم سیزدهم	اسم چهاردهم	اسم پانزدهم
۵۲۳۷	۴۴۹۰	۱۲۴۶	۲۹۶۱	۲۸۶۴
اسم شانزدهم	اسم هفدهم	اسم ۱۸	اسم ۱۹	اسم ۲۰
۳۲۳	۳۳۹۷	۴۹۱۲	۵۷۲۳	۴۲۲۱۹
اسم ۲۱	اسم ۲۲	اسم ۲۳	اسم ۲۴	اسم ۲۵
۳۷۴۶	۳۸۶	۴۷۶۹	۲۷۱۶۶	۴۴۵۰
اسم ۲۶	اسم ۲۷	اسم ۲۸	۲۹	اسم ۳۰
۳۵۲۲	۳۵۷	۴۷۱۲	۳۵۴۸	۲۳۷۵
اسم ۳۱	اسم ۳۲	اسم ۳۳	۳۴	اسم ۳۵
۲۳۴۶	۳۳۰۰	۳۴۰۶۰	۲۰۶۲	۲۶۵۹
اسم ۳۶	اسم ۳۷	اسم ۳۸	اسم ۳۹	اسم ۴۰
۲۸۲۸	۴۳۰۱	۵۵۴۳	۴۷۳۵	۲۰۰۶۰۱

۱۹۲۴۶

۱۸۱۷۲

۲۰۱۴۶

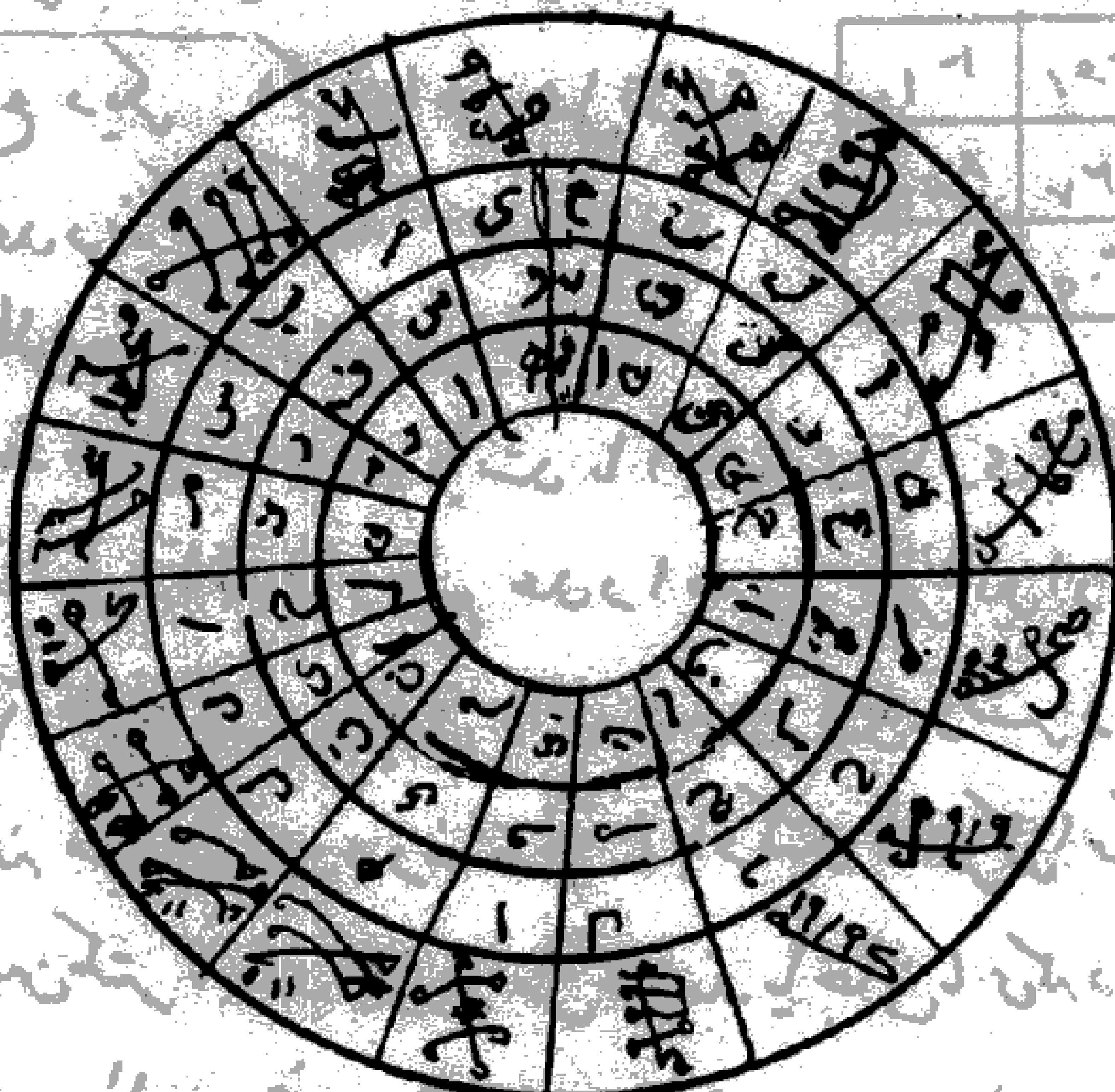
۲۲۵۹۶

۱۸۵۲۲

۲۵۵۸۲

دیگر ۴۱ ۶۰۵ چون در ۴ برابر خصم در آید ۲۵ اسمی که دردارد

دایره نوشته است بخواند وده مرتبه الله اکبر بگوید واین دایره برابر خصم بدارد وبعد ازان که نزد بکشند ند ۵۱ بار حکم عدل بگوید وبعد بگوید یازده بار یا قدوس یا مخذل الکفار دمر علیهم بصره



عدد محمد رسول الله الی اجراً عظیماً ۶۰۷۶۰۲۰۴

از سوره فتح خود بدقت عدد گرفته شد

تفرقه

ایضاً بجهة تفرقه در کاسه گلی بنویسد و در آب مرده شور
خانه بدارد و قدری با مثلث عقرب بشوید بخورد دشمن
دهد و کاسه را درست بدارد در مرده شور خانه و مثلث
عقرب در پوست خر نویسد با سرکه و مثلث این است

٢٢٤	١٥٦	٢١٠
٣١١	٢٢٢	٤٤٢
٥٥٢	٣٠٩	٢٢٦

تفرقه

نوع دیگر اگر خواهی عمل تفریق
با عدد بنه کن بکبیر اسم طالب و
مطلوب و عدد آیات قرانی که
بجهة عداوة خوب باشد با اسمای باری مثل یا قهار
و ذلیل و الغنیا وجمیع عدد اسمین بقرار این از جمله
۱۲ طرح کند و باقی را سه قسمت کند و کسر دوازده
خانه منف و یک در خانه ۴ زیاد کند و هر کدام که از
سن کمتر باشد بخورد ش دهند یا جای که دفن کند
و در ساعت نحس می باید نوشت والسلام

احضار

بجهت محبت و احضار این طلسم
را در شیشه اندازد ۳۰ مثقال
عسل و ۲۰ مثقال روغن در شیشه

٤	٩	٢
٣	٥	٧
٨	١	٦

زرد

ریزد در هفت دانه فلفل هر یکی یکمرتبه نادعلی بخواند و در شیشه اندازد که از فرط محبت احضار شود ولی آتش آن زیاد نکند که بیم هلاک است

۹۲		۱۲۴۰	۱۱۶
محمد		عنی / علی	احضر و
غ		ت	ص خ
۱۰۹	۲۲۷	۹۱	۱۲۵
۸۸		۴ ۱۲۲	۹۹۹ ۴۰۱
۱۰۱۸	۱۱۲		۹۰
۵		۹۶	۹۹۸
	۸۹	۱۱۹	
۱۹۳ ۳	۹۹	۹۹۷ ۶	۱۱۱ ۹۱

عدد ثم انزلنا الی ذات الصدور

از سوره آل عمران ۲۰۴ : ۱ : ۲ : ۲

عدد قالوا لنا موسی الی قاعدون در سوره مائده

بجهت کسی که بخواهد سفر بکند بگیرد سنگی از آن زاد که میخواهد برود و این آیه را بر سنگ نویسند

و آنست را در درچاه اندازد آنکس نتواند سفر کند مادام که آن نوشته درچاه باشد ۳ ۷ ۰ ۱۹

دزد برده

نوع دیگر چون مال کسی برند صاحب کوزه آب ندیده بیاورد در پاره عبس را بنویسد در میان کوزه نهد و هر کس مظنه دارد بنویسد و سر کوزه را محکم بندد در آفتاب گذارد و ازان مکان برندارد تا مالش پیدا شود بردارد و کوزه را خالی کند

دزد براه

نوع دیگر اگر خواهد بداند دزد کیست این حروف را بنویسد زیر سر نهد دزد را در خواب بیند البته

۲۸ ح لا ح عا خالق یح بح باسم فلان

دزد برده

نوع دیگر بنویسد بر چند پاره نان کسانیکه صاحب مال در حق ایشان شک دارد بخورند که حلق ایشان بگیرد این است

فلولا اذا بلغت الحلقوم وانتم حینئذ تنظرون ۲۴

حم هم الم و ن حه ۹ ۱۱ ۷ باسم دزد فلان ابن فلان

نوع دیگر از برای دزد برده و گم شده اگر خواهی چیزی دزد برده پیدا کند و دزد را بداند این نامها را بنویسد در وقت

خوابیده

در بیان دزد برده

خواب در زیر سنگ گذارد دیگی را در زیر سر گذارد در
خواست کسی پیدا شود از خیر و شر و احوال او را و خواطر نشان
نماید و معلوم شود که دزد کی می باشد این است
علی علی لاع سم ع لومالة [illegible] ب لف االآع ع ه ه
واه االم [illegible] اا ه ی باسم فلان بن فلان دسارن ۴
۲ ضظاهر گردان دزد مال فلان بن فلان بحق محمد والرحمن

دزد برده

نوع دیگر هرگاه مال دزد برد و پیدا نشود و دزد هم رفته
باشد که اصلاً علاقه وطن نداشته باشد و صاحب مال
مایوس باشد این نسخه را بنویسد در سر کاغذ را بندد
و در ریسمان بکشد در محلی که او مال برده اند بگذارد و در
زیر سنگ بزرگ بایک عود شاهی انشاء الله [illegible] سافت راه
بنجم البته پیدا شود این است

یا ملک برفان صاحب هذا الیوم دزد مال ۴ بظهر اوردن و حصول کنید

د	بدوح	ب
بدوح	[illegible]	بدوح
ح	[illegible]	د

بدوح	ب	بدوح
و	بدست اید مال [illegible]	د
بدوح	[illegible]	بدوح

[illegible]

و بعد دو اسم صاحب حال این دعا را بخواند یا راد الشمس لعلی ابن ابیطالب رد علی ضالتی بکمند و ده مرتبه بخواند

احضار سوره فاتحه را باین طریق بنویسد موی سر مطلوب بپیچیده در زیر جانه بر بغل خود بگیرد تا گرم شود آنوقت موی را بسوزاند همچنین الحمد را بخواند الحمد لله رب العالمین الرحمن
المر المص الرا المر
الرحیم مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک
المر الر کهیعص طه طسم طس
نستعین اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین
طسم الم الم یس
انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین
حم حم حم
حم حمعسق حم حم حم ن والقلم
باسم فلان ابن فلان

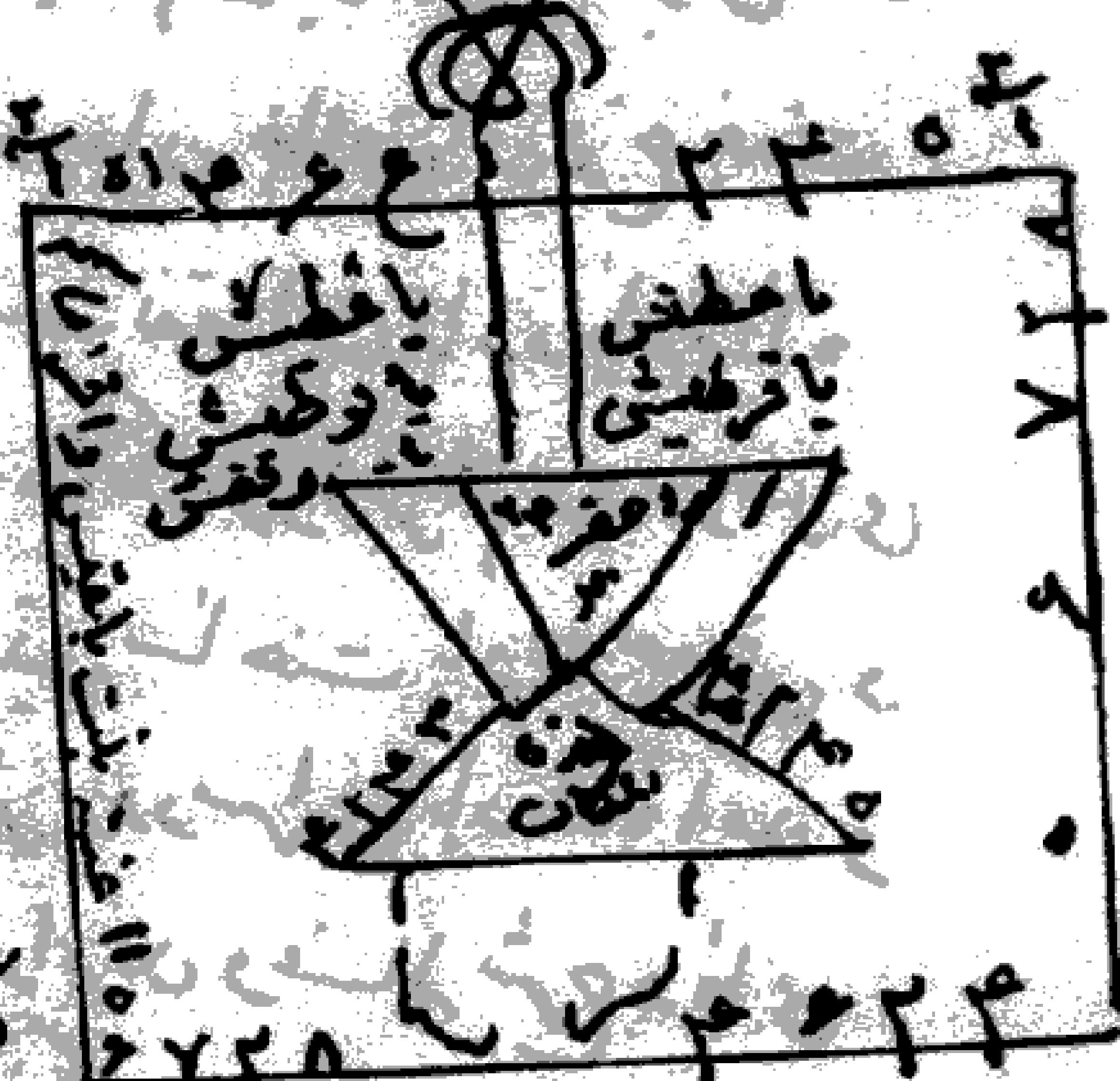
در محبت و احضار از هاروت و ماروت است این لوح را در پارچه این نقش کند و بسل در روغن چرب کند در آتش اندازد همان روز این آنا زنها را الف زنها بعرکس بدهی که بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود مجرب است این اسماء را بخواند یا برقان احضروا فلان ۲ ۲ ۲ علی حب ۲ ۲ ۲ یا ابیض احضروا ۲ ۲ ۲ علی حب ۲ ۲ ۲ پس اگر صد یکروز صد نفر هم بخواهد یکی یکی را احضار کند

احضار

محبت و احضار

اینهم مسخر میشود همان اسماء را بخواند و در آتش اندازد

شرح دعای غساله سوس



شرح دعای غساله سوس روایت است پادشاهی روزی در بازار شهر گذارش افتاد و کنیزکی را دید که بارلالای است و صاحب کنیز در گفتگو بود که بفروشند که پادشاه را چشم بر این کنیز افتاد در بصر و دل و جان عاشق نگران شد گرفتار و عاشق باشد پادشاه جلو داری اوشد بنوعی که میخواست که از مرکب بزیر آید در پای کنیز افتد او را دوری اگر چندان حسن نداشت و نام او سوس بود القصه پادشاه با خواجه کنیز گفت این کنیزه را چند دینار بفروشی خواجه دانست که پادشاه مبتلای کنیز گردیده گفت پادشاه عالم را عمر زنده کانی دراز باد این کنیز را بصد هزار درهم خریدم ابدی سود بسیار از وی دارم گفت بنده ی بر دو و خانه تا بر این بگفت دیگر را در بالای اسب خود نشاند صد هزار درهم خریدم

شرح دعای غساله سوسن

وصد هزار بوسه بر دست و سر و چشم او بعد از دید و بر بادی گفت
که زنند کانی بادشاه درار باد در میان خلایق این نوع خدمت
و نیکنامی از برای بادشاه بدانست نقصان داد در بادشاه
گوش نوی نکرد محبت می افزود ما انکه اورا بحرم برد درسرای
خود های خاص را از جهت او ترتیب ساخت بادی بعیش و
عشرت مشغول شد صاحب کنیز وود سرای بادشاه آمدن و
قیمت کنیز خود را وجه نوجودی دادند و غساله شرح دعای
کنیز را باد بگفت وآن دعا را باز کرد دید که دعائی سر پوست
آهو نوشته اند و شمع گرفته اند هر کدام از حرم یکی
بر سرهای دادند و مبلغهای کثیر زر و جواهر بغساله
دادند و راضی نمودند چون بادشاه داخل حرم شد بعادت
هر روزها نظر بغساله افتاد در ساعت هر اعضای بادشاه
بلرزه افتاد و حیران شد انگشت حیرت بدندان گرفت که من
این عجوزه شکل و عفریت را از برای چه در حرم راه داده ام
وخود بخواجه ها که اورا از حرم بیرون نمودند چون داخل حرم
شد چهار حرم را همه چون بلبحا خلوة نموده و بخدمت بادشاه
فرموده عرض کردند فرموده که باب زر نویسند و در کتاب
خانه ها نوشته مخزن نمودند و بدعای سوسن غساله
مشهور کرده این است دعای سوسن غساله

بدوح بدوح بدوح ١٥هو٥١٠٨

لا عين القمر عين القمر عين القمر عين الشمس القمر ا

بدوه ٥٧١١١٩٩

الا لا

لا لا لام م ١١ ٧ م

و ق ق ص م م قف علي علي علي علي علي

لا ٥٥٥ ٥٥٥٥٥٥٥ ٦٦ ص ص ص ص

ص ص ص ص ٣٨٧٧٨١١٨١١٤ ٨١٨٧٧٤٣٤٤

ص ١١١٥٥٥٥٥١١١ ١١٨٧٤٤٤

س س س ١١م ١٨٤

ح ب ى ح ى ماح ماجيب في عيون الناظرين من بني ادم وبنات حوا الجمع لهم وانصرنا ل اخرج عليهن يا مؤلف بين الثلج والنار والف بين قلب هذا صاحب الدعا قلوب السلاطين والخواتين من بني ادم وبنات حوا كلهم من العرب والعجم وترك وديلم والهو والعبد والذكر والانثى يا مؤلف بين القلوب سخر قلب جميع بني ادم كما سخرت الريح لسليمان بن داود والف بين القلوب كما الفت بين قلوب زليخا ويوسف يا عزيز يا عزيز يا عزيز يا جميل يا جميل يا جميل يا جميل وكل جليل حب جلا لرحقير يا حب التوابين يا اله العالمين يا خير المحسنين

بحرمتك یا ارحم الراحمین

۱۱۲۵ م ۱۱۱ ح ۱۱۱۵ م ۱۱۱ ح

بستن بول سارق

جهت بستن بول کسی که دزد یده باشد بشوید قدری روده گوسفند بنوعی که آفتاب بیرون نیامده باشد واین آیات واسماء را برکاغذی بنویسد بعد ازاینکه روده را داغی کرده در میان او نهد در روده را برازبلیه کنند ومرا دکه نفس میدهد بگوید انفخت من بدن سارق مال فلان و بطنه ودراسه وعصبه وبدنه وحزجه وفرجه بعد از آن سر او را با بریشم سرخ یا سبز محکم بندد بنوعی که باد از او بیرون نرود واین عمل را شب باید کرد درخانه صاحب مال وچون بلند شود در آفتاب بیاویزد وانچه برکاغذ نوشت این است

بسم الله الرحمن الرحیم او کالذی مر علی قریة وهی خاویة علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله مائة عام کذلک الله یمیت بول وغایط سارق مال ومتاع فلان من جمیع عروقه وعصبه وبدنه وذکره وفرجه وفرجه وحلقه وسامعه ومسامعه ومناخره وبصره حتی لا یستطیع مهرباً ولا مخرجاً ولا بولاً ولا غایطاً ولا یلتذ بنام ولا اکل ولا شرب ولا قعود ولا

قیام

در بیان عمل محبت

بیام لاولی اللیل ولاولی النهار بسبع المثانی والقرآن العظیم والذکر الحکیم وبحق طه ویس وحم والمر وطسم وبالتورة والانجیل والزبور والفرقان العظیم انه لقسم لو تعلمون عظیم انه القرآن کریم وبحق هذا الاسم الاعظم والقسم المکرم ۱۱۱ ح مم ⵖ ۱۱۱ ه ه وبحق تملیخا مکسلمینا مرطوس موانس ابطابرس انوس کره سعططوس قطمیر البته برل سارق بسة شردت

صورت عمل محبت از اسرار مکتوبه عینی است بگیر عدد اسم طالب را و در ضرب نماید و عدد اسم مطلوب در مطیع ضرب نماید حاصل الضربین کرفته بعد آیه ولقد انشاناکم اول مرة ۱۱ یغفرون در سورها عدد رک در خانه اول مربع کذارد و عدد خانه اول را من حیث المجموع با انضمام عدد رقد در خانه دو کذارد و هکذا بطریق معتاد بکخانه رکت در یک خانه زقد پر نماید تا تمام شود و هرکاه کسری در عدد باشد بقاعده نظم طبیعی در محل خودش یک عدد زیاد نماید بعد از اتمام در وقت احتیاج باید که حرارت ناری مطلوب حاضر و ناظر و

بدانکه ... ... [illegible]

و مطیع و مسخر گرداند بجهت دوستی انشاءالله مجرب است
از جمیع نااهلان و نامحرمان مخفی نماید

رفد ۴: ۱۲۳	رل ۴: ۸ ۵	رفد ۵ ۶ ۴۱	رل ۲ ۳ ۲۰
رل ۵: ۲ ۵ ۶	رفد ۲: ۶ ۵	رل ۳: ۸ ۳ ۸	رفد ۵: ۱ ۳ ۵
رل ۲: ۸ ۲ ۶	رفد ۴: ۱ ۴ ۷	رل ۴: ۳ ۴ ۴	رفد ۳: ۶ ۱ ۷
رفد ۴: ۶ ۲ ۹	رل ۳: ۳ ۳ ۲	رفد ۳: ۱۱۱	رل ۵: ۸ ۶ ۲

عدد آیه محبت را گرفته با عدد رل و عدد رفد و عدد
طالب و مطلوب در مربع بکار رد که بجهت محبت خیلی
اثر دارد در این مربع در اینجا که اگر شود از جهت بدرستی
و عدد مطلوب و طالب در آن بود و نشده الحاصل آیه
محبت را عدد گرفته در خانه اول بنوده با رل ممزوج کرده
نوشتم بعد خانه دوم را عدد رفد با عدد خانه اول کاشتم
همچنین خانه سیم که رل بود با رفد ضرب کردم و کذا
تا خانه شانزدهم رل رفد کاشتیم که بجهت بندی واضح باشد

این جدول را حبشی نوشته ... بدل عدد طالب ... عدد مطلوب ... رفد مربع ... خانه ...

در محبت حروف رند ورک

رف ٣٥١٠	رن ٤٣٣٤	رف ٥٠٣٢	رن ١٧١٤
رن ٤٧٣٨	رف ١٩٩٨	رن ٣٢٣٤	رف ٤٥١٨
رن ٢٣١٨	رف ٥٥٣٤	رن ٣٧٣٠	رف ٣٠٠٤
رف ٤٠١٤	رن ٢٧٣٣	رف ٢٥٠٢	رن ٥٣٤٣

باب المحب در آتش و این نقش کند با خون عصفور
بمالد در آتش اندازد نعم

باب محبت

الو	مع	✓
سعز	سعز	زوط
رصع	سر	بمالد

صح صح صح صح صح
صعه فلان ک فلان

طالب ومطلوب نویسد

دلهم | دار در لن

هیلج دلسوا

دادس

زاصح فلان این فلان

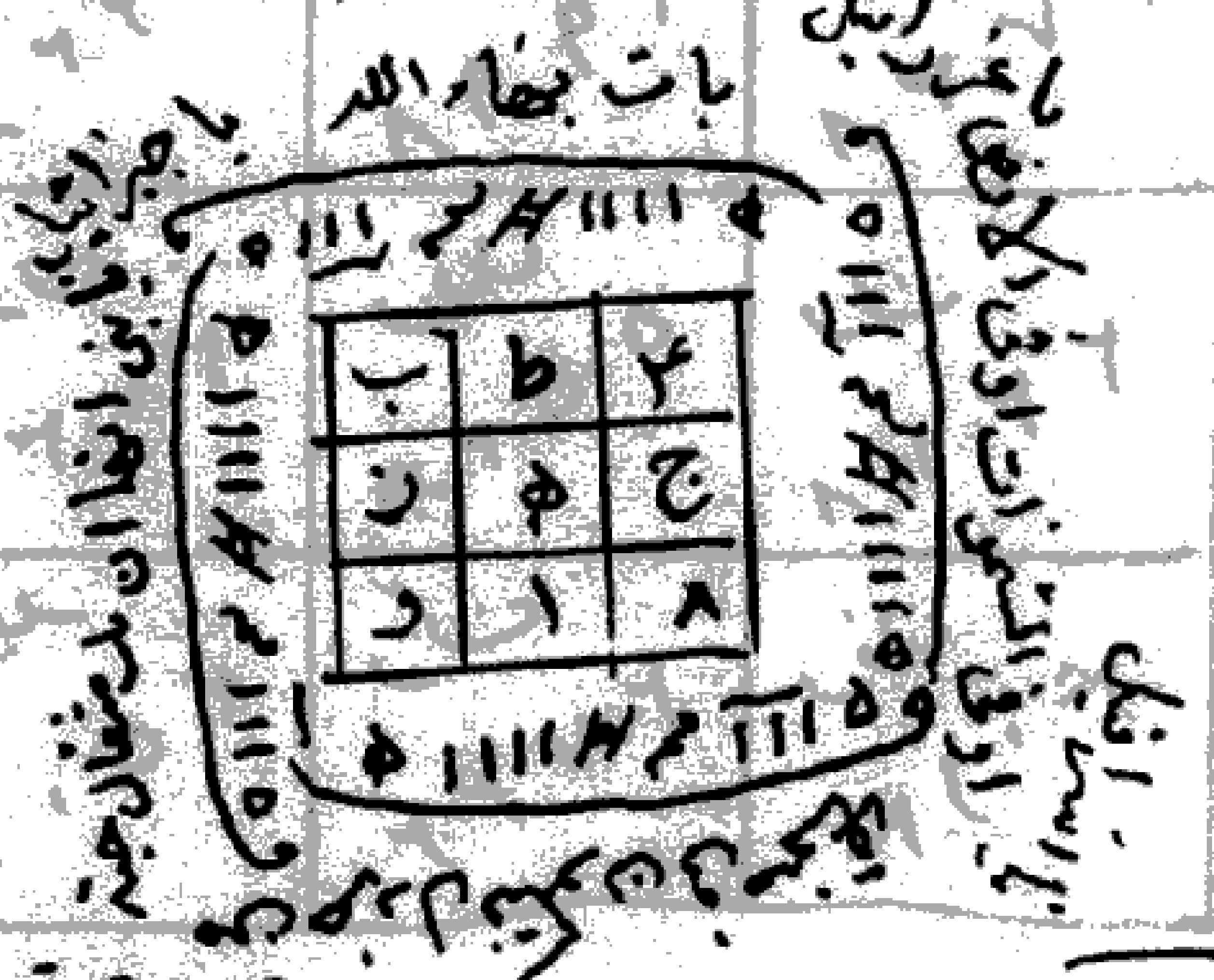
هو | در علم

رضا و سمع

٧ نون اس دری ما

جهت پیدا شدن دزد

جهت پیدا شدن دزد وگر بخواهی این مربع را بر بیضه
بنویسد و در کنار آتشدان دفن نماید و اسم ضاله و دا یق
یا مسروق را در آن اسم درج کند و چنان دفن نماید که
بشود و حرارت آتش با او برسد خودم تجربه کردم مجرب است



ب	ط	۴
ز	ه	ج
د	۱	۸

پنج ها باید نوشتن پس در خط
هفت همزه واو ها و جیم و صاد
هر بلا را شفا باشد یقین

ه مسبع حوله اربع نقط
جهت بنویسی و ضرر کش از خلط
گر کسی بنویسدش با این نمط

ه ه ه ه ه ه ع ع ع ع ع ع ع ع ع ه م ض

۵ ۱۱۱ ▭ ۱۱۱۱ م ه ه با لکیج

گر تو را میل چار در چار است
اضرب وجده ببینی تو را در کار است
از خانه فیل هر یکی هفده کن
این نقطه از نظر او رهدار است
اضرب وجده که هست بران عیار
در ضلعی تو فضلی و حلش بسیار
جیس در هر ضلعی تو نقل و نفوذ کن
تا از فن اعداد شوی برخوردار

منه

در بیان اعمال همه

منت خدا و نفرین رسول بر او و الاداونما دکه مطلب را در بیش نا اهل
درست کند وما اذن نمید هیم هرگاه بکند خدا و ندراعلا باطل
خواهد نمود هر روز اگر از جهت مخارج خود یک قران درست
کند عیب ندارد اگر زیاد تر کند بحق محمد و آله او نخواهد شد
و صاحبش معلوم شود هرگاه نخواهد این جور عمل نماید
اول باید ده روزه بدارد و چهل روز حیوانی نخورد و در روز
این اسماء را هزار و یکمرتبه بخواند بعد از این صورتی از کاغذ
زرد یا سفید چند بمثال لعل بریک طرف آن بنویسد در اندرون

در اندرون | سه سه | از طرف دیگر بنویسد | صه صه

بنویسد یا هیوش یا براخ یا طا و این عزیمت را بخواند
بهلطین اشما نولی هلیش بونیل لهلهلون ارکیاطیل
بهرموش یا ردیش علقیش علقشوم قلشا فوم علشا فیش
اجیبونی یا ایها الاعوانی باسم المکنون المخزون اجب
یا سالم راجب یا میمون یا هیوش یا براخ فکیش سبیل
وابل الهر المولی هذا عظیم کاغذ بدراهم فضة بفضة
خالصا هذا بضرب امیر یا سکة سکة از همان وقت که
میخواهد عمل کند این طلسم را بنویسد

۷ ۸ ۱ ۲ ۱۹ ح ح ط ح ح ۸ ۸ ۱ ۳ ۱ ۸

وبعد از آن عزیمه بهلطین را دو در زیر همان گذارد

دو نوبت بخواند و بعد یکبار این را بخواند نکیشٍ سبیل لک
دا بل النهر المولی هذا کاغذ بد راهم نقیة بیضة خالصاً امیرنا
سکنة اگر شده بیها و دو باره با هیوشٍ را بخواند تا مراد
حاصل شود بعد از آن بهلیطش را هم چنین تکرار کند و بخواند
که صاحب نسخه شود هر دفعه که کاغذ را همین طور بدیدی
عمل کردی یک را بهلطش را که خواندی صاحب عمل میشوی
احتیاج بزوره کردن نیست وهوانی بخور این عمل درست
بنویف المی اگر خواهد بود بر صحیح ان نویسد دوباره کاغذ
میشود و این ضمانت است در روی این میگذاری و بخوانی
آخر کلام والسلام بر دو باره کاغذ میشود وجبی و دوی هم میگذاری

عمل قرطاس مجرب هر وقت که خواهی یکی حدیث و جبه روز اول
صد و نود و نه بار این دعا بخوان چون ختم شد کاغذ را در را متعرض
کرده گذاشته در برهمه نماز و در جوف کاغذ عدد و بعد از آن
دو رکعت نماز کرده رکعت اول الحمد و انا انزلنا در رکعت دوم
قل هو الله بخواند و بعد از نماز را اتمام کند و بعد از آن هفت بار
که این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم واقسمت علیکم یا شمخ یا
خضم یا زفح جوش جرش سلطان جوش این بندار ابهذ القرطاس
بعضه مع سکتی بضرب سکتی امیرنا هذا العصر ضلطه علیکم اسلامکه

(حاشیه: عمل قرطاس)

من النار ونحاس وحدید فلا تنتصرا ان یضربون وجوهکم وارجلکم الساعة الساعة الوحا الوحا العجل العجل العجل بیش از انکه حرف وسرف بدارد هر جاکه باشد این ایة را بخواند پنج دفعه لا یعلمون انکم خلق صفات بصفا یا کرهم والسلام

مثال اگر کسی دشمنی داشته باشد بنوعی که داند از انواع دشمنی خواهد که خدای تعالی اورا محفوظ دارد از شر آن دشمن اسم خود را با بینات بیرون آورد واسمائی که دافع مضرت باشد مر معنی بیرون آورد خود بعد خود بحروف وحود بهر دو نوع ونوع اخرین مجرب است واکسیر اکبر واسم اعظم باشد

مثال اسم خود ح اج ی ع س ن بینات لف مرکد رابیست اسماء الله مستخرجه از حروف سلام مؤمن حلیم ولی حی محیی اول دال الوف مؤلف ملی مولی امین امان جلیل جلی جلیس جلال جمیل جمال حانی حفی حامی حامیم حنان سامع سامی سالم سلیم سنا سنی لجا مانع مناح محل مجلی مجمل محسن مخلف محلا ن محال محول مسلم مبنی مفلح ملجا ملجی ملحو ملون ملیق منامی مناه منجی منجا منجح منح منی منفس منفی منیف مسیل مزحر مواحی موسل

مولح مونس ناحی نانی نجی دانی وفی لجا داین هفتاد
یك اسم اعظم که از این حروفات نه کانه بیرون امد اگر
بحروف خواهی ولی منجی لجا داگر بعدد خواهی وانی ملحی
مانح داگر بحروف و عدد خواهی مفلح محلل واین نوع
امر مجرب است و مؤثر افتد والله اعلم واگر باسم حاجی
حسن تنها خواهی هفت حرف است و ۱۰۴ عدد است
جلی دانی وهم این حروف بیرون می اید

مثال در دوستی ا س ل ی م ف ا ط م ه ن و
۱۲ حرف است مع تکرار و ۲۲۲ عدد است سهل سلیم
لطیف و در عدد تهیه و همین صفت بخواند سیصد
و سی روز نیت یا سهل یا سلیم یا لطیف سخر هالی ۲ بنت
فلان یا سهل و یا سلیم یا لطیف غرض از این جمله مثال آنست
که محل در هر فرد از افراد و هر شیئ از اشیاء از اثر اسم
ان چیز است و ظهور ان چیز از اثر اسماء الهی است و وجود
جمله اشیاء و تحقیق اسم اعظم قایم است بقدرت صاحب
اسم اعظم و هر یك از اشیاء مظهر اسم ظاهر ند در باب که در وی
فائده کلیه در خواص اسماء الله اگر کسی را امرادی باشد
بکسی اول نام ان شخص را به بیند که چه حرف است و از

خواص اسمائ اثر

۶ / اسماء

اسماء الله این نامها که اولش این حرف باشد بخواند و بخور عود بر آتش نهد و وقتی سعد یا در جملهٔ سحرها که باب الاجابة مفتوح است این اسماء بعدد جملهٔ حروف اسم این شخص بخواند واز خداوند تبارک وتعالی این مراد بطلبد البته حاجتش روا کند بزودی واگر بعدد حروف اسم انکس جملهٔ اسماء ورابعه وان حروف جملهٔ اسماء بخواند البته بی شک بمراد برسد وچندین ابواب دیگر بروی مفتوح گردد بعون الله تعالی وبنده تجربه کرده موثر است

مثال

مثال کسی محمد نام دارد ومرادی از این داری وعدد مرقش پنج است این اسماء را پنج بار دعوت باید خواند وجملهٔ عدد حروف اسمش است صد وسی دو بار اسمائی که اول این اسم حرف میم باشد باید خواند وپنج بار مکرر باید کرد در پنج روز لکن ابشتر بمراد برسد والله اعلم الغیب وهو قاضی الحاجات تمت

فائده

فایده در حرف اول آن اسم نظر کند که تعلق بکدام کوکب دارد در طلوع برجی که آن کوکب در آن برج باشد بخواند وعمل نماید وعجایبات مشاهده کند واگر طلوع آن برج وساعت آن کوکب موافق گردد بغایت موثر اید

نوعی دیگر نام طالب ووالده ونام مطلوب ووالده را
امتزاج دهد واز آن حروفات اسماء الله حاصل کند بعدد
حروف وعدد جمل وعدد در مربع نقش ودر خواندن
مواظبت نماید البته مرادش حاصل گردد اسم طالب
حسن ملک اسم مطلوب ابراهیم قدم امتزاج اسم با اسم
این است ا ح ب س ر ل ا م ه ل ی ک م ح ق س د
ن م م وابن بیت حرف است وعددش ۹ ع ر ۷
است اسماء الله از این حروف بیرون آوردیم بیت حرف
وحرف غیر تکرار ا ح ب س ر ن م ه ل ی ک ق د
واسمائی که بیرون آمده است اینست رب رحمان
ملک مقدس مهیمن واین بیت حرف است وتمام عددش
اسماء الله در آن مندرج است واینست روز این اسماء را
باید خواند هر روز هفتصد وشصت ونه عدد وعدد را
در مربع نقش کند که البته خواص بخشد واگر در طلسم نویسد هم
موثر باشد در واقعه دیدیم که شخص فرمود که بدین
اسماء اگر دعوت کنی اول بگو یا مَنْ هُوَ اَنْتَ الَّذی
لا اله الا انت العزیز الرحیم یا هو اسمی که خواهد
بخواند که بغایت موثر است وتجربه کرده شده

مکرر

در تکسیر کلی اسماء الله

۱۹۳	۱۹۵	۱۹۱	۱۸۴
۱۹۷	۱۸۵	۱۹۸	۱۹۶
۱۸۶	۲۰۰	۱۹۳	۱۹۰
۱۹۳	۱۸۹	۱۸۲	۱۹۹

۱۹۲ ۱۹۵ ۱۹۱ ۱۸۴
۱۹۲ ۱۸۵ ۱۹۱ ۱۹۶
۱۸۶ ۲۰۰ ۱۹۳ ۱۹۰
۱۹۴ ۱۸۹ ۱۸۲ ۱۹۹

۲۶۹
مکند و این عدد بهشتاد رسید و تا هفتصد و شصت و نه
می باید رسانید که عدد تمام این اسماء است دیگر اسم
مراد به بجنبد که چه حرفهاست و اسمی که اویل ان اسمها
نام ان مراد باشد و معنی مطابق ان طلب باشد بخواند
بعد اسم مراد که البته بمراد برسد

مثال ذهب طلب ذوالطول هادی بدیع هفتصد
و هفت بار بخواند و دشمن و حب و بغض هر چه خواهد
بدین نوع بی نظیر است و ان مثال کافی است

فصل در تکسیر کلی در خواص اسماء الله چون خواهند
که اسماء روحانیه که موکلند بران اسماء الله بیرون آید
و خواص که در اسماء است و حروف ان بعینه حاصل گردد
و عزائم جن و قسم ملائکه و روحانیات را بکلی یابد و
طلسمی که دران مندرج است ظاهر شود طریق انست که

تکسیر اسم طالب و مطلوب

گر اسم را بنوع تکسیر تام بعد ازان آن حروف را هر یک
تنها بنویسد بعد دو حرف ان اسم بعد ازان یک حرف را
با سه حرف امتزاج دهد بعد ازان دو حرف با دو حرف
بعد ازان دو حرف دیگر با دو حرف غیر مکرر تا جمله ترکیبات
ازان امتزاج بیرون آید دعزائم ودعا وانسون و هر چه
دران حروف باشد و هر چه خواهی که ازان حروف باشد حاصل
شود و بعینه بیرون اید چنانکه اسم تا چهار حرفی
مثال خواهم نمود و تکسیر کل تمام با حروف مکرر چنانکه
مجموع این کلمات این است رمز طلسم و امیخته شدن طبایع
حروف دریاب واز نااهلان پوشیده دارد این تکسیر اعظم
است و در خواندن در همه کلمات حرف اول بفتحه و حرف دویم
بضمه و حرف سیم بکسره و حرف چهارم بجزم بخواند و بعده
حروف جمله تکسیر بخواند که البته مراد حاصل گردد و هر خاصیتی
و منفعتی و اثری که در امتزاج این حروف و اسماء باشد
بظهور آید و این بابی است عظیم و تعلیم این از روحانیه
رسیده است و بعد ازین مثال خواهیم نمود در اسم دو حرفی
و سه حرفی و چهار حرفی در اسماء رب عنی واسع واهب
رازق بجهت تکرار و دریافت را سانی و ضابطه این نموده
می شود

در بیان تکسیر اسماء الله

می شود تا طالب آن را بمطلوب رساند و این فقیر حقیر خادم
الفقراء حاجی حسن بن قطب الدین طاوسی را بدعای خیر
یاد آورند و ختم این تکسیر کنز الاسماء باسم غنی شد که خاتم
الاسماء والحروف است تا دست جاهلی بان نرسد تکسیر
اسم رب برا اسم غنی نیغ یغن غین یغی نیغ اسم
مغنی غنیم نیمغ یمغن مغین غیمن ینغم یمنغ منیغی
غمینی یغنم نمیغ منیغ غمین نیغمی ینغم منیغ
غمین نمیغی یغنم مسیغن غنیم نیمغ یغمن
فائده حرف غ ختم ابجد است وحرف ی ختم
آحاد است وحرف نون ختم حروف مقطعات وحرف
میم ختم حروف مخارج است پس اسم مغنی خاتم الاسماء
وخاتم الحروف باشد و در عدد ۱۱۰۰ است و با یا
که حرف ندا است ۱۱۱۱ می شود که آحاد و عشرات و
مآت والوف است که مراتب اعداد است پس هر کسی
که این اسم را هر روز باین عدد بخواند حق تعالی چندان
مال و نعمت بدو دهد که همه کس محتاج او گردند و بر همه
امری قادر گردد

خواص حروف

خواص حروف

فائده در خواص حروف اگر قمر در منزل زبانا باشد حرف عین را هفتاد عدد بنویسد باسم علی و اسم والده یا اجداد و اسم مادر یا عصمت و اسم مادر چهار رقعه بنویسد رقعه اول در شیشه یا بیضه یا نی نهد و در گل گیرد و در آتش نهد از زر و یا در کنار آتش دان دفن کند در رقعه دوم از باد نیا و یزد در رقعه سیم در آب بشوید و بخورد مطلوب دهد در رقعه چهارم جای پاک در خاک دفن کند که مطلوب مسخر گردد تمت

تعویذات شرف قمر

فائده تعویذات جهت شرف کواکب و جهت دوستی و درشتی و صداع در مدح و جمله امرضها و جمله حاجتها و گشادن در بستگیها و دفع بلاها و نفع از احباها و ایمنی از اعدا و در همه امری مجربست و در شرف عطارد این مربع جهت خود وضع کردم و نزد افتاد بدین جهت در این محل ثبت کرده شد

کفیل	مدحل	منعوت	الاعظم
جلیل الله	فاصه مهیمن	عالم	ازل دائم
حبیب غالب	مولاه نصیر	مجیب	ملیک طالب
نجا	ملک موهب	سلط مستدام	حبیب نادر

۱۴۰	۵۲	۳۵۴	۱۴۷
۳۴۲	۱۰۵۴	۱۴۱	۵۷
۱۵۵	۳۴۴	۵۰۵	۱۴۲
۵۴	۱۳۸	۱۰۴۵	۳۸۵

واین

واین کلیه ابواب حاجات چون اولیاء الله رحمهم الله ورد کرده اند که اسم هرکسی با هر شیئ با عدد وسطی جمع حساب کنند وان اسماء الله اسمی طلب کنند که بعدد مطابق عدد ان اسم باشد و بهمدیکر تکسیر کنند ودر مربع نهند وان اسماء الله را بعدد ان اسم بخوانند هر روز تا البته بمراد برسد ونزد فقرا آنست داضح است که حروف اسمین بحروف مطابق باشد وبعدد مطابق باشد چنانچه حکم با مسطر را حرف ۱ و ۱۲۴ عدد دارد وحاجی حسن ۷ حرف است و ۲۰۰ عدد دارد پس ۱۴۰ هر روز ۱۴۰ نوبت بخواند تا انجانکه در مربع نهاده شد حرف واعداد مطابق ساختن مشکل است واکر مطابق سازند بهتر باشد واما مبلغ نامبلغ توان ساختن ودعوت خواندن بدین نوع از اکسیر اعظم است وهمان مربع کذشته بمثال نمودیم تا بدین دستور عمل نماید بنهایت بی نظیر است

فایده تکسیر دفع دشمن مصیت الحیوة مذبب
۹۴۵ ۸۵۰
العدد معیب الصورة خافض النفس قابض الروح
۸۴۹ ۱۸۰۲
طابع القلب قالع الامل قامع القواه
۱۲۴۸
۳۵۳ ۲۵۲ ۲۰۵۰

فایده جهت تکسیر حب محبوب نور العیون سرور القلوب
زین النفوس مؤلف الروح جامع الشتات مؤثر الوداد
۶۰۳۵ ۴۲۴ ۲۹۱۴ ۴۰۰۲ ۷۹۳ ۱۲۴۴
مثبت الحب ۵۲۳

مرکه را حاجتی

فایده هرکه را حاجتی باشد بحضرت حق سبحانه وتعالی اسم ان مراد تنها تکسیر کند و اسماء الله تعالی که در اول حروفش از اسم مراد باشد بنوع حروف تکسیر کند و تکرار ان بعد جمله حروفات تکسیر بخواند و اعداد جمله حروفات تکسیر در مربع نماره باخود دارد و هر روز ان عدد تکرار کند که البته مراد بحصول بپیوندد و مجرب است

تسخیر ملوک

فایده در تسخیر ملوک اسم ملک احمد ترخان در مثال اورده ایم الحفیظ راین اسما را بدین طریق چهل و دو بار بخواند اسم با حفظ که تکسیر شده است در این قانون است

ال ح ف ی ظ	الله لطیف حکیم فاطر یاسر ظاهر
ظ ا ی ل ف ح	ظاهر الله یاسر لطیف فاطر حکیم
ح ظ ف ا ل ی	حکیم ظاهر فاطر الله لطیف یاسر
ی ح ل ظ ا ف	یاسر حکیم لطیف ظاهر الله فاطر
ف ی ا ح ظ ل	فاطر یاسر الله حکیم ظاهر لطیف
ل ف ظ ی ح ا	لطیف فاطر ظاهر یاسر حکیم الله
ال ح ف ی ظ	الله لطیف حکیم فاطر یاسر حکیم ظاهر

دعوات الاسماء

فصل در دعوات اسماء الله وغیره که خواص ان در ظاهر معنی لغوی ان اسم یا ایه یا کلمه فرموده اکر معانی و حروف وطبیعت و کواکب موافق افتد اثران زودتر بظهور رسد وازان اسماء الله زودتر مراد براید که از کلام واید و نیز ان ایه زودتر مراد بظهور اید که از کلمات واز کلمات مفهوم زودتر مراد براید که ان مفهوم ومحصول این سری عظیم با فواید است وازاقوال زنان ساحره این سر در میتوان یافت که ریسمانی برمی دارند در نیوفی چند کلامی برانی می خوانند وخواب مردم بسته می شود والفاظ ایشان کلماتی چند فارسی است مثل این که بسم الله بستم خواب چشم فلان بحبحت ۲۲۲ بحق مناره و بحق مناره نابیدکر باشد منا را رنغ براید مناره بحق پران صد ساله این نوع کلمات میکویند واثران بغایت می باشد اکرچه بیشتر از صدق واعتقاد است فاما چون اعتقاد وطهارت وخلوت واسماء الله موافق وحروف مصدق البته حصول مراد باشد نعون الله تعالی

اول کواکب

فایده چون حروف کواکب وبروج موافق اسماء الله که ازان حروف استخراج کند ودعوت وشرایط بجای

آورند هرگز خطا در مراد واقع نشود

مثال حرف طالع جوزا صاحب طالع عطارد ب ص ث ر حرف برج پنجم میزان صاحب زهره ش و ظ ذ حرف برج نهم ذکر صاحب زحل د ن ح غ حرف یازدهم حمل صاحب مریخ ا ث م ز مجموع حروف ب ص ث ر ش و ظ ذ د ن ح غ ا ث م ز اسماء الله مستخرجه از ودب صمد ثابت ودود مؤمن وتر برّ نور منور تواب شاع خالق راشد بار احد ابدا مان راغب ذخر صابر صبور مثبت منتم مجز مختار محزون مدثر مدعو مدور مرشد مرغوب مصبح مضمون منان مثبت منصور مزخر مردود موجد ناصر ناظر وارث وابن چهل ود و اسم است که از این حروف استخراج کرده شد جهت طالع جوزا پس بدان طریق که ذکر رفت اسمی که مطابق مراد باشد بمعنی و موافق بروج باشد بحرفی که در ساعت کوکب و طلوع برج طالع دعوت کنه البته بمراد برسد بهر حد که توانائی داشته باشد

مثال دیگر ر ث بر بار را خ حروف مریخ است

از ور

ازحوت که عاشر طالع است و یا از طالع که برج جوزاست
پس مراد بزرگ باید و از حل که یازدهم باشد یا آن
که اسم اعظم است موافق باشد برای و داسم ود و د
دا و حروف زهره از میزان که شرف زحل است ود
که حرف زحل است از جوزا که تثلیث است جهت محبت
دوستان نیک باشد طالع جوزا را اسمی ابد الف از حمل
آآ د یا از جوزا طالع ود از محصول امید تعلق دارد اسم
مؤمن م از جدی طالع و ن از میزان است دوست
شدن دشمنان را و ایمنی از خوف جوزا طالع را موافق
است و میزان طالع را نیک است و جدی را دولت باشد
ودد اسم ودود سرّی دیگر هست که چون حرف د مقدم
است مطلوب مسخر طالع جوزا شود و میزان طالع مطیع
شود و چون در اسمی حروف ی و د بیرون مقدم
باشد جوزا طالع مطیع دوست شود دریاب اسرار
اسماء الله را و در دنیا و آخرت عزیز عزیز شود انشاء
الله و اگر مولودی بداند طالع اسمی دقیق که اسم خود
را و اسم والده بحساب ابجد حساب می کنند و طالع می یابند

در دعوت اسماء الله هم اثرها دارد

فایده اسم حاجی حسن عایشه خاتون بحساب ابجد

۱۱ بعد از اسقاط بروج که دلیل برج طالع برج دلو

باشد حروف او ذ ع حروف مثلثات او بجهت علم

وبجهت ودوستی حروف جوزا ذ ع ب د حروف میزان

دن واز بعد دوستی حروف برج یازدهم که حمل باید کرد

پس حروف مثلثات طالع این است ذ ع ب د ن

پس ودود اگر حروف برج یازدهم که حمل است داخل

شود اسم حنان ودود از او حاصل شود واین جهة بمراد

بانی اسامی دوستان نهاده شد تا فایده یابند

فایده در اسماء وغیره هر کس که مرادی داشته باشد

اسم مراد اگر حروف ان مراد در ان اسم یا در ان ایه

بیابی مراد از ان اسماء یا ایه در خواندن یا تکسیر یا در

وفق یا در تعویذ البته ان مراد بحصول بپیوندد

مثال اسم بنده حاجی حسن این است ح ا ج ی ح

س ن اسماء الله را باید که این حروف ها را در آن

باشد مثل حنان حی ابس نجا

مثال

مثال آیه ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ
امره قد جعل الله لکل شیء قدرا ودراین آیه شمس
الدین وجلال الدین وجمال الدین دران تمکین دترکان
وهر نام که حروف ان دراین آیه باشد انکس که این بخواند
مرادرا اثرها دهد نوع دیگر دراین آیه ربنا لا تزغ
قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة
انک انت الوهاب ازجهت ازمال طلب کردن
نیک باشد ودرخواندن بجهت انکه نام مطلوب در
آیه منقول است ومنصوب چنانکه حرف اول حرف
د است ودر پی ان حرف ه راست می آید ودر
اخر ان حرف ب چون ذهب ودرجفرها فیه حضرت
امام جعفر صادق ع اشارتی چند فرموده که دلالت
برین می کند در تکسیر که هرگاه که اسم مراد ومطلوب
سطری از تکسیر منصوب نیابند ان سطر وقید مراد
باشد اگر عکس ومقلوب یا بند از پی هم دیگر ان مراد
از ان سطر دفنه عکس مراد باشد منصوب چون ذهب
درایه مذکور ومقلوب چون بهذ نوع دیگر دراین
آیه زین للناس حب الشهوات الی حسن المآب

بجهت مال وزن وفرزند واسب وحیوانات واسباب دنیوی بغایت مؤثر است وبجهت حصول هر مرادی که اسم ان در این آیة منصوب است چون زن وحسن وشباب وان مرادها مشروط ملحوظ است وان کسانی که این اسم دانند مداومت نماید بیشتر وبیشتر بمراد رسد بحصول پیوسته دون ارشادی است نیکو تا طالبان را مراد وصاحبان دعوت را هر نیت ومرادی که داشته باشند بدین قیاس از اسماء الله را یات ودعوات وطلسمات رقبه مراد باز جویند که البته بمراد رسند دلیل حکماء و علماء وفقها واولیا ومشایخ کبار رضوان الله علیهم فرموده اند که هر ایتی که دروی کلمه فتح است جهت گشایش کارها نیک است وهر ایتی که در روی کلمه رزق است وزدان جهت روزی نیک است وهر ایتی که در وی کلمه حب است جهت محبت نیک است وهر ایتی که در وی کلمه بغض وزوان است جهت تفریق نیک است میان دو حرام وهر ایتی که در وی کلمه ظلم باشد وبغض جهت دفع ظلم نیک است وقس علی هذا

فایده در عملی که شامل جمله اعمالی بهمه مرادات صورت

ادی

ادمی بر کاغذ کشند یا بر مومی یا از گچ یا از قلعی بسازند
وحروف افتاب را بر سر دو دیش بنویسد وحروف عطارد
بر دستهایش بنویسد وحروف قمر بر پایهایش وحروف
مشتری بر پهلوی چپ وحروف زحل بر پهلوی راست وحروف
مریخ بر سینه وحروف زهره بر فرج وحروف قوس بر اطراف
کردنش بنویسد پ ژ ک و بر شکم صورت نام انکس
و مادرش بنویسد وایتی از کلام الله که مناسب ان مراد باشد
بنویسد واین عزیمت بنویسد که اگر صورت وعزیمت این
است اقسمت علیکم یا ارواح العلویه والسفلیه بکل اسم حاصل
من تکسیر هذه الحروفات من اسماء الله ربنا وربکم والهنا
والهکم ومن اسمائکم واسماء رؤسائکم من الملائکة المقربین
والارواح المقدسین والجن المسلمین ان تعینونی علی
محبة ۲۳ [illegible] وتهیجه الی الی الی واگر از برای خود کنی
الی واگر از برای دیگر بنویسد وتهیجه الی ۲۲ [illegible] [illegible]
ازان صورت از سر تا به پا ویزد واگر از بهر دوستی
باشد بوی خوش واگر از بهر دشمنی باشد بوهای
بد بخور کند از زیر صورت دستی و چهار بار بر این عزیمت
بر ان صورت خواند واگر قمر در برج اتشی باشد در

۴۰

و در آتش عمل کند و اگر در بروج بادی بود از باد بیاویزد
و اگر در بروج خاک در خاک دفن کند ولی در آب دفن
کند که مجرب است

فایده کلیه اگر کسی را دشمن چند متعدد باشد و
خواهد کر بدو دشمن دراید یا دوستی چند داشته باشد
و خواهد که بر دوستی در اید یا جمعی متفرق کرد یا جماعتی
زیردست شود در شد اسم از چهل اسم این جمله مراد
دوستی در اسم بسم یا رحیم کل صریخ و مکروب و غیاثه
و معاذه در تفرقه اعدا یا قاهر ذا البطش الشدید
انت الجبار والذی لا یطاق انتقامه و خواری و
دشمنان و زیردست شدن ایشان یا مذل کل جبار
بقهر عزیز سلطانه و این اسم بنده حاجی حسن در جوانی
که دعوت چهل اسم میکردم یکبار در راهی که بکار خانه
شد باقی میرفتم پاها کاغذ یافته در آن نوشته بود
و این اسم در هیچ روایتی چنین ندیده و من داخل روایات
کردم و میخوانم و این اسم تنها دعوت کردن جهة
منزل اعدا بغایت مؤثر است

مثال دوستی جماعتی از آن جمله این حروف از طرف

طول مرکب کنند حرفش حرف باشد دعدد جمله حساب کنند
و در مربع نهند نیکو باشد و این عمل خاصه این فقیر حاجی
حسن است جهت یادگار دوستان نوشته شده که این فقیر
بدعای خیر یاد کنند این است ی ا ر ح ی م ک ل ص
ر ی خ و م ر و د ب و ع ی ا ث ه و م ع ا ز ه خ ک
م ت ب ن ت ر ک ن ه ن س ب ح ل م ث
ب ن ث ر ک ن ه ل س ب ح ک ا ا غ ا ف ر م
ا ن ب ت ن ث ج ه ا ن س ل ط ا ن ا ا غ ا ا ف
ر م ا ف ه م ا ی و ن ش ا ه ب ن ث ش ا ه س
ل ط ا ن ا م ر ی ر ن ش ا ه ب ب د ی ع ه س ل
ط ا ن ب ن ت ع ا ی ش ه خ ا ت و ن ب د ی ع
ه س ل ی ا ر ح ی م ک ل ص ر ی خ و م ک ر و
ب و ع ی ا ث ه و م ع ا ز ه لحاهی اکام را رمعار
حاسع سهوهی منز تسم کنز مثلث باقی براین قیاس نویسد
تا آخر که مجرب است اسمی که مطابق اسماء الله باشد برخواند
برآید و کام از الله بحول له حاجت بیت
حاجت ز کسی طلب کرداری همه چیز بر جمله قدیر است و ز احوال آگاه
فایده در امور کلیه اسم طالب و مطلوب و والده ۳۰۱

در بیان حروف اسم طالب و مطلوب

درست کنند حروفات ملخص کرده اند واسماء الله تعالی
بیرون آورد و از آن حروف پرچیند که بیرون اید پس
اسمی چند که مطابق آن مراد باشد و حروف با حروف مقابل
گرداند بعد از آن حرف از اسماء الله و حرفی از اسم طالب
و مطلوب میگیرد و امتزاج میدهد حروفات را که ۶۲
حرف باشد و تکسیر کند و عدد جمله بگیرد و در مربع نهد
اما جوز دارد و از اسماء الله هر روز بخواند بعدد حروف
که این اعمال بی نظیر است و مثال او در عمل محبت نموده میشود
مثال اسم طالب و مطلوب یوسف ابن عایشه علی حب
شاه سلطان بنت کمر اعداد او ۱۸۴ حروف ملخص
ی و س ف ا ب ن ع ا ی ش ه ل ح ط ت ک ر
اسماء مستخرجه نور کبیر شفیع لطیف فتاح سریع طاهر
حسیب واهب والی عالی کاشف واسع طهور طالب
شافی نافع طالع حنان تواب رفیع علی فاتح اول ناعم
ناظر فاعل کافی کفیل حق باسط باطش حی
وهاب خاطف عطوف رؤف وسیع هادی شکور
بر رب باری شافع و چون اعمال محبت است
اسمی که بمحبت مطابق است بیرون آوردیم عطوف

روف

در بیان در عمل دوستی

روف راهب حاتی مربع لطیف فاعمل با سطر چون اسم
طالب و مطلوب ۳۲ حرف است اسماء الله نیز ۳۲
حرف باید و حرفی با حرفی امتزاج دهند و تکسیر کنند و اعداد
و حروفات جمله بگیرند و در مربع نهند و تکرار اسماء الله بشاره
حروف جمله تکسیر هر روز بخواند مراد حاصل شود

مثال ع ط رف راوف واهب حاف ی من ع ع
ل ط ی ف مناع ل ب اس ط ی رس ف اب ت ح
ا ی ش ه ع ل ی ح ب شاه س ل ط ا ن ب ن ش ل ح
امتزاج عبطوف سفغرا ابونقع واالهنبه جمال
فیح سیرش باعه بطل یطفانتا اعبلن بتا
لسهطر این امتزاجات را تکسیر کنند چنانکه در ده
سطر اسماء بعینه باز گردد والله اعلم

فایده در عمل دوستی میان جماعتی یا تفرقه اسم هر دو را
تکسیر کنند با لفظ محبت یا عداوت و عدد آن جمله بگیرد
ه دره بنهد یا ۴ در ۴ و بچهار طبیعت عمل نمایند
او ند و رعایت ساعت مناسب عمل بکنند ح اج ی ح
س ن ش اه خ ات و ن و اسم را از این حروفات
اسمی از اسماء الله استخراج کنند و بخوانند البته اجابت

اند واگر از حروف بیرون نیاید از اعداد بیرون آورند واگر از ان حروف و اعداد بیرون اید موافق زمین نوزنیکی در دولت مثال بنمایم تا زودی دریابند

ع ۱۸ ۱۴ ع ۳ ۱۵ و ۱ ۵۱ ۱۳ ۱۴ ع ۱۵ ۱۳ ۵۱

۲۱۸ و ۱ ع ۸۱ ع ۵ ۷۱۷ ۷ ۱۳ ۵ و این بیست حرف است

اگر ۲ ۳۲ راست کنند بهشت سطر باز گردد پس حروف

ب ۲ ع ۱ ع ۳ ع در میان اسمین نویسند و تکسیر کنند

واعداد ان در مربع تعبیه البته مراد حاصل شود و مجرب است واگر در همه چهار طبیعت عمل نماید موثر تر است

واگر اسماء الله از ان بیرون آورد و بعد از ان جمله اعداد او حروف بخواند مطلب چنان شود که دلخواه باشد واین

چهار نام بمثال هر یک شخص قیاس کند که مهمی می خواهد در میان ایشان

مثال خ ا ن د ا س ل ی م خ و ا ن ش ا ه ب

م ح ب ت ح ا ج ی ح س ن ع ا ی ش ه

این حروف تکسیر کند تا از نام باز اید و اسماء الله که از این حروف بیرون می آید این است حلیم سلام علیم

جمیل محسن دایم دیان شامخ متین مبین جلیل سمیع
بدیع معین حبیب مجیب مجید مبدی معید محی
ممیت حی احد ماجد ابد متعالی منعم جامع مانع هادی
اعداد حروف زمام ۱۳۷۳۲

فایده در حصول مرادات اسم آن کس با آن چیز به
ببیند که چه حرفهاست و از اسماء الله اسمی که حرف اول
این اسم یکی باشد بعد از آن حروف بخواند و مراد از حق
تکم بخواند و حرف ۲ این اسم هم چنین بخواند و حرف
۳ و ۴ را هم بدین دستور بخواند
مثال شاه خاتون حرف اول ش یا شکور ۳۰۰ بار
بخواند حرف دویم ۱ یا اله و حرف ه یا هادی و حرف
۴ خ یا خالق و حرف ۵ الف یا الله و حروف همه باین
دستور بخواند و شیخ محی الدین اعرابی فرموده با عداد
هر حرفی سوره الحمد بخواند و بعد از آن اسماء الله آن حرف
بخواند اول ۳۰۰ بار الحمد و ۳۰۰ بار یا شکور بخواند
بخواند باقی برین قیاس کند و اگر بعدد ابجدی خواندن
نتوان بعدد ابقعی بخواند البته مراد برآید و حروف

اسم دار نام سازد و بطریق مذکور تکسیر کند با سطر اول
بعینه باز آید این است ش ا ه ح ا ت و ن ز ض و ا ق
م ل ک اگر خواهد که حروف نام مطلوب بعدد
عدد حروف خود بنهد و عدد مجموع بحساب در دو در مربع
بنهد بعد طالع مطلوب بعمل آورد
مثال حاجی بنویسد ح ۱۸ ا ج ۳ ی ۱۰ عدد که قرار است
و جمله عددش در مربع بنهد این چنین ح ح ح ح ح ح
ح ح ا ج ج ج ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی
اعداد که در مربع باید نهاد ۱۷۴
فایده کلید هر مطلوبی که داشته باشد خواه محبت و خواه
مال و خواه جاه و غیره حرف اول نام به بیند که تعلق
بکدام کوکب تعلق در وقتی که طلوع آن برج باشد و ساعت
آن کوکب باشد آن حرف را بعدد جمل مکرر بنویسد و در
احزان بنویسد که سخرت ۲۲۲ م یقوت روحانیه هذه
الحروف والنجوم والبروج ذلک ساعة الی یوم الدین یا ادمی
باشد هیجمت یا اعطفت یا احرقت و بطبیعت آن برج
عمل کند آتش در آتش و باد در باد و خاک در خاک

۱۱۷ ر

وآب دوآب

فائده در جاه حرف اول مطلوب ج است و تعلق بقمر دارد و از درجه شرف یعنی ثور چون قمر در شرف باشد در هنگام طلوع قمر بساعتی قمر سه عدد ج ج ج بنویسد و در آخر بنویسد جلبت الجاه والجمال فی اعین الناس من بنی ادم و بنات حوا علی و انا ۲۲۲ کلهم اجمعین والبته موثر باشد

فایده هر چند که جمله حروف اسم مطلوب تعلق بکدام کوکب دارد و در روزی که قمر با آن دو سه کوکب نظر دوستی بد طلوع و برج کوکب حرف اول و اگر کوکب حرف در آن برج نباشد بهتر آن حروفات را یک یک بعدد جمع مکرر بنویسد و بهمان نوع مذکور عمل نماید

مثالش هم در جاه مج از ثور تعلق بقمر دارد و از حمل تعلق بمریخ دارد و ها از سرطان تعلق بشمس دارد پس در حین طلوع و برج ثور و قمر در درجه شرف روزی که قمر بشمس و مریخ ناظر باشد سه حرف ج ولیک

در احکام کواکب و بروج

آ و پنج ۵ بنویسد با خود نگاه دارد البته در جاه و حرمت بیفزاید هم چنین ج ج ج ا ۵ ۵ ۵ ۵ ۵ ۵ ۵

هلبت الجاه فی اعین الخلایق و انا ۲۲۲ الشاعر

فایده اسم مطلوب بر بنید که چند حرف است و تعلق یکدام برجها دارد و در طلوع برج اول حرف اول بنهد جمع بنهد و در طلوع برج دوم حرف دوم و در طلوع برج سیم حرف سیم بنهد و در عمل آورده و اکر حرفی علاوه بطبیعت برج سیم حروف عمل نماید بهتر است

مثال در اسم سلطان پنج حرف است س ل ط ا ن ج ۱ سه تعلق بقمر دارد و در طلوع برج ۳ عدد س بنویسد و در طلوع سرطان که بعد از آن بود ۳۰ عدد ل بنویسد و هم در طلوع سرطان ۹ عدد ط بنویسد و در طلوع حمل ۲ عدد ا بنویسد و در طلوع میزان ۵ عدد ن بنویسد و در عمل آورد اکر طالع مطلوب آتشی بود و در آتش عمل نماید و پس علی هذا و یک حرف س در آتش ل و ط و در آب و ا در آتش و ن در باد عمل نماید که مجرب است

فایده روزی قمر با کوکبی نظر دوستی داشته باشد

ورو

حروف قمر در حروف ان کوکب بدوستی اثر کند و با هر یک که نظر دشمنی داشته باشد حروف کوکب قمر دو برد دشمنی اثر کند

فایده در یک نوع تکسیر حروفات هر اسمی که خواهد هر یک حرف بعد داصغر بنهد و بعد از ان تکسیر کند مجرب است

مثال علی ع هفت ول ۳ وی ا چنانکه یازده حرف باشد و تکسیر کند و عدد جمله آنست بحساب وسط بگیرد و در مربع نهد که موثر و مجرب است

فایده اسم هر کس که خواهی تنها بتکسیر تام بنهد و هر یک کلمه با عراب اَ اُ اِ جزم بخواند مجرب است با عمل کند و بخواند و تجربه کرده شده

مثال طیبه دیگر هر اسم که خواهد حروف او را در حروف همان اسم ضرب کند و در مربع نهد و در طلسم حرفی یا عدد یا هر که البته موثر است عدد هر خانه جدا بنهد بعد از آن تمام بر سر هم بزند و در مربع نهد

فایده اگر هر یک حرف در حرف خود ضرب کنی همان خاصیت دهد

مثال حکمت ح ۴ م ۴ ل ۳۰ م ۲ ۴ ا ث ۱۶۰۰۰۰۱

جمعه ۱۶۲۰م۴

نماید ه

	ط	ی	ب	ه
ط	۱۸	۹۰	۱۸	۴۵
ی	۹۰	۱۰۰	۲۰	۵۰
ب	۱۸	۲۰	۴	۱۰
ه	۴۰	۵۰	۱۰	۲۵

اسم هرکس که خواهد باسم مادرش بحساب ابجد شمارد

۲۸ ۲۸۱ طرح کند بهر حرفی که منتهی میشود در آن روز که قمر در آن منزل باشد که تعلق بدان حرف دارد و عمل نماید بطبیعت آن برج

مثال حکمت ۶۸ ۴ از ۲۸ و ۲۸ طرح کردیم ۴۲۸ طرح شد ماند ۲۰ در معالم که قمر در انجا باشد حرف ق بعمل آورد در آتش در ابجد رسد بحرف ر و اگر چهار نوع وضع حروف پیدا کنی چهار حرف بیرون آید و عمل نماید در ابجد ر و در ابتث ق و در مخارج ش و در بروج و اصطکاک ک جمله رفتند بتکسیر تام و هر نوع که خواهد عمل نماید والله اعلم

ثانیه فائده اگر حروف اسم طالب و حروف اسم مطلوب و کوکب

کا

کوکبی که بمطلوب منسوب است با اسم امتزاج دهد و حروف
اسم طالب و حروف اسم مطلوب و کوکب مقدم دارند
و در مربع نقش بطریق تکسیر تا اثر تمام دهد در محبت

مثال اسم طالب ح ا ج ی ح س ن ع ا ی ش ه
اسم مطلوب ف ا ط م ه ب ی م ش ا ه حروف زهره
ش و ظ ز با اسم ممزوج کردیم بدین نوع خفش ۱۱ و
حطط بمز حهش سبو نمط غیز اشش یاو
سمط هفذ و این دوازده کلمه و ۱۲ در ۱۲ بنقش موثر
آید والله اعلم

فایده اگر اسم مرادی با اسمی از اسماء الله و نام خود نام
ممزوج گرداند بهمین دستور عمل نماید نیکو باشد و اگر
بعد از آن اسم بخوانند بهتر باشد و در امتزاج اول حرف اسماء
الله بنهد بعد از آن اسم شخص

مثال کشف علوم اسماء الله کاشف علیم اسم حاجی حسن
کلح اشا شیخ فعی علح لوس عن مکح در ۸ در ۸ بنقش
نام و بعد دعوات اسم کاشف و علیم بخواند بحروف نزول

فایده اگر اسم خود با اسم مطلوب امتزاج با تعریف دهد و تکسیر کند و بعد از آن حروفات اسماء و شیاطین و جن و ملائکه در اسماء الله بیرون آورد و شیاطین و جن را باسماء ملائکه قسم دهد و ملائکه را باسماء الله قسم دهد بحصول مراد مشغول شود و با خود دارد یا بخواند و اگر بخواند یا خود دارد بهتر

مثال این دو اسم را امتزاج تکسیر کند ده شود و مربع بهتر باشد اسماء الله بعد دو حروف بیرون آورد تمام اسماء الله هو هادی واحد احد سید سند خناق دیان شهید تا هر چندی که بیرون می آید اسماء ملائکه اشکنیل کاکائیل مکائیل حدود ائیل تا آن چه قدر که استخراج کرده شود پس چون جن را بملائکه سوگند دهد و چنانکه در جفر جامعه امام برحق فرموده و ملائکه را باسماء الله سوگند دهد تا جن را امر کند بحصول مراد شود والله اعلم

مثال ح اح ی ح س ن ع ا ی ش ه خ ا ث د
ه ک ی ث ی ش ا م ه و ح ت ا د ح ه ی ا ی ش
ه ن ی ع ن ا ی ک ش ن ه و خ ت بدین طریق
بکسر

تکسیر کنند تا زمام بعینه باز آید

فایده اگر اسم مطلوب با والده و غیر نبهد و حروفی
که از بینات بیرون آید داخل کنند و تکسیر کنند و اسماء الله
و اسماء ملائکه و اسماء اعوان و اسماء جن و شیاطین بیرون
آورده و عمل نماید بغایت موثر است

فایده در تکسیرات حروف بیت دهشت کانه در اقاویل
حکما در طبایع مختلفه ارسطو و ابو علی و شیخ محی الدین و حکما
و متاخرین در بروج و مخارج و ابجد و صغر و غیره اعراب را بطبایع
عناصر منسوب کردانیده اند و اختلافات دران است
پس صحت تکسیر و دعوات در انست که حروف اسم مطلوب
و والده و حرفی که از بینات ان بیرون آید داخل کنند و تکسیر
کنند و اسماء الله و اسماء ملائکه و اسماء جن و شیاطین از ان
بیرون آورند بعد ازان مجموع حروفها ی تکسیر را بیجها ر طبایع
عمل نمایند یکی نار یکی هوا یکی ماء یکی تراب و بعده
هر حرفی از حرفها یکبار بخوانند با اسماء الله و دیگر اسماء
و اعراب را یک حرف اول فتحه و دوم ضمه و سیم بکسره
و چهارم جزم بخوانند که کبریت احمر است

مثال در عین تکسیر مذکور حاجی حسین آیشه خاتون

تکبیت تشاء تا اخر بهمین دستور بخواند واکر دراخر یك
حرف یا دو حرف یا سه حرف مانده باشد با حروفات اول
وتکبیرات جمع کنند با اعراب ابجد راستی اعراب حروف باشد
بحصول بپیوندد وچون بچهار طبع عمل نمایند حروفات طبیعی
که داشته باشد اثر کند واختلافات حکما بکلی رفع شود

فایده چون حروفات کواکب حروف اسما جمله ۲۸ حرف
است پس حروف هر اسمی حروف کوکبی باشد یا دو کوکب یا
سه کوکب واعراب مختلف صحت عمل درآنست که اسم مطلوب
تنها بسط دهند ودر تکسیر تام درآورند که امتزاج و ازدواج
ملکی حاصل شود پس از ان جمله را با اعراب مذکور بخوانند
وبنویسند ودر هر چهار طبیعت عمل نمایند چنانکه کفته شد

مثال طبیبه بوده باشد تکسیر تام کنند بدین نوع که نموده
می شود در روز ونظر سعد وساعت سعد در دوستی عمل
نمایند ودر روز ونظر وساعت نحس در دشمنی عمل نمایند
این است مظهر طریق کل اعمال حروف واعراب عدد بغیر
وپوشیده دارند که بغایت موثر است واکر این حروف ها

ه ط ی ب ط ی ب ه ی ب ه ط ب ه ط ی
ط ی ه ب ی ب ط ه ب ه ی ط

ه ط

م ط ب ی برشم ط م ی ب ی ط ب م ب ی م ط
م ب ط ی هندی ط م ب ی ی ط م ب ب ی ط م
م ی ی ط بنویسد ط ب ه ی ی ه ط ب ب ط ی م
م ب ی ط ط ب ی م ی م ب ط ب ط ه ی
اختلاف
م ی ب ط ط
م ی ط ب اعداد نیز برخیزد در هر مرات باشد

مثال ربع ۴ در ۴ بگشد و اعداد از ا بنویسد و در اسماء الهیه جفر یه ع از این اعداد ها طرح کند والف و هاء را در آخر در آورد بدین مثال بنقش طنطر داه و در اسماء ملائکه جمل و یک طرح کند و اول در آخر در آورد و از حرف اول بنا کند

مثال حسقائیل تا آخر در آورد خانه ۳۰۶ طرح کند یا ع ۳۱ طرح کند و در آخر وش

۲۱۰۹۵	۱۰۲۹۵	۵۱۰۲۵	۹۱۰۲۵	۹۲۲۰۵	
۲۹۰۵۲	۹۲۰۵۲	۵۹۱۰۲	۵۹۱۰۲	۵۹۱۰۲	۱۰۵۹۲
۹۰۲۱۰	۵۹۲۱۰	۵۹۲۱۰	۲۵۹۱۰	۲۹۵۱۰	۹۲۵۱۰
۵۲۱۰۹	۲۵۱۰۹	۲۱۰۵۹	۲۰۲۵۹	۱۰۵۲۹	۵۱۰۲۹

با نرش در آورد و شیاطین ۱ ع یا ۴۷ یا ۷۱ طرح کند و اس یا یاس داخل کند که اسماء و شیاطین و روحانیه باشد و روحانیه بر مثال اسماء الهی از آخر

کیرد و شیاطین چون اسماء ملائکه انرا وَل کیرد و در عمل
آورد که فائده تمام حاصل شود و این سه را از همه کس
مخفی دارد تا ویل شود

فائده در عمل کلیه اسم طالب واسم والده واسم
مطلوب واسم والده با هم دیگر حرفی وحرفی امتزاج دهد
وباسی دو حرف بدستور بر مخارج حرفی وحرفی ناممزوج
کردند وابتدا بحرف اسم طالب کند واکر خواهد این یک
سطر در عمل آورد با اسماء معکوس بیرون نماید واکر
خواهد تکسیر کند به ۲۸ سطر باز کردد و بخط مقطعات
کرمانی یکی بنویسد و در آتش اندازد تا چون فتیله بسوزد
ویکی بخط داودی بنویسد و در کنار آب روان دفن
کند یا در شربت بخورد مطلوب دهد یا عرق تکت پای
خود ویکی بخط فنوسانیه بنویسد و در وصله جامه
محبوب بپیچد و در عمل پاک در خاک کنند زینهار واز
خدا بترسد وعمل نا شایسته نکند که هرگز ابدی از حرف کرده
اخر نابینا شده نعوذ بالله

فائده و بهترین اعمال آن است که اسم طالب و مطلوب

تنها

در تسخیر جن

تنها ممزوج کند تا بینات ان واسماء الله حرف بحرف بیرون اورد واعداد سطر ممزوج در مربع ۳ در ۳ نهد وباخود دارد واسماء الله را مداومت نماید که مراد کلی رواند

مثال اسم طالب ح اج ی ح س ن وتبیناتش ل ف م واسم مطلوب ف ت ح ع ی و ب بیناتش ال م ن امتزاجش ح ف ا ت ج ح ی ع ح ی س و ن ب ل ا ف ل م م و ن واین ۲۲ حرف است ۱۹۲۳ عدد است اسماء الله بعدد حروف وعدد عدد بیرون اورند ۲۲۳ ع ۱ نوبت بخواند واین عدد در مربع نهد ودر دوستی ودشمنی ویا رو باران دهمه مرادی حرف اسم باسم ان چیز بدین صفت بیرون آورد که اکسیر اعظم است حروف غیر مکرر ح ف ا ت ج ی ع س ون ب ل م واین سیزده حرف است واسماء مستخرجه منها غنی جمیل واهب مهیمن مستعان واین ۲۲ حرف است وعددش ۱۹۲۳ است مطابق امتزاج مذکور والله اعلم

مثال در تسخیر جن ت س ا ح ی ر ج ن بینات

و د ل م ق بینات ثانی و ل م ف امتزاجات
ح ت ا س ج خ ی ی ح و س ج ه ن و د ل ا م
م ل م ح ف و این ۲۴ حرف است و ۱۷۷۶ عدد
است اسماء الله خلیل جلیل منیر منیف موهب
متین و این ۲۴ حرف است و ۱۷۷۶ عدد است
مجموع مرادات بدین مثال بر این انشاء الله

عزمت علیکم یا ایتها الجن بسم الله الجلیل الجلیل
المنیر المنیف المواهب المتین منخر والی الساعة و
احضروا عندی حتا سخیر سجنود لا ملعنحف
الساعة واگر بعد عدد مشکل افتد بعد حرف بیرون
آورد والله اعلم

مثال اسم طالب مجد الدین واسم مطلوب شاه علی
ممزوج مشجاردا علی دیش تا اسماء الله عالی
جلیل هادی شهید و هر روزی شانزده بار بخواند
اللهم یا عالی یا جلیل یا هادی یا شهید ذلل شاه
علی المجد الدین مشجار دها علی لدی شتا در حروف

اسم طالب ووالده وحروف برج طالع وقت وحروف کوکب
ان برج وحروف کوکب ان روز وحروف کوکب الساعت
وحروف طبیعت برج طالع وحروف اسم مراد یا دوست
یا غیره تکسیر کند وعمل نماید بطبیعت برج طالع وحروف
منازل برج قمر داخل کند البته وبوضع حروف اسطالعس
الاربعه دارد وحروف برج کوکب طالع که بمنابت مرتوا است
فائده کلیه مطلوب کلی حروف اسم طالب ووالده
وحروف اسم مطلوب والده وحروف اسم مراد وحروف
برج طالعین وحروف کوکب طالعین وحروف برج کوکب
طالعین وحروف برج کوکب طالعین وحروف برج طالع
وقت وحروف کوکب صاحب روز وبرج کوکب صاحب
روز وحروف صاحب ساعت وحروف برج کوکب صاحب
ساعت وحروف قمر وحروف برج قمر وحروف صاحب
برج قمر جمع کند وتکسیر کند بدوستی از اول وآخر ودشمنی
از آخر واول درپنج سطر تکسیر کند وسطر اول رها کند
وسطر دویم نار وسطر سیم هوا وسطر چهارم اب وسطر

در اسماء الله و خواص آن

پنجم خاک

کلی امور

فصل فایده و کلی در امور در ساعت حروف روز یا شب و حروف برج طالع و حروف درجات کواکب سبعه در درس ذر نب و حروف دو سال شمسی و حروف روز ماه قمری و حروف منازل قمر همه جمع کند و تکسیر کند تا هشت سطر و سطر اول خرج کند و باقی بعمل آورد و بحسب طبیعت برج طالع والله اعلم

فائده هرکه اسم ودود در تثلیث بایستی پس با قران زهره در حمل بچیزی خوانند که خورشید باشد ۶ ۴ ۶ ۴ باو بخواند بمطلوب خوانند از دوستی بیقرار گردد و باقی روز و نظر و ساعت و طالع گردد گاهی که موافق همه واقع گردد با سعد نکوئی کن و با نحس بدی تا جمله عملها ی تو نافع گردد

خواص اسماء

فائده در اسماء الله و خواص اسماء الله بر حق که خواهی حرف اول و پنجم و نهم و پانزدهم جهت محبت بر دارد و مراد و حصول مقاصد و حرف اول و هشتم جهة دفع قهر و دشمن و حرف اول و ششم دفع جلب و مرض جهة دوستی و دشمنی

حروف

و حرف اوّل دردو ازدهم برافتادن و هلاک دشمن و ادرکی
مثال دفع دشمن اسم قاهر دوست کردن دشمن را
نیک است که قاف از اسد و الف از حمل بتثلیث و تمام دوستی
است و ها از سرطان و را از حوت بتثلیث دارند واز
حروف اتش دارد و حروف تغیر طبیعت دارد پس جهت دوستی
گردانیدن دشمن نیک باشد
فایده اسم مذل میم ابجدی دارد و روحانیه مرغش
مذال از ذکر دارد که دوازدهم است بردوم و روحانیه
عطاردی و لام از سرطان دارد و روحانیه قمری و سرطان
و جدی مقابله دارد تمام دشمن و در هشتم سرطان خانه
موت و خوف و سرطان و ششم دلو است و جدی و دوازدهم
دلو است پس اسم مذل هم در حضرت الله قرار کننده
دشمن است و هم در عالم روحانیه و هم در خواص حروفیه
اعداد فرد دارد که در وسیط ۷۷۰ است و اگر تعزز
بالله بغیر حق دعوت کنند مراد خود نیابند و اما خود نیز در
ذلت اند دیگر اسم قوی ق از سه حرف ق از
میزان و حرف ی از قوس هر سه حرف تسدیس دارند

ورود مائید مشتری و زهره و شمس دارد و از معانی شمول قدرت و عظمت دارد پس این اسم اسم ظفر و مراد و سرا مرادی از قرآن و اقبال در امور است و درین شکل ره اسماء را قیاس فرمائید

فائده اگر کسی خواهد دو کسی را از کارهای ناشایسته باز دارد و می باید که اسم آن چیزها مقلوب بنویسد و اسم آنکس منصوب و بعد از آن امتزاج دهد در ساعت نحس در روز نحس و طلوع برج نحس و نظر نحس و در چیزی نقش کند بخور آنکس دهد

فصل در ادای دعوات اصل نیت چنان است که دعوت و خلوت و عزلت و بخور و ساعت و طلوع بجای آورد و در بیت التجا بحق رو بو بیت چنان کند

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ القَادِرُ بِحَاجَتِیْ وَاَنْتَ عَالِمٌ وَقَادِرٌ یَدْفَعُ اَعْدَائِیْ فَاَجْلِبُ اَحْبَابِیْ فَطَلَبْتُكَ وَكَلْتُ فِیْ كُلِّ اُمُوْرِیْ فِی الدِّیْنِ وَالدُّنْیَا وَالآخِرَةِ یَامَنْ هُوَ اَنْتَ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ هُوَ مُقْضِیُ حَاجَتِیْ وَاَنْتَ عَالِمٌ بِحَزَنِیْ دِیْكَ الْخَیْرُ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ

النور

دستور انچه حکما گفته اند انست که می باید
که در وقت دعا سعدی در طالع باشد و سعدی دیگر
در رابع در ابتدا و انتها عاقبت ان امور بخیر و خوبی
باشد دیگر گفته اند که سعدی در طالع و سعدی در
عاشر و مشرق باشند و در نظر نحس دور و دور رجعت
و احتراق دور و ماه با سعدین ناظر و از نحسین ساقط
و از بعض دعا اخرت ماه و خانها ی زهره متصل بزهره
در خانهای بزهره متصل بزهره یا در خانها ی مشتری ناظر
بمشتری بنظر سعد یا در یکی ازین چهار خانه متصل بزهره
یا مشتری و در با بهر دنیا همین بغایت مستحسن است و از
برای ضیاع و عقار قمر ناظر زحل بنظر شایسته و جهت
بزرگی و ریاست با آفتاب و جهت امارات و لشکرکشی
متصل بمریخ و جهت وزارت و طلب علم متصل بعطارد
و از برای ... متصل بزهره و دیگر و اگر کواکب مقارن
کف الخضیب باشد اجابت دعاها باشد و اگر
عطارد مقارن کف الخضیب باشد اصلاح تن دعا
کنند و اگر افتاب باشد بشجاعت و بزرگی و اگر

زحل باشد از وسط عمر تا اخر توانگری اما باید که
مسعود وقوی حال باشد والابر عکس بود واگر مشتری
باشد دعا کنند بر دشمن ظفر یابد واگر زهره باشد
مال یابد والات مراد یابد واگر مریخ باشد عاقبت
تشویش آورد دیگر گفته اند که در وقت دعا مشتری
با راس بود در عاشر یا یکی ازین دو در عاشر طالع
وقت دعا باشد ودر نحوست سالم وقمر از خداوند
طالع منصرف ومتصل مشتری یا از مشتری منصرف
ومتصل بخداوند طالع ودر وسط اسماء بود وسالم
ودور از نحوست که چنین وقت دعا مستجاب بود وخدا
وند طالع در عاشر هر ماه مراد از قمر مع کف الخضیب
حاصل است در اول طلوع وسرطان با نصف برج
اسد که میانی درجه قمر وکف الخضیب است در حد
تقویم اوست واگر چنین وقت میسر نشود مشتری با رئس
ودر وسط اسماء یا یکی ازین هر دو خداوند طالع سلیم
بود واز نحوست وقمر متصل باشد بسعودات درین وقت
دعا مستجاب است

نظم

طالع سرطان اصفر با نصف دل صاف و لباس پاک
منقول من جد
بوی خوش و کنج خلوت ای هرکس که دعا کند بمقصود رسد

دعوت اسم دیگر در محل و نمایندان و صحرا اما و از بلندی و حضور دل و خلوص نیت و وقت دهم قمر و مشتری ناراس در وسط اسما و زهره در طالع یا زهره در وسط اسما و مشتری در رس در طالع یا عکس ایشان و در نهم طالع هم اجابت دعا باشد جهت صلاحیت و عصمت و دوا از نحس و نظرات بد و اتصال نیک بکواکب منسوب بدان حال و امور چنانکه رفت و در وقت طلوع شعرای یمانی دعا را اجابت باشد و شعری در هشتم درجه سرطان است دلیل بر صحت قول مذکور است و از بزرگی صاحب الدعوات مذکور است که گفته هرگاه که ستاره‌ها کف الخضیب با ستاره‌ها قطب شمالی راست ایستاده هر دعا که کردم مستجاب شد و اختلاف در درجه این دو کوکب خواهد بود در آن باب استواء

ایشان دعا مستجاب میگردد

دیگر در حالت اضطرار البته دعا مستجاب است
و مضطر آنست که از محنتی گرفتار است که گشاده از
هیچکس امکان ندارد پس انکس دران حال بدرگاه
غیاث المستغیثین التجا کرده سر بسجده نهد و طلب
گشاده و مراد کند که حضرت حق سبحانه فی الفور مرادش
برا ورد امام فخر الدین رازی رحمه الله در سر مکتوم آورده
که هرگاه قمر مقارن مشتری باشد و راس جوزهر و مشتری
در وسط اسماء باشد ابتدای هر مرادی بزودی که کند
بمراد برسد و اگر دران وقت امید چیزی داشته باشد
بیابد و اگر قمر با یکی ازین دو کوکب که یکی از خاطف
دیگی از قیطرس گویند در وسط اسماء باشد ایشان
هرچه تمنا کند بیابد باذن الله تعالی

دیگر حکماء روبا تقدیم چه کرد ان خود را انعام
فرموده اند که هرگاه که طلبی داشته باشد از جاه و مال
و از سلاطین وقت در هر اقلیم که باشد هرگاه قمر در

منزل

در منزل ثریا نزول کند خانه خالی مهیا کند و چهار رطل
آرد میده به کلوچه پزد و خوشبوی گرداند و با روغن
و عسل و جوز بوید کند و بر خوان پاک نهد و عود مطرا
و غالیه و کافور حاضر کند و اگر از شب باشد چراغ روشن
کند پس اسم روحانیه کوکب آن اقلیم بخواند سه نوبت
و عود را بخور کند و بگوید ایها الروحانیه انی دعوتکم
الی هذا الخوان الذی قربت به الیکم وانا اسالکم
کذا و حاجت زبان راند از طلب مال وجاه و قرب سلاطین
وغیره پس از آن خانه بیرون آید و از آن طعام هیچ نخورد
که روحانیه کند باذن الله ارسطالیس حکیم روایت کند
از هرمس حکیم که گفت طلب داشتم از علوم اربعه کامله و
مدتی درین فکر بودم در خواب شخصی را دیدم در احسن وجوه
مرا تعلیم کرد فتح سرب را و گشادن طلسم آن و بعد از آن از او
سؤال کردم که شما چه شخصید فرمود که من طباع تامم
هرگاه که اراده کنی بدیدن من مرا یاد کن که مرا به
بینی ظاهر یا در خواب گفتم اسم شما کدام است فرمود

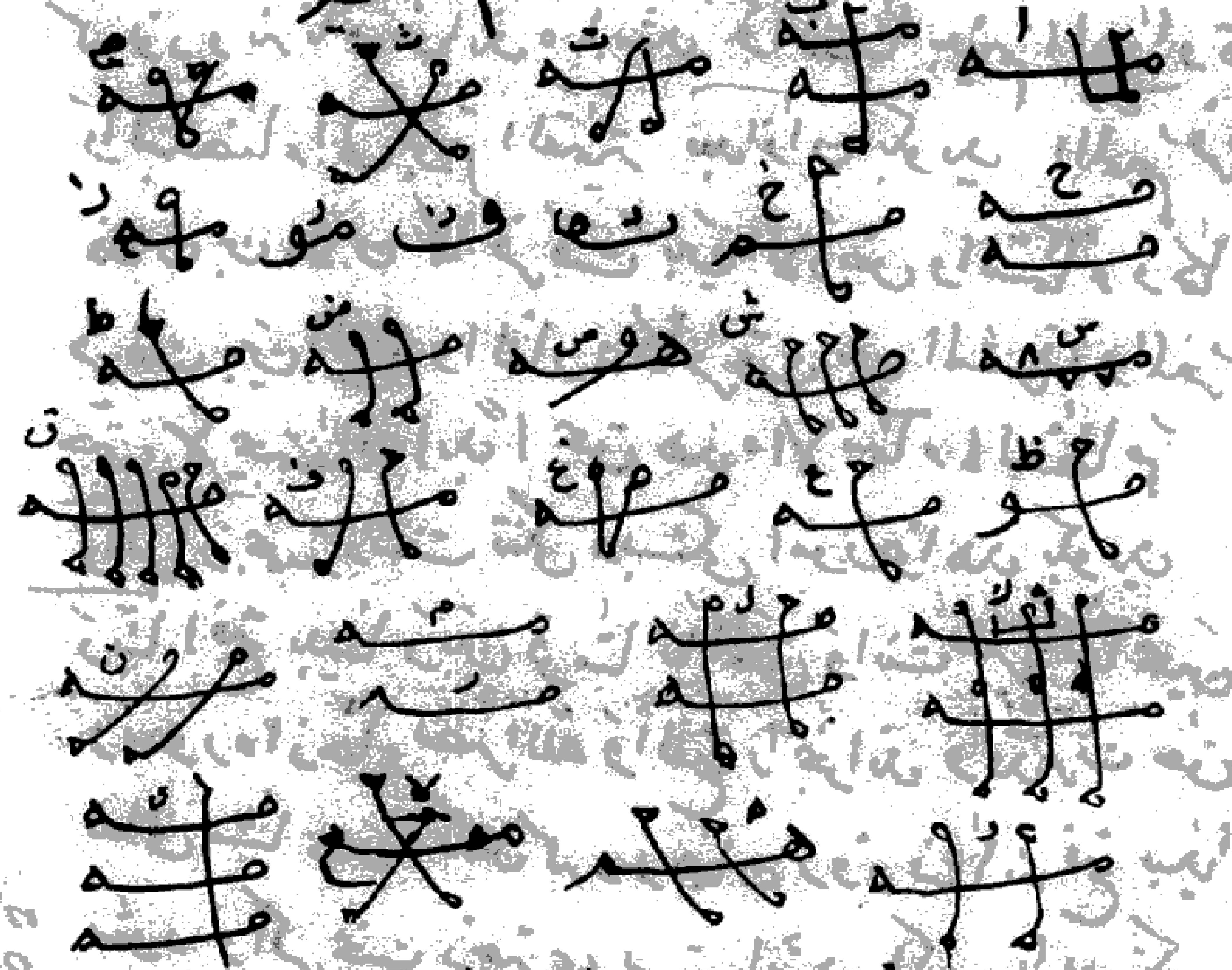
نماغیس فغذلیواز ورغذاس بونقداس
و در این اسماء در کتاب طلسمات اختلافات است واقع است
بدین صورت بماغیس نغذبواد رغزاس
برفعاویس و در نسخه دیگر نماغیش نغذبواد
وغزاس وعذاس دیگر فرمود که هر گاه مرا خوانی
چون ما و سر در برج حمل رسد خلوتی مهیا کن خواه در
روز و خواه در شب چهار قدح بیاورد و از آن چهار روغن
پر کن روغن کهنه روغن جوز روغن بادام و روغن گاوه میش
از هر روغن یک حلوا بساز پس خانه پاکیزه بسیار
و هر هشت قدح بر میزان بنه و در محلی بند ایستاده ۷ نوبت
این اسماء را بخوان که مراد بر بنی ظاهر محقق و در نسخه
دیگر فرموده که بعد از دعوت این اسم ۷ بار اسماء
اعوان مسبعه بخواند و در ین نسخه جهت دعوت اعوان
بخور مصطکی و قسط و کافور و قرنفل جدا بخور کند و عدد
مطراحدا و در ین نسخه ابتدای دعوت در اول درجه
ثبا فرموده که ما بین این ۲ روز است و دلالت این بران
است که قمر بمقارن کف الخضیب میرسد و اسماء اعوان

این دکر

این است کنیزادرس تعادکوس هذیماس
طوعس اقدوردپاس حوهیس عکبوبس
ارسطالس از طلسمات درسایر دو نوبت این دعوت
فرموده و در نسخه دیگر هر ماه یک نوبت که سر حکمت
و رؤیت روحانیات او را حاصل شود و در کل امور
بمراد برسد انشاءالله

قلم قلقطر است

قلم قلقطر



وهو طبایع مزجم ا ب ت ث ج ح خ د

ذ ز ز س ش ص ض ط ظ ع غ

٨٢ عج ک ر ح ب ض مه ه ٥ ع

ف ق ک ل م ن و هو لا ی

١١ وه کی کمس ط ٥ ح ه ح ٥ه هه کی ٢١

ازبرای محبت

ازبرای محبت صدویک نوبت نوزرنام بخوانند برشرینی و بمطلوب دهد که موثر است واکر فراق میان دو دشمن یا دو حرام خواهد دراخر بکوید بینی دراخر صد ویک نوبت که نوزده نام خوانده باشد وَالْقَينا بينهم العداوة والبغضاء الى يوم القيامة بعد ازان بکوید اللهم فرق فلان بن فلان کما فرقت بين الارض والسماء وكما فرقت بين الثلج والنار وكما فرقت بين المشرق والمغرب حتى لا يجتمعان ابداً بحق هذه الاسماء العظام

واكر از بجهة دست تنکی وبستکی امور خواهد بکوید رَبَّنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت خير الفاتحين وسوره اذا جاء نصر الله والفتح را بخوانند وقدرت حق تعالى مشاهده کند که درهمان روز نشانه فتح پیدا شود واکر بخت دختری بسته باشد یا کسی را بستکی باشد برکشته عدد خواند در روز بردامن انکس ازانند

کشاده شدن بخت دختر

ک

در بیان کشاده بسته دختری

که کشاده گردد و اگر کسی را بسته باشند بهمین نوع
عمل کنند که فتح شود و در همه امری شرط دعوت صد
و یکبار است و بخور خوش در همه حال و اگر از جهت دفع
دشمن باشد در اخر دعوت سوره الم تر کیف بخواند
و بگوید اَللّٰهُمَّ یَا رَبِّ کَمَا صَرَفْتَ شر اصحاب الفیل
من الکعبة فاصرف شر هذه العدو عنی و اگر جمعی باشند
هذه الاعداء عنی بگوید و در ابتدای خواندن سورها نام
باری تعالی بهر مرادی که دارد بخواند
یَا مَنْ هُوَ اَنْتَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ الْمَلِکُ الْقُدُّوْسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ
الی اخره الصَّبُوْرُ الَّذِی لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُوْلَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ
کُفُوًا اَحَدٌ و اگر کسی مرضی داشته باشد که بهیچ نوع علاج
پذیر نباشد نود و نه نام را بر صحن چینی با قلم نویسد
بمشک و زعفران و گلاب باب بشوید و بعسل شیرین کند
و باتش گرم کند و در محل خواب بخور آن بیمار دهند البته
شفا یابد و اگر ان آب بر کفن مرده بر برزند چون اورا در
گور نهند از عذاب قبر تنگی لحد حضرت حق تعالی اورا محفوظ
دارد بفضل و عنایت بی نهایت

عدد یا قابض بجهت هلاک عدو

ق	ا	ب	ض
٩٢	٢٧٠	٢٧	١٤
٢٠٦	٢٤	٣٢	٨١
٢٠	٥١	٢٤٣	١

ایضاً عدد یا قابض نسخه دیگر

ق	ا	ب	ض
٧٧١	٢٠	٨٤	٣٢
٢٥	١٨	٢٠٨١	٧٩
١	١٤٣	٣٤	٣

نسخه دیگر

ض	ب	ا	ق
٣٢	٨٤	٢٠	٧٧٢
٧٩	٢٠٨١	١٨٠	٢٥
٣	٣٤	١٤٤	١

عدد یا فتاح یا فتوح و یا رزاق باسم طالب ومطلوب

٤٥٤٩	٤٤٧٢	٤٥٤٧	٤٥٤١	٤٥٥٥
٤٥٤٢	٤٥٥٤	٤٥٥٠	٤٥٤٩	٤٥٤٨
٤٥٧٠	٤٥٤٣	٤٥٤٢	٤٥٥٧	٤٥٥١
٤٥٥٨	٤٥٥٣	٤٥٧١	٤٥٦٥	٤٥٥٩
٤٥٤٤	٤٥٩	٤٥٥٣	٤٥٥٢	٤٥٧٢

اگر سوره فاتحة الکتاب با وی داخل کند در نوشتن خاصیت این بدرجه الکمال بود واگر میان دو تن موافقت نباشد ازاین اسماء ایشان را بخوراند البته بصلاح آید درهرچه خوانند وایشان را دهند تا بخورند البته مراد یابند بوزن وزن نام ۱۱۱ ه فاتحة الکتاب ۱۴۳

فائده بدان ای برادر که این سر نیست عظیم از سرها و عزیمتها بخواند هم بر چیزی دهد که خواهد بدهد تا او بخورد محبت وی شود وعدد هفتاد مرتبه است واین سر نیست میان نور ونفس تو زنهار بحرام نکنی

ارهیش ارهیوش اقطش اهنوش ارکبوش آرزلوش مطیطاش الوحا یا معشر اهل القرآن السامعین المطیعین انطلقوا اکذا بروید بمقام فلان ابنت فلان بیقرار دارامش کند از عشق ومحبت این فلانه واگر هفتاد مرتبه باسم آنکس بخواند دبا ابریشم د باد بران طرف بدمد وبگوید ۲۴ م راحاضر کرد حاضر شود واگر بنویسد وبر بازو بازو ابندد آنکس بیقرار شود والله اعلم

نظیره اول

ا	ی	ق	غ	ب	ک	د	ج	ل	ش	د	م	ت	ه	
ن	ث	و	س	خ	ز	ع	ذ	ح	ف	ض	ط	ص	ظ	

نظیره دوم

ا	ه	ط	ف	ف	ش	ز	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
ج	ز	ل	ن	ق	ث	ظ	د	ح	ل	ع	د	خ	غ

نظیره سیم

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰	۲:
۲	۹۰	۵	۶۰	۳	۴	۷	۸۰	۵۰	۶۰	۲۰	۳۰	۹۰	۱۰۰	۷	۸	۴۰۰	۵۱	۱۲	۱۱

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۹	۱	۶	۲۰	۳۰	۴۰	۱۰	۲

قاعده اول سطر سؤال جمع کن به بین چند عدد است
بعد از آن عدد را مقارنه کن عدد سطر را بعد از آن مقارنه
را ببر به صفحه چون زوج فرد کرده باشی انگاه از صفحه
بیرون اور وان حروف را که از صفحه بیرون اورده بحروف
ابجد ببر بعد از آن طرح عناصر یعنی ۴ در ۴ طرح کن
تا تمام شود سطر را اما حروف اورا حساب مکن وشماره
کن بعد از آن سطر خود را صدر مؤخر کن یکی از اول برد
ار و یکی از اخر تا تمام شود بعد از آن ببر به نظیره اول
۱ نظره

نظیره دویم و نظیره سیم انگاه سطر سؤال بنویس والله اعلم

نوع دیگر سئوال مبکنی بعد کل عدد را جمع میکنی و بنویسی و میکوئی عدد کبیر مثلا بعد عدد وسیط از کبیر میکیری و جدا مینویسی مثلا ۱۴۸ و بعد از ان از وسیط عدد صغیر میکری و مینویسی مثلاً ۱۹ و بعد از ان عدد نقاط را جمع میکنی و مینویسی مثلاً عدد نقاط و بعد از ان عدد کاملا بقا که جمع الاعداد است مینویسی مثلا ۱۳۵۲ است انها را بسط بحروف میکنی ۱۰۲ مینویسی مثلاً

زای از اف ع ی ن تا اخر بدین قیاس سطر اول که از حساب برون آمده است که مستحصله باشد ببر بمتا رنه و بعد که بمتا رنه بردی ببر و صحیح و قتیکه زوج و فرد کرده باشی که همه زوج باشد و بعد که از صفحه برون اوری بنظیره اول چون به نظیره بردی انوقت طرح کن بطریق عناصر حرف اول را بنویس و حساب بکن و بعد چهار چهار طرح کن تا تمام شود دیگر بعد از طرح عناصر ان سطر را ببر به نظیره دویم چون بردی بعد از ان سطر ها صدر مؤخر کن یعنی یک حرف از دست راست و یک حرف از دست چپ چون نظیره سطر خود را صدر مؤخر

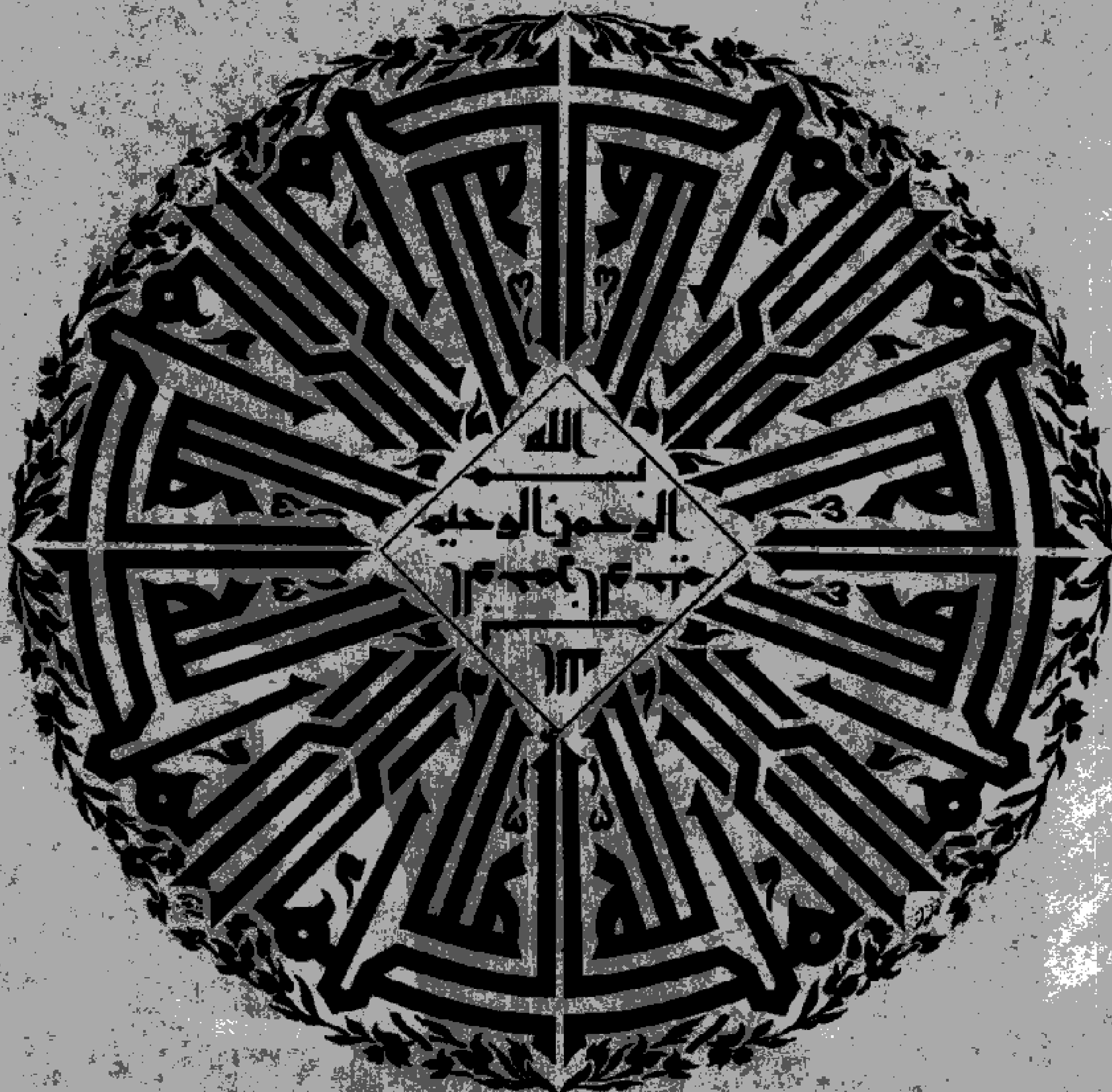
سؤال از جفر جامع

کردی به بران سطر را به نقطه سیم که جواب بدرون آید
مطابق سؤال انشاء الله تعالی تمت بالخیر

سؤال از جفر جامع گر بخواهی — یکی مستحصد برخود اساس
نداند ناپای این معما — چه دانستی چه دانستی بزدان
ترقی و ترفع هم تنزل این ان — اگر یابی تانی از اهل عرفان
بقسمت چارکن هر حرف خود را — بجای خود گذاران بهر دهان
چنان قسمت که میدانی زخارج — اگر دانی از اول قسمت آن
پس انگه کرش یکش نابرانی — که گردی با بنیا زاز خلق دوران
اگر یابی کن ظاهر بهر کس — چه اسم اعظم ان رکن ترتهان
تو بروج بس داده ترفع — غفخ ترصع ترقی ده بجنبدان
تنزل طا زبن ث دست قص — مساوات اجبر بکم دان ان
چه دانستی سؤال از هر چه خواهی — بکی بشنو جواب خود ترا اکنون
چه دانستی زنا اهلش نهان دار — ما را سر بهی در پهلوی ان
مشو غافل از این بندی مرادر — که این است اسرار صدر شاه مردان
زاهلش گر نباشی هر چه پرسی — نمی جنبی جواب خود تراسان
فغیر این نکته رز محدوده دارد — این است دایره ترفع با تزل

تمت





www.telasm.com